روزنامه مدیریتی - اقتصادی

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

سه‌شنبه
۲۲ آبان ۱۴۰۳

Tue.12 Nov 2024
۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ - سال نهم
شماره ۲۵۸۰
۸ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

www.forsatnet.ir

تجارت غیرنفتی ایران به ۷۲ میلیارد دلار در ۷ ماهه امسال رسید

چالش‌های تراز تجاری در سال ۱۴۰۳

آنطور که گمرک ایران گزارش داده است، از ابتدای سال جاری تا پایان مهرماه، تجارت خارجی کشور به استثنای نفت خام نفت کوره، نفت سفید و بدون احتساب صادرات از محل تجارت چمدانی به ۷۲ میلیارد دلار رسیده است. گمرک ایران در آخرین گزارش خود، آمار و اطلاعات تجارت خارجی کشور در هفت ماهه امسال را منتشر کرده است که براساس آن، میزان صادرات...

۴

بالاخره افزایش حقوق کارمندان با نرخ تورم همگام می‌شود؟

چرخه معیوب دستمزد و تورم

فرصت امروز: اقتصاد ایران از ناترازی‌های مختلفی رنج می‌برد که از ناترازی بودجه و انرژی تا ناترازی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی را شامل می‌شود. ناترازی‌هایی که بهم مرتبط هستند و حالا سایه سنگین آنها - مثل ناترازی برق و گاز - به زندگی روزمره مردم رسیده است؛ تا جایی که با تصمیم جدید دولت و با هدف جلوگیری از آلودگی هوا، «مازوت‌سوزی» در سه نیروگاه بزرگ کشور (اصفهان، اراک و کرج) متوقف شده و قرار است «خاموشی منظم» جای «مازوت سوزی» را بگیرد. اقتصاد ایران همچنین شاهد ناترازی بودجه دولت است و علی رغم انتظار بحق کارمندان و بازنشستگان مبنی بر افزایش حقوق متناسب با تورم، متاسفانه تناسبی بین افزایش حقوق و افزایش تورم در سال‌های گذشته وجود نداشته و این موضوع هر ساله در فصل بودجه‌ریزی دولت چالش‌برانگیز شده است. البته میزان افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت صرفا متأثر از نرخ تورم سالانه نیست و عوامل دیگری نظیر حدود اعتبارات هزینه‌ای و پیش‌بینی میزان تحقق درآمدهای دولت نیز نقش مهمی در تعیین این موضوع دارند. از سوی دیگر، عدم تناسب افزایش حقوق و مزایای کارکنان با نرخ تورم می‌تواند موجب کاهش قدرت خرید و کاهش سطح رضایتمندی آنها شود و همچنین بهره‌وری و کارآمدی نظام اداری کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. با این وجود، به دلیل سهم ۴۴ درصدی حقوق و مزایای گروه‌های...

۲

هم قیمت طلا و هم قیمت سکه یک کانال سقوط کرد

تکانه قیمتی در بازار طلا و سکه

۳

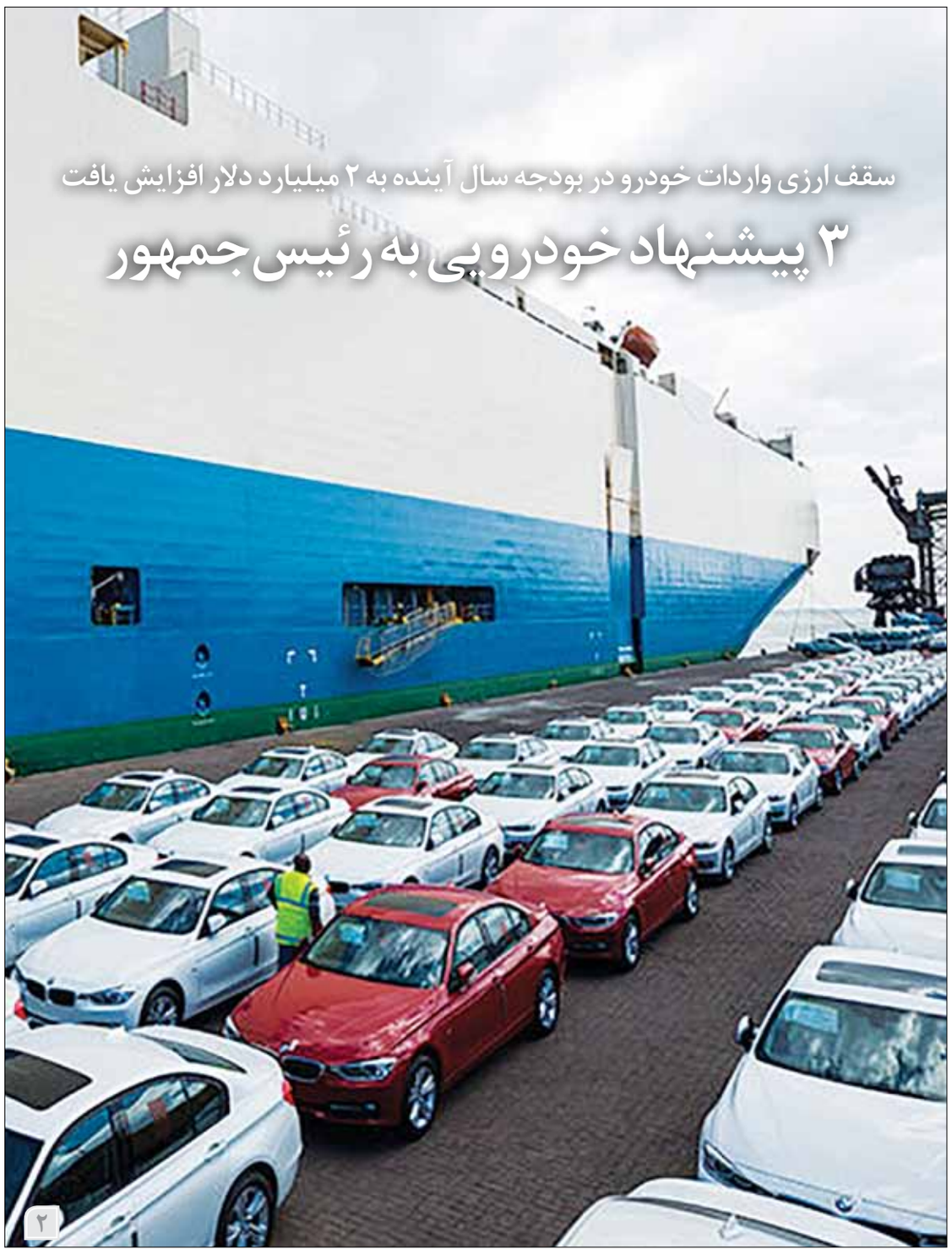

سقف ارزی واردات خودرو در بودجه سال آینده به ۲ میلیارد دلار افزایش یافت

۳ پیشنهاد خودرویی به رئیس جمهور

۲

نگاه

پاشنه آشیل برنامه هفتم

حسن فروزان‌فرد
عضو اتاق بازرگانی تهران

در حال حاضر، کشور در سطح داخلی و بین‌المللی در مضیقه تامین مالی است. به دلیل محدودیت‌های سیاسی و تحریم‌ها، دسترسی به منابع مالی برای توسعه از نظر بین‌المللی کاملا محدود است و در داخل هم با توجه به مشکلاتی که به دلیل تورم داریم، سیاست‌های شدید انقباضی بانک مرکزی و توسعه‌نیافتگی بورس، دسترسی به منابع مالی برای توسعه بسیار ناچیز است. وقتی از رشد ۸ درصدی صحبت می‌کنیم، یعنی یک مقدار قابل توجهی سرمایه‌گذاری سالیانه لازم است. مهمترین چالش ما برای دسترسی به رشد ۸درصدی، ناتوانی در جذب سرمایه‌گذار خارجی و تامین منابع مالی است. اگر بخواهیم تا اندازه‌ای بر وضعیت فعلی فائق شویم و تا اندازه‌ای از ظرفیت‌های‌مان بیشتر استفاده کنیم، شیفت کردن به مفهوم بهره‌وری ضروری است. در خود قانون برنامه هم آمده است که باید حداقل یک سوم از میزان توسعه مشخص شده، حاصل بهبود وضعیت بهره‌وری باشد. ما باید ببینیم که متولی امر بهبود بهره‌وری در کشور چه کسی است؟ باید توجه کرد فرد یا سازمانی که مسئول این کار شده است چه جایگاهی دارد، چقدر بودجه دارد، چقدر امکان اجرا دارد و چقدر فعالیت‌ها و پیشنهاداتش ضمانت اجرایی دارند؟

ادامه در همین صفحه

مدیریت و کسب‌وکار

مدیر کار و زندگی خودتان باشید!

زندگی برای خیلی از مردم دنیا به جای اینکه پر از هیجان یا اتفاقات تازه باشد، پر از چالش‌هایی است که یکی پس از دیگری از راه رسیده و زندگی را تبدیل به پازلی هزار تکه می‌کنند. اینطور وقت‌ها آدم نه تنها انگیزه‌اش برای کارآفرینی را از دست می‌دهد، بلکه دیگر دل و دماغی برای زندگی شخصی‌اش هم نخواهد داشت. در نقطه مقابل چنین وضعیتی مدیران موفقی هستند که انگار اصلا شکست یا بحران برای‌شان تعریف نشده است. چنین مدیرانی مثل آب خوردن هر بحرانی را تبدیل به فرصتی بی‌نظیر برای برندشان می‌کنند. خب اگر بقیه می‌توانند چنین کاری را با زندگی حرفه‌ای‌شان کنند، چرا شما نتوانید سر کار و همین طور خانه با همین دست‌فرمان پیش بروید؟ ما در روزنامه فرصت امروز معتقدیم هر کس باید مدیر کار و زندگی خودش باشد. شاید شما در یک شرکت بین‌المللی بزرگ به عنوان کارمند معمولی فعالیت داشته باشید، اما هیچ چیز جلوی شما را نگرفته...

۸

پاشنه آشیل برنامه هفتم

به نظر می‌آید سازمان ملی بهره‌وری که در حال حاضر فعالیت می‌کند، هیچ تناسب لازمی با این هدف‌گذاری برنامه توسعه ندارد؛ یعنی سازمانی که به عنوان متولی بهبود بهره‌وری در کشور فعالیت می‌کند، توانایی‌هایش، جایگاه علمی‌اش، اندازه‌اش، جایگاه قانونی‌اش و موارد دیگر، متناسب با زمینه بهبود بهره‌وری در کشور نیست. بنابراین به نظر من، موضوع اساسی با توجه به محدودیت‌های موجود، فضا دادن به فعالان اقتصادی و هم مجموعه دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی به بهبود بهره‌وری است. در واقع، استفاده مناسب‌تر از امکانات موجود در دستور کار همه باید قرار بگیرد و باید گزارش‌دهی منظم فصلی و سالیانه هم داشته باشد. از آنجایی که بودجه با دقت هرساله طراحی می‌شود و گزارش‌دهی در مورد آن اتفاق می‌افتد، سازمان برنامه و بودجه نیز باید در حوزه بهبود بهره‌وری، هدف‌گذاری‌های روشن برای همه دستگاه‌ها داشته باشد و در زمینه تحققش دقت نظر کند. همچنین مجلس شورای اسلامی هم باید در این زمینه نظارت داشته باشد؛ زیرا خود مجلس شورای اسلامی این قانون برنامه را تصویب کرده است.

از نظر من، پاشنه آشیل یا چشم اسفندیار دستیابی به شرایط حرکت در ریل توسعه اقتصادی در وضعیت کنونی، حضور بنگاه‌های اقتصادی در بخش عمومی و خصوصی است. تنها از همین راه می‌شود به منابع مالی برای ایجاد توسعه از طریق سرمایه‌گذاری دست پیدا کرد. در شرایط فعلی، تنها راه باقیمانده در کوتاه مدت و با وجود چالش‌های سیاسی، توجه به همه بنگاه‌ها در سطح بخش خصوصی، بخش عمومی و همینطور همه دستگاه‌های دولتی به منظور بهبود بهره‌وری است. این نکته بسیار اساسی و کلیدی است. من به صورت دقیق در مورد رشد ۸ درصدی صحبت نمی‌کنم؛ زیرا به عقیده من، رشد ۸ درصدی به چیزی بیشتر از حداقل ۲۰۰ میلیارد دلارسرمایه‌گذاری سالیانه نیاز دارد. من در مورد چیزی کمتر از یک سوم این رشد صحبت می‌کنم؛ خود برنامه هم نزدیک به یک سوم از این رشد را برای سومین بار در سه برنامه پیاپی گذشته، درخواست و هدف‌گذاری کرده که از طریق بهبود بهره‌وری باشد. قسمتی از این بهبود بهره‌وری‌ها، خود نیازمند سرمایه‌گذاری است؛ مثل استفاده از تکنولوژی‌های جدید، دستگاه‌ها و ماشین‌آلات جدید و سایر موارد.

قسمتی از بهبود بهره‌وری‌ها را می‌شود با بازنگری به روش‌های انجام کار، نحوه استفاده از منابع، اصلاح ساختارها و اصلاح روش‌های انجام کار صورت داد که این بخش‌ها، هزینه‌بری کم و سرمایه‌گذاری کمتری لازم دارد. به نظر من، این بخش‌ها اگر متولی پیگیری در کشور داشته باشد، قابلیت اجرایی دارند. دستگاه‌ها و بنگاه‌ها، چه در سطح بخش خصوصی و چه در سطح دولتی و حاکمیتی، موقعی روی زمینه‌ای تمرکز می‌کنند که ببینند برای دستگاه‌های نظارتی، دستگاه‌های کنترلی و دستگاه‌های مالیاتی، این مسئله اهمیت دارد و به آن توجه می‌کنند.

بازار آب؛ گامی برای خروج از بحران

انوش نوری اسفندیاری، تحلیلگر حوزه انرژی

فاصله میان عرضه و تقاضای آب، پیامدهای آلودگی منابع و افت مداوم سطح آب زیرزمینی، به‌طور روزافزونی، گستره و عمق بیشتری پیدا می‌کند. تقریبا روزی نیست که خبر یا خبرهایی درباره خشکی تالاب‌ها و کاهش رطوبت خاک و ایجاد چشمه‌های گردوغبار، تخریب تأسیسات و بناها و زیرساخت‌ها در اثر نشست زمین، آلودگی محصولات در اثر استفاده از فاضلاب‌ها، خسارات باغات و مزارع در اثر کم‌آبی، نارسایی کمی و کیفی در تأمین آب مراکز جمعیتی، از کانال‌ها و رسانه‌های مختلف دریافت نشود. ابعاد مسائل آب به‌عنوان موضوعی چندوجهی از مصارف بی‌رویه فردی، فراتر رفته و مانند کلافی با موضوعات مختلف خوداتکایی در تولید، ایجاد درآمد و اشتغال و کاهش فقر، مقابله با فساد، تأمین آب بهداشتی و دفع اصولی فاضلاب‌ها، تأمین حداقل نیازهای محیط‌زیستی و ملاحظات و خطرات هیدروپلیتیکی و امنیت ملی، درهم‌تنیده شده است. در جست‌وجوی باز کردن این کلاف و پیدا کردن نقطه شروع مناسب با کارکرد اهرمی و مؤثر، به ناگزیر باید به سراغ افزایش بهره‌وری در حوزه مدیریتی و برنامه‌ریزی آب رفت.

موضوع بهره‌وری در مباحث مدیریتی و برنامه‌ریزی معمولا با دو مؤلفه اثربخشی (Effectiveness) و کارایی (Efficiency) سروکار دارد. در حوزه اثربخشی، درستی هدف‌ها و جهت‌گیری‌ها مطرح است. در حوزه کارایی، چگونگی تحقق هدف‌های انتخاب‌شده مهم است. درهرصورت، اگر انتخاب و اولویت‌بندی و یا موازنه میان هدف‌ها و جهت‌گیری‌ها نادرست باشد، افزایش کارایی در مسیر هدف‌های نادرست، حتی می‌تواند برای جامعه بسیار زیان‌بارتر تمام شود. بنابراین در حوزه بهره‌وری، توجه به اثربخشی (درستی کار)، دارای اولویت بیشتری نسبت به کارایی (انجام درست کار) است. نمونه بارز ایجاد مسئله در این زمینه، اقدامات مربوط به توسعه سامانه‌های آبیاری در دشت‌های ممنوعه برای ایجاد تعادل در ذخایر آب زیرزمینی است؛ حال‌آنکه شرایط نهادی استفاده از این نوع فناوری‌ها بیشتر در مسیر افزایش کارایی آب کشاورزی است تا ایجاد تعادل در آبخوان‌های زیرزمینی. بررسی تجربیات متعدد نشان داده که اقدام به توسعه کاربرد فناوری‌های نوین آبیاری در بهترین حالت، به افزایش کارایی می‌انجامد و با افزایش کارایی و سودآوری آب، انگیزه‌های بهره‌برداران برای برداشت و مصرف بیشتر آب تقویت می‌شود و برداشت از منابع آب کاهش نمی‌یابد. هدف کاهش برداشت و تعادل بخشی و هدف افزایش کارایی، دو هدف مستقل هستند که لزوما در یک مسیر قرار ندارند. ایجاد تعادل در آبخوان‌ها، خیر عمومی مرجح‌تری تلقی می‌شود که ابتدا باید به آن دست یافت.

بررسی و تعیین هدف‌ها و ایجاد رابطه میان آنها، اقدام بسیار حساس و دقیقی است که معمولا در حوزه سیاستگذاری در نهادهای قانونگذاری، برنامه‌ریزی و دفاتر برنامه‌ریزی کلان و راهبردی دستگاه‌های اجرایی اتفاق می‌افتد و نتایج خود را در اسناد بالادستی نشان می‌دهد. در این سطح، هدف‌های متفاوتی وجود دارند که رابطه و نسبت آنها با یکدیگر باید مورد بررسی واقع شوند، چون تعقیب یک هدف معمولا ممکن است در جهت مخالف دیگری باشد. در حوزه آب، شواهد و دلایل مختلفی نشان می‌دهد که راهگشایی از طریق سیاست‌ها و راهبردهای توسعه‌ای متناسب با محدودیت شدید منابع آب کشور، بر افزایش اثربخشی مدیریت منابع آب بسیار مؤثر است؛ چون کشور ایران برای رعایت موازین توسعه پایدار، به ناگزیر باید بتواند اقتصاد بزرگ‌تری با مصرف منابع آب کمتر داشته باشد. برای حصول به این جایگاه، به‌عنوان‌مثال می‌توان از اهمیت تدوین برنامه جامع افزایش اشتغال و درآمد با استفاده از منابع آب کمتر در سازگاری با مقتضیات منابع آبی کشور نام برد یا مبحث ایجاد موازنه مناسب میان امنیت آبی، امنیت غذایی و امنیت انرژی با هدف ایجاد تعادل در تغذیه و برداشت آبخوان‌ها و منابع آب زیرزمینی که در واقع، صیانت از امکانات زیستی و ظرفیت تولید مواد غذایی در آینده است. این نوع مباحث در سطح تنظیم سیاست‌های توسعه، به ناگزیر ما را به بحث‌های دیرینه مکان‌یابی و انتخاب صحیح نوع فعالیت‌ها و اسکان مناسب جمعیت از نظر دسترسی به منابع آب و ایجاد آلودگی هدایت می‌کند. البته به این مجموعه باید موارد دیگری را نیز افزود، مانند استفاده مناسب از فناوری، اصلاح سبک زندگی و الگوهای مصرف، کاهش هزینه‌های ناهماهنگی، عدم همکاری و موازیکاری و بی‌تفاوتی و کم‌کاری، مهار کانون‌های اختلاف‌برانگیز براساس انصاف و اجرای همسان مقررات، انتخاب ترکیب مناسبی از فرآیندهای حکمرانی از نظر فرمان و کنترل، انگیزه‌ها و سازوکارهای قیمتی و اقتصادی و یا مدنی و اجتماعی و انباشت سرمایه‌های اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی. این‌گونه موارد، از موضوعات مهم در حوزه سیاستگذاری و سیاست‌پژوهی آب به‌شمار می‌آید.

پیگیری اجرا و تحقق سیاست‌های کلان در نهادهای اجرایی و شرکت‌های کارگزار مانند شرکت‌های آب منطقه‌ای و شرکت‌های آب و فاضلاب اتفاق می‌افتد. این موضوع، خود را در برنامه‌های عملیاتی نشان می‌دهد. افزایش حجم آب قابل تنظیم، توسعه سطح شبکه‌های اصلی و فرعی تحت پوشش، توسعه سطح اراضی تسطیح شده و مجهز به امکانات نوین آبیاری، کمینه‌سازی و کنترل هزینه‌های اجرایی، افزایش راندمان آبیاری و اخیرا افزایش بهره‌وری و کارایی آب با تکیه‌بر سامانه‌های آبیاری تحت‌فشار، افزایش نصب کنتورهای هوشمند بر چاه‌ها، قیمت‌گذاری و بازیافت هزینه‌ها، کاهش آب به‌حساب نیامده، افزایش ضریب وصول مطالبات از مشترکین از نمونه‌های هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح مدیریت اجرایی و عملیاتی برای افزایش کارایی محسوب می‌شوند.

نگرش به آب به‌عنوان محرک و پیشران توسعه و تکیه به طرح‌های آب برای تحقق هدف‌های توسعه منطقه‌ای، از جمله مشکلات بینشی، ذاتی و دیرینه مدیریت عرضه آب در حوزه اثربخشی و سیاستگذاری محسوب می‌شود. در دیدمان آب به‌عنوان «محرک توسعه»، تصور بر این است که با کنترل، استحصال و توسعه منابع آب، توسعه به مفهوم «نوسازی» در مناطق توسعه‌نیافته شکوفا خواهد شد. بیشتر طرح‌های توسعه انجام‌شده در کشورهای مختلف ازجمله ایران از گذشته تاکنون عمدتا با این دیدگاه برنامه‌ریزی و اجرا شده است. در این دیدمان، تمرکز بر حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و سایر منابع طبیعی است. در نتیجه معمولا به ظرفیت‌ها، نیازها و تقاضاهای جامعه محلی و سازمان اجتماعی موجود آنها، توجه چندانی نمی‌شود. با حربه و سلاح «نوسازی» خطوط مبهم و گاه ناهماهنگ سیمای تغییرات و توسعه در منطقه موردنظر از بالا به پایین، بدون برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه‌ای یا بررسی و آشکارسازی ترجیحات بهره‌برداران واقعی و یا بررسی ساختار انگیزه‌های جامعه محلی، ترسیم می‌شود. برای انجام این «نوسازی» و پیشبرد اقدامات، تکیه عمده بر نظام متمرکز اداری و تکنوکرات‌های حاضر در نظام‌مهندسی مشاور و دستگاه‌های پیمانکاری است. گویی این اقدامات با صحت‌سنجی کامل و در تطبیق با واقعیت و سازوکارهای طبیعی، اقتصادی و اجتماعی طرح‌ریزی شده‌اند؛ یعنی دیگر نیازی به برنامه‌ریزی اجتماعی و ارتباطی برای حضور ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها به‌منظور همراه و همگام کردن جامعه محلی و اقدامات منسجم کلان‌تری چون مدیریت پیشران‌های توسعه و ایجاد هماهنگی و همکاری و تعهدات لازم از نظر مکان‌یابی فعالیت‌ها، انتخاب نظام اقتصادی متناسب و سبک زندگی و تغییرات اجتماعی وجود ندارد. احتمالا به‌تبع چنین رویکردی، نظارت و ارزیابی‌های مشخص در بازه‌های زمانی مناسب نیز رنگ می‌بازد، با این تصور یا توهم که چون اقدام اصلی درست است، بقیه موارد خودبه‌خود هماهنگ و سازگار می‌شوند.

سطوح و حوزه‌های متفاوتی را برای اقتصاد آب می‌توان در نظر گرفت. در سطح اثربخشی: مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و مالی در سطح ملی، حوزه آبریز، استانی و جامعه محلی. در سطح کارایی: اقتصاد بنگاه و قیمت‌گذاری و بازیافت هزینه‌ها در شرکت‌های کارگزار. در شرایطی که در نظام حکمرانی آب، تکیه اصلی بر سازوکارها و فرآیندهای سلسله‌مراتبی و اداری است، بهبود ساختار انگیزه‌ها و رقابت در زمره اقدامات حاشیه‌ای قرار می‌گیرد. در این نظام حکمرانی آب، جایگاه نهادی بخش خصوصی و نهادهای مدنی مناسب نیست و به‌طور ساختاری امکان تقویت سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد. در مدیریت دولتی عرضه‌گرا، هدف واقعی قیمت آب در یک بستر انحصاری، بازپرداخت هزینه‌ها است. افزایش قیمت‌ها، بار سیاسی زیادی به همراه دارد. اطلاعات مربوط به احجام آب تحویلی و مبادله‌شده، هزینه تمام‌شده و کیفیت آب از شفافیت لازم و سهولت دسترسی برخوردار نیست. در نقطه مقابل، در مدیریت تقاضاگرا به فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی (شبکه‌ای) مجال بیشتری داده می‌شود و قیمت‌های مؤثر مبتنی بر حجم آب در یک بستر رقابتی برای کنترل و مدیریت تقاضا و کاهش آثار محیط‌زیستی، مطرح و امکان‌پذیر است. بنابراین در یک مدیریت متکی به عرضه بیشتر آب که به‌ویژه درباره آب کشاورزی اغلب امکان اندازه‌گیری درست حجمی وجود ندارد و بخش مهمی از تلفات در خارج از حیطه کنترل مصرف‌کننده نهایی است (مانند استفاده از آب لوله برای فضای سبز و تلفات در سامانه توزیع)، انتظار نمی‌رود بتوان با قیمت‌گذاری روی پیشران‌های توسعه و تقاضا، تأثیر زیادی گذاشت.

دیدگاه آب به‌عنوان «تسهیل‌کننده یا کاتالیزور توسعه»، منبعث از پذیرش موازین توسعه پایدار و نتیجه تغییر پارادایمی در مدیریت توسعه کشورها است. در این دیدگاه که رابطه دوسویه و متقابلی را میان منابع آب و توسعه در نظر می‌گیرد، آب هم به‌عنوان بخش و هم به‌عنوان یک منبع، نقش کلیدی در توسعه اجتماعی، تمامیت محیط‌زیست و رشد اقتصادی دارد. به‌عنوان بخش، آب نیازمند توسعه زیرساخت‌ها و منابع مالی-عملیاتی است. به‌عنوان منبع اثرگذار، فراتر از مرزهای بخش‌های مختلف عمل می‌کند و برای مدیریتش به تشخیص ارزش آب به بیان اقتصادی و اتخاذ رویکردهای کامل و به‌هم‌پیوسته نیازمند است. این در شرایطی است که تقاضا و مصرف آب به‌شدت از محرک‌های بیرون از بخش آب (مانند افزایش مصرف و سوءمدیریت‌های ناشی از افزایش تقاضا برای غذا و تغییرات سبک تغذیه، تقاضا برای انرژی، پیامدهای تغییرات آب وهوایی و دینامیزم‌های جغرافیای سیاسی) تأثیرپذیر است. در این رابطه دوسویه میان آب و توسعه؛ از یک‌طرف آب، اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی است و از طرف دیگر، این توسعه باعث افزایش مصارف و پیامدهای محیط‌زیستی است که بر شرایط منابع آب، تأثیر بسزایی دارد. در نتیجه وقتی استفاده‌کنندگان مختلف از آب، تصمیم به تخصیص و استفاده از آن می‌گیرند، شرایط این منبع در معرض تغییر قرار می‌گیرد و پیامدهای آن می‌تواند به‌نوبه خود موجبات تغییرات مهمی را در فرآیند توسعه ایجاد کند؛ که لازم است این تغییرات در پیش‌بینی برنامه‌ها از قبل موردتوجه و چاره‌اندیشی قرار گیرند.

بررسی اجمالی کارنامه مدیریت آب کشور نشان می‌دهد که اقدامات در هر دو زمینه اثربخشی و کارایی، علی‌رغم تلاش‌هایی که انجام‌شده، با کاستی‌های فراوانی روبه‌روست. ناگفته نماند که معمولا هیچ‌گونه سطح‌بندی و تفکیکی هم از این نظر در اسناد برنامه‌ای در این خصوص مشهود و بارز نیست، اما ضرورت دارد که توجه بیشتر نهادهای تأثیرگذار به سمت «اثربخشی»، هدف‌ها و سیاست‌ها و نحوه تعیین سلسله‌مراتب و تعیین اولویت و ایجاد تناسب و موازنه صحیح میان آنها جلب شود. تجربه نشان داده است که عملا آب، محرک توسعه نیست، انتخاب هدف حداکثر بهره‌برداری از منابع آب، انتخاب نادرستی بوده است و باید برای مدیریت تقاضا و رشد بی‌رویه پیشران‌های توسعه به‌طور اساسی فکر کرد و سهمی برای محیط‌زیست و طبیعت قائل بود. این اقدام در گرو تغییر نگرش‌های حاکم بر سیاستگذاری‌ها از نظر چگونگی برقرار کردن نسبت آب و توسعه است که این تغییر باید به نحوی باشد که به ایجاد جایگاه نهادی مناسبی برای برقراری رابطه دوسویه میان «آب و توسعه» بینجامد. برای ایجاد تعادل در آبخوان‌های زیرزمینی نیز باید ابتدا مدیریت آب زیرزمینی به سطح مناسبی از دستاوردهای مشخص و قابل‌اتکا برسد و بعد از آن به افزایش کارایی آب پرداخت. برای حرکت به سمت اثربخشی در حوزه سیاست‌های اقتصادی و قیمت آب باید درباره تحول و دگرگونی در جایگاه نهادهای مدنی و بخش خصوصی در حوزه آب فکر کرد. هدف جدی برنامه‌ریزی‌ها باید بررسی و آشکارسازی ترجیحات بهره‌برداران واقعی و بررسی ساختار انگیزه‌های جامعه محلی باشد. به علاوه، لازم است برنامه‌های کلان‌تر و جامع‌تری برای هماهنگی در درون و بیرون بخش آب (برای ایجاد همکاری و هماهنگی) تدارک دیده شود. انصافا به جای ساده‌اندیشی‌های رایج درباره «معجزه» استفاده از فناوری‌های جدید، آیا جای این‌گونه بررسی‌ها، مباحث و اصلاح سیاست‌های تعیین‌کننده در کشورمان، خالی نیست؟

نگـــاه

رقبای منطقه‌ای ما بیکار ننشسته‌اند

سرمایه‌گذاری در اقتصاد مه‌آلود

صنعـت پلیمر و پلاسـتیک، سال‌هاسـت که با معضـل تامین نهاده‌های تولید، دسـت به گریبان اسـت، امـا ماجرا در یک دهه گذشـته بغرنج‌تر شـده و ریسک قوانین خلق‌السـاعه و همچنین معضل ناترازی حالا دیگر صدای فعالان این صنعت را هم درآورده اسـت. ناترازی‌ها خود را در قالب مشـکلاتی نشـان می‌دهند که صنایع پلیمری در تامین انرژی و سـرمایه در گردش دارند. انتظار می‌رود که سیاسـتگذار به صنعت پلیمر و پلاستیک، بیش از اینها بهـا دهد؛ چراکه این صنعت از گسـتردگی، اشـتغال‌زایی و تنوع تولید بالایی برخوردار اسـت و به همین دلیل، توجه به مشـکلات آنها در واقع، توجه به توسـعه و رشـد ادبیـات اقتصاد صنعتی در ایران اسـت. همه اینها درسـت در زمانی اتفاق افتـاده که تولید پلیمری پیشرفته، نیازمند چرخش به سوی نوآوری و فناوری‌های روز دنیاسـت. رشته فعالیت‌های صنعتی در زمینه پلیمر، در حالی شاهد سبقت رقیبان منطقه‌ای خود هستند که با مشکلات اولیه‌ای همچون تامین سهل و آسان نهاده‌های تولیدی، دست و پنجه نرم می‌کنند. البته بیشتر مشـکلات صنعت پلیمر و پلاستیک کشور، مشکلات عمومی صنایع در اقتصاد ایران است که از مشکل تامین بـرق و گاز تـا محدودیت منابع مالی و قیمت‌گذاری دسـتوری را دربر می‌گیرد.

در همین زمینه، یک فعال اقتصادی با اشـاره به مشکلات اصلی صنعت پلیمر و پلاسـتیک ایران می‌گویـد: «تغییر مداوم مقررات بدون اطـلاع قبلی صنعتگـران از مهمترین عوامل آسـیب‌زننده به فعالیت‌های صنعتی اسـت. قطعات صنعتی مثل سیسـتم‌های کنتـرل، الکتروموتورهـا و هیدروموتورهـا، منشـأ وارداتی دارد. زمانی که مقررات تجاری به‌سـرعت تغییر کند، صنعتگر نمی‌تواند تجهیزات موردنظر برای تولید را با قیمت‌های مشخص تأمین کرده و کارخانه را تجهیز کند.» «هرویک یاریجانیان»، فعال اقتصادی و رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی تهران در قالب یادداشتی با تاکید بر اینکه «رقبای منطقه‌ای ما بیکار ننشسته‌اند»، می‌نویسد: «تأمین مواد اولیه در صنعت پلاستیک نیز به وضعیت بحران رسیده است. به‌عنوان صنایع پایین‌دستی پتروشیمی به‌هیچ‌وجه از تأمین مـواد اولیه راضی نیسـتیم. بی‌برنامگی در توزیع و نوسـان قیمت به تولیدکنندگان صنعت پلاسـتیک، آسـیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده اسـت. تأمین مواد اولیه از پتروشـیمی‌ها در حالی برای تولیدکنندگان سـخت شـده که بـازار داخل دچار رکود اسـت و نیمچه امید این واحدها بـه صادرات هم تحت تأثیر بی‌برنامگی‌ها قرار گرفته اسـت. پتروشیمی‌ها به‌عنوان صنایع بالادستی از کسی دستور نمی‌گیرند و خود در این بی‌برنامگی ایفای نقش می‌کنند.

دراین‌بین، رقبای منطقه‌ای هم بیکار ننشسته‌اند. هرچند رقیبان تولیدکننـدگان ایرانی در صنعت پلاسـتیک از منظر تکنولوژی و کیفیت تولید در سطح پایین‌تری قرار دارند اما اکنون شرکت‌های عراقی در حال تجهیز خطوط تولید به ماشـین‌آلات پیشـرفته‌اند. این شـرکت‌ها پیش‌تر مواد اولیـه را از ایران می‌خریدند اما اکنون پیشـنهادهای بهتری از جانب تولیدکنندگان بزرگ پتروشیمی در حاشـیه خلیج‌فارس دارند که تأمین مواد اولیه آنها برای شش ماه آینده را تضمین می‌کند. این در حالی است که تولیدکننده ایرانی علاوه بر تحمل رکود داخلی، در شـرایط بسـیار پیچیده‌ای کالای سـاخته شده را صادر می‌کند و به‌سختی مواد اولیه می‌خرد. ادامه این شـرایط با توجه به فعالیت رقبای منطقـه‌ای، آینده خوبی را بـرای این صنعت رقم نمی‌زند. تأمیـن مواد اولیه و فعالیت صنایع بیش از همیشـه درگیر رانت و واسـطه‌گری شده است. مکانیسم بهین‌یاب که در سـطح کشور تعریف شده مؤثر عمل نکرده است. در سـال گذشـته افزایش قیمت محصولات صنعت پلاستیک به افزایش هزینه تولید دیگر محصولات از جمله آب‌معدنی منجر شد و این آشفتگی و رشد افسارگسیخته قیمت‌ها ناشی از فضای رانتی و واسـطه‌گری‌ها بود. بسـیاری از واحدها، جواز صنایع را دریافت کرده‌اند امـا به‌جای تولیدکننده در نقـش توزیع‌کننده مواد اولیه در بازار ظاهر شـدند و به بحران دامن زدنـد. این انتظار از وزارت صنعت، معدن و تجارت وجود دارد که با تشـکیل هیأتی وضعیت تولیـد در واحدهای صنعتی را بررسـی کنـد؛ چراکه بعضی جواز صنایع را خریدند، مواد اولیه را دریافت کردند و به‌جای تبدیل آن در کارخانه به کالا، سـر از بازار آزاد درآوردند. تکرار این فرآیند به افزایـش قیمت و در نهایت تورم تولیـد انجامیده؛ درحالی‌که بازار هم راکد است.

کارخانه‌های بسیاری طی ۴۰ سال گذشته از دایره تولیدکنندگان خارج شـده‌اند. آزمایـش، ارج، کفش ملی و بـلا از صنایع بزرگی هسـتند که تعطیل شده و جز نامی از آنها باقی نمانده است. تکرار فرآیندهای غلطی چون تغییر مداوم مقررات می‌تواند حیات صنایع بـزرگ کنونـی را هم تهدید کنـد. صنعتگر به هیـچ رانت و وامی بـرای انجام فعالیت صنعتی نیاز نـدارد. صنعتگر می‌تواند راه خود را پیـدا کند اما ایـن انتظار وجـود دارد که دولت در این مسـیر سـنگ‌اندازی نکند. علاوه بر این، ما در واردات ماشین‌آلات صنایع پلیمر و پلاسـتیک با مشـکلاتی روبه‌رو هستیم. در طول سال‌های گذشـته وزارت صنعت، معدن و تجارت، واردات ماشین‌آلات مورد نیاز صنعت پلیمر را بسیار سخت و در مواردی ممنوع کرده است و این یک آسـیب جدی به تولید در صنایع پایین دستی پتروشیمی است. نوسازی خطوط تولید با این مقررات در عمل به تاخیر افتاده است و صنایع پایین‌دستی پتروشیمی از این تصمیم وزارت صنعت، معدن و تجارت در دوره‌های مختلف به طور جدی آسیب دیده‌اند. ماشـین‌آلاتی که قرار بود با واردات و اسـتفاده از آن زمینه توسعه صادرات صنعت پلیمر به بازارهای مختلف از جمله عراق، افغانستان و کشـورهای حاشـیه خلیج فارس فراهم شود، به موقع به خطوط تولید نرسیدند. در بسیاری از مواقع وزارت صنعت، معدن و تجارت، واردات ماشـین‌آلاتی را ممنـوع کرده بود که مشـابه آن در داخل تولید نمی‌شـود. دلیل عمده این تصمیم، دریافت اطلاعات اشتباه و عدم اسـتفاده از نظرات کارشناسی و عدم توجه دقیق به وضعیت کنونی صنایع بوده اسـت. با تصمیم غیرکارشناسی وزارت صنعت، معدن و تجارت در طول سـال‌های گذشـته و در مقاطعی، آب به آسـیاب رقیب منطقه‌ای ما، ترکیه ریخته شـده اسـت که خطوط تولید را با بهترین ماشین‌آلات مجهز می‌کند. هرچند ماشین‌سازان محلی در این کشـور فعالیت می‌کنند اما وجـود این صنایع، مانع واردات از آلمان یا کشورهای آسیای جنوب شرقی نشده است.

در کنـار ایـن چالش‌ها، ارز چندنرخی هم چالش بسـیار بزرگ دیگـر همـه صنایع کشـور از جمله صنعت پلاسـتیک اسـت. از سـوئیس گرفته تا ژاپن، هرجای دنیا ارز تک نرخی نباشد، فسادزا خواهد بود. در کشـورهایی که نام بردم، شـفافیت اقتصادی بسیار زیاد اسـت، اما حتی اگر در این کشـورها این سیاست ارزی اجرا شـود، قطعا شاهد فسـاد و رانت خواهیم بود؛ زیرا از واردکننده‌ای که بستر فسـاد برایش مهیا است، نمی‌توان انتظار خداترس بودن داشت. ضربات جبران‌ناپذیر ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی و چندنرخی به اقتصاد و تولید کشـور در سال‌های گذشته بر فعالان اقتصادی واقعی پوشـیده نیسـت. متأسفانه به واسـطه این موضوع، فضای رقابتی برای تولیدکننده داخلی از بین رفت؛ چراکه واردکننده در تمامی مراحل تأمین کالا، از ارز ترجیحی بهره‌مند می‌شـود، ولی تولیدکننده باید مدام مالیات بدهد و این‌گونه است که هزینه‌های تولید بالا رفته و فضای رقابت با کالای وارداتی، برچیده می‌شود.»

بالاخره افزایش حقوق کارمندان با نرخ تورم همگام می‌شود؟

چرخه معیوب دستمزد و تورم

فرصت امـروز: اقتصاد ایران از ناترازی‌های مختلفـی رنج می‌برد که از ناتـرازی بودجه و انرژی تا ناترازی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشسـتگی را شـامل می‌شود. ناترازی‌هایی که بهم مرتبط هستند و حالا سایه سنگین آنهـا - مثل ناترازی برق و گاز - به زندگی روزمره مردم رسـیده اسـت؛ تـا جایی که با تصمیم جدید دولت و با هـدف جلوگیری از آلودگی هوا، «مازوت‌سوزی» در سه نیروگاه بزرگ کشور (اصفهان، اراک و کرج) متوقف شده و قرار است «خاموشی منظم» جای «مازوت سوزی» را بگیرد.

اقتصاد ایران همچنین شـاهد ناترازی بودجه دولت اسـت و علی رغم انتظار بحق کارمندان و بازنشسـتگان مبنی بر افزایش حقوق متناسب با تورم، متاسـفانه تناسـبی بین افزایش حقوق و افزایش تورم در سال‌های گذشـته وجود نداشته و این موضوع هر ساله در فصل بودجه‌ریزی دولت چالش‌برانگیز شـده اسـت. البته میزان افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت صرفا متأثر از نرخ تورم سـالانه نیست و عوامل دیگری نظیر حدود اعتبارات هزینه‌ای و پیش‌بینی میـزان تحقق درآمدهای دولت نیز نقش مهمی در تعیین این موضوع دارند. از سـوی دیگر، عدم تناسـب افزایش حقوق و مزایای کارکنان با نرخ تورم می‌تواند موجب کاهش قدرت خرید و کاهش سـطح رضایتمندی آنها شـود و همچنین بهره‌وری و کارآمدی نظام اداری کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. با این وجود، به دلیل سهم ۴۴ درصدی حقوق و مزایای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر شاغل و بازنشسته از مجموع هزینه‌های عمومی دولت، افزایش بیشتر حقوق و مزایای کارکنان دولـت، آن هم بـدون منابع پایدار و با وجود کسـری بودجه ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومانی می‌تواند به تعمیق کسـری بودجه و شعله‌ورتر شدن تورم بینجامد. هرچند افزایش حقوق در نظر گرفته‌شـده، کمتر از نرخ تورم در اقتصاد ایران است، اما با توجه به تراز عملیاتی منفی ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومانی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، هرگونه افزایش بیشتر حقوق مستلزم در نظر گرفتن منابع مالی پایدار است.

نامعادله دستمزد و تورم در بودجه ۱۴۰۴

مرکز پژوهش‌های مجلس در ادامه سلسله گزارش‌های «بررسی لایحه بودجه سـال ۱۴۰۴»، این بار روی مسـئله «حقوق و دستمزد» متمرکز شـده و «چرخه معیوب دسـتمزد و تورم» را آسیب‌شناسـی کرده است. طبق ارزیابی بازوی پژوهشی مجلس، استمرار سیاست اختلاف قابل‌توجه بین افزایش حقوق سـنواتی کارکنان و بازنشستگان و نرخ تورم، می‌تواند به کاهش بهره‌وری کارکنان و نظام اداری و عدم تعادل دستمزد در بخش عمومی و بخش خصوصی منجر شـود. با این وجود، به خاطر سـهم ۴۴ درصدی حقوق و مزایای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر شاغل و بازنشسته از مجموع هزینه‌های عمومی دولت، به نظر می‌رسد افزایش بیشتر حقوق و مزایای کارکنان دولت (آن هم بدون منابع پایدار و با وجود کسری بودجه ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومانی) می‌تواند به تعمیق کسری بودجه و شعله‌ورتر شـدن تورم بینجامد. در چنین شرایطی پیشنهاد می‌شود که کارگروهی متشـکل از دولت و مجلس نسـبت به شناسـایی منابع حمایتی نقدی و غیرنقدی اقدام کنند.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که مصارف بودجه عمومی دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۴ نسـبت به قانون بودجه ۱۴۰۳، رشد ۱۲۶ درصدی و هزینه‌های عمومی دولت رشد ۱۱۷ درصدی را تجربه کرده است. این در حالی است که میزان افزایش‌های در نظر گرفته‌شده برای جبران خدمات کارکنان دولت، یعنی افزایش ۲۰ درصدی ضریب حقوق کارکنان و افزایش ۵۰ درصدی کمک‌هزینه عائله‌منـدی و افزایش ۱۰۰ درصدی حق اولاد، اختلاف بسیار زیادی با رشـد مصارف بودجه عمومی دولت و هزینه‌های عمومی دولت دارد. به نظر می‌رسد که علت اصلی این تفاوت قابل توجه، انتقال اعتبارات فرابودجه‌ای به هزینه‌های عمومی دولت و مصارف بودجه عمومی دولت اسـت. مجموع اعتبارات حقوق و مزایای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر شاغل و بازنشسته دولت در سـال ۱۴۰۴، حدودا ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شـود. بر همین اسـاس، پیش‌بینی می‌شود که حدود ۴۴ درصد از مجموع هزینه‌های عمومی دولت در سال آینده، صرف پرداخت حقوق و مزایای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر شاغل و بازنشسته شود.

حقوق از تورم بار دیگر عقب می‌ماند؟

براسـاس گزارش مرکز پژوهش‌ها، تناسب بین میزان افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت و میزان تورم موجود در سـال‌های گذشته، یکی از مسائل چالش‌برانگیز در تعیین میزان افزایش حقوق و مزایای کارکنان بوده و مورد توجه و حساسیت اقشار گوناگون جامعه، به‌ویژه گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر قرار گرفته اسـت. باید بـه این نکته مهم توجه کرد که میزان افزایش حقوق و مزایای کارکنان صرفا متأثر از نرخ تورم سـالانه نبوده و عوامل دیگری از جمله حدود اعتبارات هزینه‌ای و پیش‌بینی میزان تحقق درآمدهـای دولت نیز نقش مهمی در تعیین این موضوع دارند. از سـوی دیگر، عدم تناسـب افزایش حقوق و مزایای کارکنان با نرخ تورم می‌تواند موجـب کاهـش قدرت خرید و کاهش سـطح رضایتمندی آنها شـود و همچنین بهره‌وری و کارآمدی نظام اداری کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. با این حال، گفته می‌شود که هرچند میزان افزایش حقوق در نظر گرفته‌شده کمتر از نرخ تورم موجود در کشـور اسـت، اما با توجـه به تراز عملیاتی حدود منفی ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومانی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، هرگونه افزایش بیشـتر حقوق مسـتلزم در نظر گرفتن منابع مالی پایدار خواهد بود. عـدم توجه کافی به این ملاحظه مهم در افزایش حقوق‌های در نظر گرفته‌شده می‌تواند موجب تعمیق وضعیت کسری بودجه و تشدید بدهی عمومی کشـور یا شکل‌گیری تورم بیشتر شود و مجددا مطالبات افزایش حقوق کارکنان را در پی داشته باشد.

عـلاوه بر این، در هنگام اتخاذ تصمیم دربـاره میزان افزایش حقوق در زمان وجود کسری بودجه، توجه به سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم درخصوص واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسری بودجه، عدم تشدید ناترازی مذکور و عدم پیش‌بینی منابع غیرقابل‌تحقق نیـز ضرورت دارد. بر همین اسـاس، با توجه به اینکه در سـال‌های اخیر نرخ افزایش حقوق و مزایای کارکنان و بازنشسـتگان دولت، کمتر از نرخ تورم موجود در کشـور بوده و پیش‌بینی می‌شـود که نرخ تورم در سـال آینده، بیش از افزایش حقوق و مزایای در نظر گرفته‌شـده برای کارکنان و بازنشسـتگان در لایحه بودجه سـال ۱۴۰۴ باشد، ضرورت توجه به این موضوع، بیش از پیش احساس می‌شود.

لزوم شناسایی منابع درآمدی پایدار

در حـال حاضر، سیاسـت‌های کلی تامین اجتماعـی بر حفظ قدرت خرید اقشـار ضعیـف جامعه از طریق متناسب‌سـازی مزد شـاغلان و بازنشسـتگان تاکید دارد، اما سبد مصرف گروه‌های حقوق‌بگیر با سطح دریافتی پایین‌تر بیشتر معطوف به تامین نیازهای اساسی زندگی است. در چنیـن شـرایطی با توجه به بـازه و میزان پلـکان مالیات بر حقوق کارکنان دولت در لایحه بودجه سـال ۱۴۰۴، در برخی از موارد درصد افزایش حقوق کارکنان با سطح دریافتی بالاتر بیشتر شده است. بنابراین افزایـش حقوق کارکنان دولت به صورت ترکیبی از درصد و عدد ثابت، شـیوه مناسـبی برای افزایش حقوق و مزایای ایشـان به نظر می‌رسد. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود که کارگروهی متشکل از منتخب اعضای هیأت‌رئیسه کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، اعضای کمیته حقوق و دستمزد این کمیسـیون و نمایندگان سازمان برنامه و بودجه کشور با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات نسبت به شناسـایی منابع درآمدی پایدار جدید اقدام کنند. این کارگروه باید در حدود اعتبارات هزینه‌ای جدید، علاوه بر افزایش‌های در نظر گرفته‌شده برای حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت، افزایش‌های بیشتری نیز در این خصوص در نظر بگیرد.

با توجه به سـهم هزینه‌های ناظر بر جبـران خدمت گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر شـاغل و بازنشسـته از مجموع هزینه‌هـای عمومی دولت و محدودیت‌های موجود در خصوص افزایش کافی حقوق و دستمزد، توجه به سازوکارهایی نظیر اصلاح نظامات بودجه‌ریزی، استخدام و به‌کارگیری و ارزیابـی عملکرد نیز می‌تواند به بهبـود مدیریت هزینه‌های عمومی در این حوزه کمک کند. در نهایت می‌توان گفت که افزایش حقوق کارکنان دولـت بدون در نظـر گرفتن منابع پایـدار و با توجه به کسـری بودجه می‌تواند به بحران اقتصادی بزرگ‌تری منجر شـود. این امر نه تنها فشـار بیشتری به سیستم اداری وارد می‌کند، بلکه ممکن است کیفیت و کمیت خدمـات عمومی را کاهش دهد. بنابراین یکـی از اولویت‌های دولت باید ایجاد شـفافیت مالی و بهینه‌سازی تخصیص منابع باشد تا از اتلاف منابع جلوگیری کرده و اعتماد عمومی به نهادهای دولتی بازگردد. همچنین این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار اقتصادی کشور شود.

سقف ارزی واردات خودرو در بودجه سال آینده به ۲ میلیارد دلار افزایش یافت

۳ پیشنهاد خودرویی به رئیس‌جمهور

«حسین عبده‌تبریزی» در دیدار با رئیس‌جمهور، سه پیشنهاد خودرویی به «مسـعود پزشکیان» داد که شامل عرضه خودرو در بورس کالا، خروج خودرو از قیمت‌گذاری دستوری و واگذاری مدیریت خودروسازی به بخش خصوصی است. شامگاه یکشنبه، تنی چند از اقتصاددانان در دفتر ریاست جمهوری حاضر شدند و در حضور وزرا و مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور، نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. در این نشست، «حسین عبده‌تبریزی» نیز حضور داشت و در دیدار با رئیس‌جمهور به بیان مطالبی درباره وضعیت خودرو در بازار سـرمایه پرداخـت. این اقتصاددان و مدیر بورسی درباره صحبت‌های خود با «مسعود پزشکیان» در کانال شخصی‌اش نوشـت: «در این جلسه به شرح وضعیت خودرو در بازار سرمایه پرداختم. قبل از جلسه با ۳۶ نفر از کارشناسان رشته صحبت کردم. ۳۲ نفر قاطعانه معتقد بودند که در شرایط فعلی حتما بهتر است خودرو در بورس کالایی معامله شـود. ۴ نفر ضمن توافق با اینکه در این شرایط بهتر است خودرو در بورس کارایی معامله شـود، معتقد بودند که این امر نباید به موضوعی بلندمدت تبدیل شود و باید نهایتا هم واردات آزاد شود و هم خودروسازان خود فروشـنده کالای خود باشند؛ شروطی که بعید است مخالف چندانی در بازار سـرمایه داشته باشد. بر این اسـاس، بنده در جلسه خواستار آن شـدم که یا طبق برنامه هفتم، خودرو از موضوع قیمت‌گذاری آزاد شده و شرکت‌ها خود به فروش اقدام کنند و یا در بورس کالایی به فروش رسند و اضافه قیمت آنها نسـبت به قیمت‌های مصوب، صرف بازپرداخت بدهی آنها به بانک‌ها شـود. همچنین درخواست کردم که کل موضوعات مربوط به خودرو از قبیل واردات خودرو، بدهی خودرویی‌ها، واگذاری مدیریت آنها به بخش خصوصی، تودلی‌های دو خودروسـاز بزرگ و... در طرحی جامع با سرعت بررسی و تصمیمات اجرایی شـود. امیدوارم با عرضه خودرو در بـورس کالا یا خروج خودرو از قیمت‌گـذاری، حرکت کوچکی در جهت اصلاحات در بازار سهام ایجاد شود.»

در همین حال، مرکز پژوهش‌ها در گزارشی به مقایسه تطبیقی تبصره‌های خودرویی قانون بودجه سـال ۱۴۰۳ پرداخته و با اشـاره به سیاست‌های خودرویی دولت در بودجه ۱۴۰۴ می‌گوید: دولت اقدام موثری در هدایت منابـع حاصل از واردات خودروهای برقی در راسـتای سـرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها انجام نداده اسـت. دولت در بودجه سال آینده، تغییراتی در بخـش واردات خودرو انجام داده اسـت؛ از جمله اینکـه تعرفه را به ۱۰۰ درصد رسانده، سـقف ارزی واردات را دو برابر کرده و خودروهای وارداتی را به بورس کالا فرسـتاده است. براساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، سقف ارزی واردات خودرو به ۲ میلیارد دلار افزایش یافته و تعرفه واردات نیز به ۱۰۰ درصد رسیده است. همچنین صادرکنندگان و زیرمجموعه آنها اجازه یافته‌اند که با اسـتفاده از منابع ارزی حاصل از صادرات خود، خودرو وارد کنند. از طرفی، نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی و مالیات، معادل نرخ ارز بازار مرکز مبادله طلا و ارز در نظر گرفته شده است. البته صادرکنندگان می‌توانند ارز خود را در اختیار واردکنندگان خودرو نیز بگذارند. مورد دیگر در بند مربوط به واردات خودرو در بودجه سـال ۱۴۰۴، اسـتفاده از بازار سرمایه (بورس کالا) برای عرضه خودروهای وارداتی است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، میزان واردات خودروی سواری در سال گذشته، ۱۱ هزار و ۱۲۲ دسـتگاه به ارزش ۲۱۸ میلیون دلار بوده است. همچنین میانگین ارزش خودروهای سـواری وارداتی در سـال گذشته، ۱۹٫۶ هزار دلار بوده اسـت. در این گزارش، میزان واردات خودرو تا روز ۲۰ خردادماه امسال اعلام شده، در حالی که طبق آخرین آمارها، در نیمه نخست امسال بیش از ۲۲ هزار دسـتگاه خودروی سواری با ارزش بیش از ۴۳۸ میلیون دلار به صورت قطعی ترخیص و وارد کشور شده است. دولت همچنین در لایحه بودجه سـال ۱۴۰۴، بندی به واردات خودروهای برقی و هیبریدی اختصاص نداده اسـت. این در حالی اسـت که در بودجه ۱۴۰۳ آمده بود که «تعیین حقوق ورودی خودروی برقی برای نوسازی ناوگان تاکسیرانی شهرها در سال ۱۴۰۳ معادل نیم‌واحد درصد و برای سایر متقاضیان چهار واحد درصد تعیین می‌شـود. همچنین حقـوق ورودی خودروهای برقی بنزینـی (هیبریدی) ۱۵ واحـد درصد در نظر گرفته می‌شـود و در ازای سرمایه‌گذاری در گسترش حمل‌ونقل عمومی برقی، توسعه زیرساخت‌ها، انتقال فناوری و افزایش داخلی‌سـازی، تخفیف در پرداخت حقوق ورودی این خودروها و قطعات آنها اعمال خواهد شد.»

گرچه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ آمده بود که از محل حقوق ورودی خودروهای برقی و قطعات آنها، در توسـعه زیرسـاخت‌های موردنیاز این خودروها و ارائه تسـهیلات و مشوق‌ها بابت خرید مدل‌های داخلی هزینه خواهد شـد، اما مرکز پژوهش‌ها، این موضـوع را رد کرده و می‌گوید: «با توجه به عدم تدوین و تصویب آیین‌نامه اجرایی مرتبط با این بند، اقدامی در راستای هزینه‌کرد و هدایت منابع حاصل از آن در راستای سرمایه‌گذاری بابت گسترش حمل‌ونقل عمومی برقی، توسعه زیرساخت‌های آن، انتقال فنـاوری و افزایش داخلی‌سـازی خودروهای برقی بنزینـی (هیبریدی) و همچنیـن اعمال تخفیـف در پرداخت حقـوق ورودی واردات این نوع خودروها و قطعات منفصله آنها صورت نگرفته اسـت.» حال این پرسش مطرح می‌شـود که پول حاصل از حقوق ورودی خودروهای برقی بنزینی (هیبریدی) کجاست؟ این پرسـش در مورد تعرفه ۱۰۰ درصدی واردات خودرو در بودجه آینده نیز مطرح اسـت. دولت تعرفه واردات خودرو را به ۱۰۰ درصد افزایش داده، اما مشخص نیست که درآمد حاصل از آن کجا هزینه می‌شود. البته شنیده‌ها حاکی است که درآمد حاصل از تعرفه ۱۰۰ درصدی قرار است به احتمال زیاد صرف کسری بودجه دولت شود و پای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در میان نیست.

همانطور که اشـاره شد، دولت در بودجه سـال ۱۴۰۴ به تغییراتی در بخش واردات خودرو دست زده و از یکسو، تعرفه واردات را به ۱۰۰ درصد رسـانده و از سوی دیگر، سـقف ارزی واردات را دو برابر کرده است. مرکز پژوهش‌ها در این باره می‌گوید: «بررسی روند تغییرات تعرفه واردات خودرو و اعمال ممنوعیت بر واردات در دوره‌های مختلف، علاوه بر نبود انسجام در تصمیم‌های تعرفه‌ای، ردپای وضع منابع ارزی کشور و درآمدهای گمرکی دولـت، در تصمیم‌گیری‌های مرتبط بـا واردات و تعرفه واردات خودرو به صـورت جدی دیده می‌شـود. به عنوان مثال، بعـد از پیروزی انقلاب و با شـروع جنگ تحمیلـی، واردات خودرو به ایران ممنوع شـد، اما از اواخر دهه این ممنوعیت برداشته شد. در سال ۱۳۷۳ و با بروز مشکلات ارزی، دولت بار دیگر تصمیم به ممنوعیت واردات خودرو گرفت، ممنوعیتی که تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت. دولت در این سال تصمیم گرفت با اعمال تعرفه سـنگین ۱۷۰ درصدی، واردات خودرو به کشـور را آزاد کند. دولت البته مقرر کرد سـالی ۲۰ درصد از میزان تعرفه کاسـته شود تا کشور مهیای پیوسـتن به سازمان تجارت جهانی شـود. این در حالی است که کاهش ۲۰ درصدی تعرفه فقط در سـال ۱۳۸۴ اعمال شد و پس از آن در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تعرفه واردات تنها سالی ۱۰ درصد کاهش یافت. بنابراین تعرفه واردات خودرو در اوایل دهه ۱۳۹۰ به ۹۰ درصد رسید. در مقطعی دیگر نیز سیاسـتگذار واردات خودروهای بالای ۲۵۰۰ سی‌سی را ممنوع کرد. همچنین در سـال ۱۳۹۶ تصمیم بر آن شـد که تعرفه‌های واردات خودرو را افزایش دهد. در نهایت در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ و با توجه به مشکل تامین ارز، دولت تصمیم به ممنوعیت واردات خودروهای سواری گرفـت. این تصمیم در کنار افت تولید، منجر بـه تلاطم قیمتی در بازار خودروهای خارجی شد که نارضایتی مصرف‌کنندگان را در پی داشت.»

هم قیمت طلا و هم قیمت سکه یک کانال سقوط کرد

تکانه قیمتی در بازار طلا و سکه

فرصت امروز: روند کاهشـــی طلا و سکه در سومین روز هفته تندتر شد و قیمت ســـکه وارد کانال ۴۰ میلیون تومان و طلا وارد کانال ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان شـــد. بازار طلا و سکه در ایران معمولا از دو عامل اونس جهانی طلا و قیمت دلار در بازار داخلی تاثیر می‌پذیرد، اما در حال حاضر با توجه به احتمال کاهش تنش‌های منطقه‌ای، انتظار می‌رود که تحولات قیمتی طلا و سکه صرفا متأثر از نوسانات طلای جهانی باشد.

بازار طلا و ســـکه کشـــور در آغاز هفته جدید میلادی به همراه طلای جهانی، کار خود را با روند نزولی آغاز کرد و طبق گزارش‌های میدانی، طلا ریزش ۱۶۰ هزار تومانی را (تا لحظم تنظیم این گزارش) به ثبت رســـاند و طلای ۱۸ عیار با رقم ۴ میلیون و ۳۹۳ هزار تومان در بازار عرضه شـــد. طلای ۲۴ عیار هم علاوه بر ریزش ۲۱۳ هزار تومانی نسبت به روز گذشته، به کانال پایین‌تر سقوط کرد و به ۵ میلیون و ۸۵۶ هزار تومان رسید. بازار ســـکه اما ریزش بیشـــتری را نسبت به طلا تجربه کرد و هر دو سکه طرح جدید و طرح قدیم را به کانال‌های پایین‌تر کشـــاند؛ از یکسو، قیمت سکه طـــرح جدید حدود یـــک میلیون و ۷۰۰ هزار تومـــان ریخت و با نرخ ۴۹ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان خرید و فروش شد و از سوی دیگر، سکه طرح قدیم نیز یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان ریزش داشت و با رقم ۴۸ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان به فروش رســـید. اونس جهانی طلا که هفته گذشـــته روندی نزولی در بازارهای جهانی داشت، این هفته را با نرخ ۲۶۷۰ دلار به ازای هر انس آغاز کرد. به گفته کارشناسان، کاهش تنش‌های سیاسی در ســـطح منطقه و همینطور عرضه سکه‌های جدید از سوی بانک مرکزی از مهمترین دلایل افت قیمت‌ها در بازار طلا و سکه است.

سکه به کانال ۴۰ میلیون تومان رسید

بازار طلا و ســـکه در ســـومین روز هفته به روند کاهشی خود - البته با شدتی بیشتر - ادامه داد و قیمت طلا و سکه به کانال‌های پایین‌تر رسید. با توجه به احتمال کاهش تنش‌های منطقه‌ای، به نظر می‌رسد که قیمت طلا و ســـکه در حال حاضر تنها متأثر از نوسانات طلای جهانی است. در ســـومین روز هفته جاری، قیمت طلا یک کانال پایین آمد و قیمت سکه نیز تا کانال ۴۰ میلیون تومان ســـقوط کرد. آنطور که وب‌سایت اتحادیه طلا و جواهر تهران گزارش داده است، طلا ریزش ۱۶۰ هزار تومانی را تا لحظم تنظیم این گزارش تجربه کرد و با نرخ ۴ میلیون و ۳۹۳ هزار تومان در بازار عرضه شـــد. طلای ۲۴ عیار هم علاوه بر ریزش ۲۱۳ هزار تومانی نسبت به روز یکشنبه، به کانال پایین‌تر سقوط کرد و به ۵ میلیون و ۸۵۶ هزار تومان رسید. بازار سکه اما در مقایسه با بازار طلا، ریزش بیشتری را به ثبت رساند و هر دو سکه طرح جدید و طرح قدیم به کانال‌های قیمتی پایین‌تر رسید؛ به طوری که قیمت سکه طرح جدید یک میلیون و ۷۰۰ هـــزار تومان ارزان شـــد و با نرخ ۴۹ میلیـــون و ۳۵۰ هزار تومان خرید و فروش شد. همچنین قیمت سکه طرح قدیم نیز یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومـــان ریزش داشـــت و با نرخ ۴۸ میلیـــون و ۱۰۰ هزار تومان به فروش رسید. طلای جهانی هم هفته جدید میلادی را با نرخ ۲۶۷۰ دلار به ازای هر انس آغاز کرد.

«فردیـــن آقابزرگی»، تحلیلگر مالی درباره وضعیت بازار طلا و ســـکه به «اکوایـــران» می‌گوید: «با توجـــه به پیروزی ترامپ در انتخابات ریاســـت جمهـــوری آمریکا، بـــازار طلا و ســـکه می‌تواند در آینده ثبـــات و آرامش بیشـــتری را تجربه کند که این آرامش به تبع آرامش نرخ ارز خواهد بود. بـــا دولت ترامـــپ، کاهش تنش‌های منطقه پیش‌بینی می‌شـــود و به نظر می‌رسد نوسانات طلا و سکه در کشور تنها متأثر از نوسانات طلای جهانی خواهد بود و شـــتابی که در ماه‌های گذشته به تبع نوسانات ارزی در بازار طلا و ســـکه مشاهده شـــد، تا حدودی کاهش پیدا خواهد کرد. در نتیجه نوســـان مثبت چندانی در این بازار دیده نمی‌شود.» به گفته «آقابزرگی»، «پیش‌بینی ثبات باعث می‌شـــود که به رغـــم واقعیت‌های موجود اقتصاد کشـــور، انتظارات تورمی تاحدودی کاهش پیدا کند و بازار طلا و سکه به جهت همسان‌ســـازی نرخ ارز نیمایی مســـتقیما متأثر از نوسانات قیمتی طلای جهانی خواهد بود. در مورد طلای جهانی هم به نظر نمی‌رسد که از کانـــال ۲۷۰۰ یا ۲۸۰۰ دلار تجاوز کند، در نتیجه تحرک قابل توجهی در بازارهای مالی دیده نمی‌شود.»

تاثیر مثبت حراج سکه بر کاهش قیمت‌ها

به نظر می‌رســـد علاوه بر احتمال کاهـــش تنش‌های منطقه با توجه به روی کار آمدن دونالد ترامپ، عرضه سکه‌های جدید بانک مرکزی نیز نقش مهمی در روند کاهشـــی قیمت طلا و سکه داشته است. «احمد بیگدلی»، نماینده مجلس و عضو فراکسیون مستقلین با اشاره به نقش مثبت حراج و عرضه سکه از سوی بانک مرکزی به «ایسنا» می‌گوید: «برگزاری حراج شمش و سکه توسط بانک مرکزی، اقدام مثبت و موفقی در جهت کنترل قیمت‌ها در بازار اســـت. تلاطم قیمتی که اخیرا در بازار ارز و طلا متأثر از عوامل سیاسی و امنیتی منطقه و همچنین سیر صعودی اونس جهانی رخ داد، توجیه اقتصادی ندارد و کوتاه‌مدت خواهد بود.»

او با بیان اینکه «سیاست بانک مرکزی در حوزه سکه و طلا موفقیت‌آمیز بوده است، افزود: «بر همین اساس بانک مرکزی تصمیم گرفت تا سکه‌های ضرب ۱۴۰۳ را عرضه و روزهای حراج را نیز در طول هفته بیشتر کند که در حال حاضر شاهد کاهش قابل توجه حباب و تعدیل قیمت‌ها هستیم. بازار ارز کشـــور نیز در یکی دو ســـال گذشـــته در مقابل اتفاقات امنیتی و سیاسی متعدد منطقه، مقاومت خوبی داشته است؛ چراکه با تعدد اتفاقات خاص این مدت که می‌توانســـت اقتصاد هر کشوری را دچار خلل کند، ما شاهد کمترین نوســـانات نرخ‌ها به نسبت سال‌های قبل بوده‌ایم. در مورد اخیر هم که به خاطر انتخابات آمریکا تلاطم در بازار ایجاد شد؛ دیدیم که این نوســـان کمتر از یک درصد بود و بعد از آن، بازار ســـیر نزولی به خود گرفت.» به گفته این عضو فراکســـیون مستقلین مجلس» «سیاست‌های بانک مرکزی در حوزه ارز و طلا، موفقیت‌آمیز بوده اســـت. حباب قیمتی ایجـــاد شـــده در بازار طـــلا و ارز، جنبه روانی دارد و فاقـــد دلیل و توجیه اقتصادی است، به همین خاطر کوتاه مدت و موقتی بوده و شاهد بازگشت آرامش به بازارها خواهیم بود.»

بازگشت ترامپ چه تاثیری بر بازار مسکن دارد؟

خودتحریمی در تولید مسکن

دو تن از فعالان بازار مســـکن معتقدنـــد ترامپ هر آنچه باید علیه ایران انجام می‌داد در تحریم‌های ســـال ۲۰۱۸ به کار گرفت و دیگر سلاحی در چنته ندارد که بتواند اقتصاد ایران را تحت فشـــار قرار دهد. بنابراین ورود مجدد او به کاخ ســـفید نمی‌تواند شوکی به بازار ارز و مسکن کشور بدهد. گزارش‌های دریافتی نیز نشـــان می‌دهد که طی پنـــج روز اخیر، تقاضای معناداری در بازار مسکن شکل نگرفته است. به گزارش «ایسنا»، بازگشت ترامپ ۷۸ ســـاله به عرصه قدرت در آمریکا، این ســـوال را در اذهان ایجاد کـــرده کـــه این رویداد چه اثراتـــی می‌تواند بر اقتصاد ایـــران و به تبع آن، بازارهای ارز و مســـکن داشته باشد؟ این اتفاق از این جهت که او در زمان ریاست جمهوری دو دوره قبل خود با خروج از برجام و اعمال تحریم‌های ســـنگین علیه ایران و البته بســـیاری دیگر از کشـــورها زمینه‌ســـاز ایجاد شوک‌هایی در اقتصاد آن کشورها شد، حائز اهمیت است.

ترامپ در جریان تبلیغات انتخابات ریاســـت جمهوری ســـال ۲۰۱۶ به فاصله حدود یک ســـال پس از توافق هســـته‌ای موســـوم به برجام اعلام کـــرد که این توافقنامـــه را پاره می‌کند. وقتی ترامـــپ در ۸ نوامبر ۲۰۱۶ (مصـــادف با ۱۹ آبـــان ۱۳۹۵) با غلبه بر هیلاری کلینتون به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهـــور آمریکا و البته پیرترین آنها تا آن تاریخ انتخاب شد، حساسیت‌ها از اثرات این انتخاب بر اقتصاد ایران سایه افکند. اقتصاد ایران در آن سال با رشد فزاینده نقدینگی و پایه پولی که بانک‌ها از عوامل ایجاد آن بودند، ظرفیت تورم را داشت اما با نگرانی از خنثی شدن برجام، شـــوکی به اقتصاد کشور وارد شد و تحت تاثیر این اتفاق، دلار از محدوده ۳۶۰۰ تومان روند صعودی به خود گرفت؛ تا جایی که حتی قبل از خروج رسمی ترامپ از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (مصادف با ۸ مه ۲۰۱۸) اسکناس آمریکایی حدود ۲۵۰۰ تومان گران شد.

رئیس‌جمهور تجارت پیشـــه آمریکا و صاحب ســـازمان ترامپ که نگاه اقتصادی خود را به درون سیاست آورد در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ از توافق ۵+۱ موسوم به برجام خارج شد و تحریم‌های سنگینی را علیه ایران وضع کرد؛ تحریم‌هایی که در دوره ریاســـت جمهوری جو بایدن نیز طی چهار سال اخیر ادامه یافت و گفته می‌شود در حال حاضر به حدود ۵۰۰۰ مورد رســـیده اســـت. طبق آخرین برآوردها، آمریکا در حال حاضر مجموعا ۳۴ هزار تحریم علیه ۲۶ کشور دنیا وضع کرده است. تحریم‌های ترامپ علیه ایـــران به کاهش صادرات نفتی وغیرنفتی و به تبع آن، کاهش درآمدهای ارزی انجامید و آسیب‌هایی را به تجارت خارجی کشور وارد کرد. زمانی که ترامپ در سال ۱۳۹۵ گفت که در صورت انتخابش به عنوان رئیس‌جمهور آمریـــکا، برجام را پاره می‌کند، دلار در محدوده ۳۶۰۰ تومان بود که پس از پیروزی ترامپ بر هیلاری کلینتون در انتخابات آن ســـال تا اردیبهشت ۱۳۹۷ یعنی زمان خروج رسمی آمریکا از برجام، به ۶۱۰۰ تومان رسید و مهرماه ۱۳۹۷ حدود ۱۷ هزار تومان شد. اگرچه در ادامه قیمت دلار روند نوسانی به خود گرفت و در ماه‌های پایانی ۱۳۹۷ به ۱۰ هزار تومان کاهش یافت، اما واقعیت این اســـت که در وضعیت کلی طی هشت سال گذشته بازار ارز تحت تاثیر تحریم‌ها و کمبود ارز صادراتی قرار داشته است. اگرچه اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، راه‌هایی برای مقابله با این تحریم‌ها یافته امـــا به هر حال هم‌اکنـــون (۲۱ آبان ۱۴۰۳) قیمـــت دلار حدود ۶۸ هزار تومان است.

بازار مسکن نیز از شوک خروج هشت سال قبل آمریکا از برجام مصون نماند و قیمت مسکن تحت تاثیر افزایش تقاضا که عمدتا ناشی از تقاضای ســـرمایه‌ای بود روند صعودی به خود گرفت. نتیجتا اینکه قیمت هر متر خانه در تهران از ۴.۴ میلیون تومان در آبان ۱۳۹۵ به ۸۸.۵ میلیون تومان در مردادماه ۱۴۰۳ رسید که رشد ۱۹۱۱ درصد را نشان می‌دهد.

ورود مجدد ترامپ پرحاشـــیه به کاخ ســـفید که قرار اســـت ســـکاندار دولـــت ایالات متحده در فاصله ســـال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۸ باشـــد مجددا حساســـیت‌هایی را برای برخی کشـــورها که در زمان او هدف تحریم قرار داشـــتند ایجاد کرده اســـت، اما باید ببینیم آیا تیغ ترامپ ۲۰۲۴ به اندازه ترامـــپ ۲۰۱۶ بُرندگی دارد؟ درخصوص این اتفاق با دو تن از فعالان بازار مسکن گفت‌وگو کردیم. ابتدا «فرشید پورحاجت»، دبیر کانون انبوه‌سازان دربـــاره آنچه ترامپ می‌تواند علیه اقتصاد ایران انجام دهد، گفت: «ســـال ۱۳۹۷ شـــرایط خاص خود را داشـــت و امروز شرایط دیگری حاکم است. دولت ایالات متحده در ســـال ۱۳۹۷ با خروج از برجام، غافلگیری برای ما ایجاد کرد که شوک آن در همان زمان اثرگذار بود، اما امروز صورت مسئله برای کشور ما مشخص است. یک رئیس‌جمهور در آمریکا بر سرکار آمده که سابقه او را در زمینه سیاست خارجی با ایران و کل دنیا می‌شناسیم اما نه ایران، ایران هشت سال قبل است و نه تحریم‌ها به اندازه هشت سال قبل، قدرت اثرگذاری دارد. با این حال بعد از نشســـتن ترامپ بر کرسی ریاست جمهوری، فرصت گفت‌وگوهای دیپلماتیک پیش روی دولت چهاردهم در ایران اســـت. می‌شود شرایط را مدیریت کرد تا اتفاقات سال ۱۳۹۷ تکرار نشـــود اما در بدترین حالت اگر تحریم‌ها ادامه پیدا کند بعید می‌دانم اثر منفی جدید آنچنانی بر اقتصاد ایران و بازار مسکن داشته باشد.»

«پورحاجت» با بیان اینکه «در تولید مســـکن دچار نوعی خودتحریمی هستیم» افزود: «از سال ۱۳۸۶ که مداخله گسترده دولت در ساخت و ساز آغاز شـــد وضعیت تولید مسکن بهم ریخت. تا قبل از آن بخش خصوصی تقریبا هر ساله ۷۰۰ هزار واحد مسکونی احداث می‌کرد اما از سال ۱۳۸۶ و پس از آن، روند تولید مسکن کاهشی شد تا جایی که هم‌اکنون به حدود ۳۵۰ هزار واحد در سال رسیده است. به نظرم امسال تولید مسکن از ۳۵۰ هزار واحد نیز کمتر خواهد شد؛ آن هم در شرایطی که به اذعان نمایندگان مجلس با کسری ۷ میلیون واحد مسکونی مواجهیم.»

او با اشـــاره به صحبت اخیر وزیر راه و شهرســـازی در مورد نهضت ملی مســـکن، ادامه داد: «آماری که وزیر راه و شهرسازی ارائه داد کاملا شفاف اســـت و باید به آن اســـتناد کرد. اینکه همانند طرح مسکن مهر در بیابان کلنگ بزنیم اما برای خدمات زیربنایی و روبنایی چاره‌اندیشی نکنیم منجر به سرپناه قابل سکونت برای مردم نمی‌شود. اخذ پروانه به منزله پایان کار نیســـت. حتی بخش خصوصی که در حال حاضر پروانه می‌گیرد به دلیل کمبود منابع بانکی نمی‌تواند پروژه‌ها را به اتمام برساند. لذا آمار ۲۰ هزار واحد کاملا مستند و قابل اتکا است؛ چراکه وزیر به این اعداد اشراف دارد و ارقام مستند بر واقعیت‌هاست. جدا از کمبود منابع مالی، سازندگان بخش خصوصی با مشکلاتی مثل طولانی بودن روند اخذ پروانه مواجهند که بعضا تا بیش از یک ســـال می‌رسد. می‌خواهم بگویم آنچه در حال حاضر تولید مسکن را تحت تاثیر قرار می‌دهد نه تحریم‌های خارجی، بلکه خودتحریمی است.» همچنین «داوود بیگی‌نژاد»، نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک نیز گفت: «نهایت توان ترامپ این بود که از برجام خارج شود و تحریم‌هایی را علیه ایران صادر کند که کرد. با خروج از برجام یکســـری اتفاقات منفی برای ما رقم خورد که اقتصاد تحت تاثیر آن قرار گرفت. الان دیگر ترامپ، اهرم فشـــار خاصی ندارد. قطع به یقین اگر ترامپ ابزارهایی علیه اقتصاد ما در اختیار داشـــته باشـــد، مضایقه نمی‌کند و قطعا انجام می‌دهد، اما به نظرم او دیگر در مواجهه با ایران خلع ســـلاح است. اگر بخواهیم مشخصا درخصوص انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و اثر آن بر بازار مسکن ایران صحبت کنیم باید ببینیم آیا بازار ملک طی پنج روز اخیر که نتایج انتخابات اعلام شده واکنش‌های اولیه به این اتفاق داشته است؟ اولین واکنش می‌تواند تعداد مراجعات باشد که هیچ‌گونه افزایشی در این زمینه نداشتیم. به همان نسبت قیمت مسکن و تعداد قراردادهای خرید و فروش خانه نیز افزایش نیافته است. در واقع، نه تقاضای واقعی و نه تقاضای کاذب در بازار مسکن دیده نمی‌شود.»

به گفته نایب رئیس اتحادیه مشـــاوران املاک، «بازار مســـکن به لحاظ رکـــودی که دچار آن شـــده دیگر نمی‌تواند از هیـــچ متغیری تاثیر بگیرد. مضافـــا اینکه ترامپ تمام زورش را در خروج از برجام به کار گرفت و توان آنچنانی برای فشـــار بیشـــتر ندارد. اقتصاد ما و بازار مسکن هم بازار زمان برجام نیســـت؛ چراکه اقتصاد ما خود را با شـــرایط تحریمی تطبیق داده و متناســـب با آن پادزهر تولید کرده اســـت. حتی بایدن امتیاز شگرفی به اقتصاد ما نداد که حالا نگران آمدن ترامپ باشیم. قیمت مسکن همان‌طور که گفتم تغییری نکرده و افزایش نســـبی نـــرخ دلار در روزهای اخیر نیز ربطی به انتخاب ترامپ نداشـــت، بلکـــه از قبل به دلیل تنش‌های منطقه ایجاد شده بود.»

«بیگی‌نژاد» درباره آخرین وضعیت بازار مســـکن نیز گفت: «عمق رکود بازار ملک در مهر و آبان بیشـــتر شده و به همین دلیل، تامین منابع مالی برای ســـازندگان و فعالان بازار ســـخت شده اســـت. در حال حاضر بیشتر تقاضاها به سمت خانه‌های کوچک‌تر و قدیمی‌تر رفته است. به نظرم این روند تا پایان سال تداوم خواهد داشت و تغییر چندانی در انتظار معاملات و قیمت‌ها در بازار مسکن نیست.»

اخبـــــار

تفاهم‌نامه ۲ میلیارد دلاری بانک مرکزی و صندوق توسعه امضا شد

رشد ۸ درصدی با همکاری صندوق ارزی

در راستای توسعه انواع ابزارهای تامین مالی ارزی، تفاهم‌نامه ۲میلیارد دلاری میان بانک مرکزی و صندوق توســـعه ملی امضا شـــد. این تفاهم‌نامه ۲میلیارد دلاری در روز دوشـــنبه (۲۱ آبان ماه) با حضور «محمدرضا فرزین»، رئیس کل بانک مرکزی و «مهدی غضنفری»، رئیس صندوق توسعه ملی با هدف ایجاد و توسعه انواع ابزارهای تامین مالی ارزی و اوراق صکوک مرابحه ارزی و انواع آن، منعقد شد. در ابتدای امضای این تفاهم‌نامه، «علی سعیدی»، مدیرعامل مرکز مبادله ارز و طلای ایران گفت: مرکز مبادله ارز و طلای ایران از ســـال گذشـــته فعالیـــت خود را با معاملات ارز و طـــلا، تامین ارز خدماتی و توافقی آغاز کرد و تالارهای متعدد معاملاتی در این مرکز فعال هســـتند. این مرکز فعالیت عرضه اوراق را در ششـــم آذر ماه ســـال گذشته، عرضه شـــمش طلا را در ۲۷ دی ماه ســـال گذشته و سکه طلا را در ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۲ آغاز کرد. کار مرکز مبادله با تامین مالی ارزی آغاز شد و علاوه بر آن تا امروز طی ۶۶ جلسه حراج ۱۲ تن شمش طلا به ارزش ۵۵ همت، سی و دو جلسه حراج سکه برگزار شده که طی آن بیش از ۴۲۰ هزار سکه طلا معامله شد.

«مهدی غضنفری»، رئیس صندوق توسعه ملی نیز در ادامه این نشست گفت: این تفاهم‌نامه کمک می‌کند که علاوه بر وجوه از اعتبارات نیز برای تامین مالی بهره‌مند شویم. در این رابطه بانک مرکزی می‌تواند ضامن نقدشوندگی باشد و صندوق توســـعه هم می‌تواند منابع بیشـــتری را تامین مالی کند. در این میان، بانک‌هـــای عامل هم می‌توانند نقش اصلی واســـطه‌گری وجوه و تامین ضمانت برای وثایق را تامین کنند. بنابراین هم برای صندوق توســـعه و هم برای بانک مرکزی این شرایط فراهم می‌شود که سود به درستی تقسیم شود.

به گفته رئیس صندوق توســـعه ملی، یک نگرانی در بخش خصوصی وجود دارد، امـــا بایـــد یک اطمینان خاطـــر بدهیم که اگر کســـی اوراق ارزی خرید و مشـــارکت کرد، بعدا صندوق نباید به او ریال دهـــد و صندوق باید این اوراق را به صورت ارزی پرداخت کند. جای تشـــکر دارد که بانک مرکزی در حال ارائه ابزارهای جدید برای تامین مالی اســـت؛ چراکه برای تحقق رشد ۸ درصدی در برنامه هفتم نمی‌توان تنها به ابزارهای تامین مالی سنتی اتکا کرد و این منابع باید برای طرح‌های پیشران و ارزآور تامین شود. در حال حاضر قرار است فولاد مبارکه و هلدینگ خلیج فارس هر کدام به میزان ۲۰۰ میلیون دلار این اوراق را تامین مالی کنند. قول می‌دهیم که هر کسی به این تفاهم‌نامه ارز وارد کند ارز دریافت خواهد کرد.

همچنیـــن «محمدرضا فرزین»، رئیس کل بانک مرکـــزی در رابطه با انعقاد تفاهم‌نامه میان بانک مرکزی و صندوق توســـعه ملـــی با هدف تامین مالی ارز گفت: صندوق توســـعه ملی، یکی از مهمترین نهادهای تامین مالی در کشـــور است. در سال ۱۳۹۱ به علت درآمدهای مناسب نفتی حدود ۵۰ میلیارد دلار به صندوق توسعه ملی تزریق شد. به گفته «فرزین»، مرکز مبادله ایران که در سال گذشته فعالیت آن آغاز شد هم در بازار ارز و هم در بازار طلا فعال است اما آنچه به جلسه امروز مربوط است بحث تامین مالی ارزی است. یکی از تنگناهای رشد اقتصادی ۸ درصدی در کشور، بحث تامین مالی است که بخشی از آن را می‌توان از منابع خارجی و بخشی از آن را از منابع داخلی تامین کرد.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: در سال گذشته طی یک روز ۱۰۰ میلیون یورو اوراق ارزی به فروش رفت. بنابراین ما برای تامین مالی بنگاه‌ها ورود کردیم و در حال حاضر حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار تقاضا برای اوراق ارزی وجود دارد که بسیاری از آنها شرکت‌های بورسی هستند که می‌تواند برای بازار ســـرمایه نیز مناسب باشـــد. در رابطه با این تفاهم‌نامه صندوق توسعه ملی یک نهاد پذیره نویس و ســـرمایه‌گذار و حتی در برخـــی مواقع به عنوان بازارگردان و نهاد اثرگذار محســـوب می‌شـــود. نرخ این اوراق ارزی ۶درصد اســـت که یک نرخ جذاب و مطلوب اســـت و برای ســـرمایه‌گذاران نیز جذابیت دارد. همچنین این بازار باید بین‌المللی باشـــد. به طوری که برای ۱۵ میلیارد دلار تامین مالی خارجی برای سال جاری آماده هستیم. ما به دنبال این هستیم که سهم تجارت و درآمدهای ارزی کشور را افزایش دهیم و امیدواریم با تامین مالی ارزی بتوانیم سهم تجارت و درآمدهای ارزی کشور را افزایش دهیم. امیدواریم با این حرکت که با همکاری صندوق توســـعه آغاز شـــده، بتوانیم به تحقق رشـــد ۸ درصدی دست یابیم.

۲ ساعت خاموشی روزانه برای هر مشترک برق

خاموشی‌ها شمال و جنوب ندارد

پیرو برخی مطالب منتشرشده در مورد عدم اعمال خاموشی در مناطق شمالی تهران و محدودیت‌های برق سراسر کشور باید گفت که خاموشی‌ها به صورت منظم و طبق برنامه در حال اجرا بوده و این موضوع ارتباطی با شـــمال شهر و یا جنوب شهر ندارد. به گزارش «ایسنا»، با توجه به کمبود سوخت برای تولید برق نیروگاه‌ها و اطلاعیه شورای اطلاع‌رسانی دولت مبنی بر اعمال خاموشـــی منظم به جای مازوت‌سوزی و آلودگی هوا، از دوشنبه شاهد خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده در تهران هستیم که بین ساعت ۹ تا ۱۷ عصر خواهد بود و توزیع خاموشی‌ها به صورت برنامه‌ریزی‌شده و منظم صورت می‌گیرد. سخنگوی دولت طی روزهای گذشته در صفحه شخصی خود در شـــبکه اجتماعی ایکس نوشت: «شرط عدالت نیست برای تولید برق، بخشی از جامعه با جان خود هزینه آن را پرداخت کند. از همین رو به دستور رئیس جمهور مازوت‌سوزی در سه نیروگاه اراک، کرج و اصفهان که شـــرایط ویژه‌ای دارند، متوقف می‌شود. می‌توان برای مدت محدودی، «خاموشـــی منظم» را جایگزین «تولید سم» برای عموم شهروندان کرد.» «محمدجعفر قائم‌پناه»، معـــاون اجرایی رئیس‌جمهور نیز گفت که «پس از بررســـی‌ها و پس از دســـتور آقای پزشـــکیان به دلیل آلودگی خاص در مناطق اراک، کرج و اصفهان ناشـــی از مازوت‌ســـوزی (حدود ۱۶ میلیون تن مازوت‌ســـوزی) که باعث آلودگی هوا و بیماری می‌شود، مازوت‌سوزی متوقف می‌شود. کمبود برق، انرژی و گاز داریم. برای اینکه به بخش‌هایی از جامعه آســـیب وارد نشود، ناچاریم ســـوخت مازوت را در این نیروگاه‌ها متوقف کنیم.» به گفته او، «در دولت مقرر شـــده وزارت نیرو ساعت‌هایی را در طول ســـال تنظیم کند مدتی که نیاز اســـت خاموشی اعلام کند. از همه مردم به خاطر این مسئله عذرخواهی می‌کنم. واقعا چاره‌ای نداریم. ما راضی نیستیم این سم در شهرهایی مثل اصفهان، کرج، اراک و شهرهای دیگر تولید شـــود و ترجیح دادیم خاموشـــی مختصری به طور منظم و با اطلاع قبلی در طول شـــبانه روز اتفاق بیفتد. امیدواریم با برنامه‌ریزی‌های دولت وفاق ملی سال دیگر تولید برق و گاز اصلاح شود.»

هرچند از روز دوشنبه، خاموشی‌ها به صورت منظم در تهران آغاز شد، اما برخی ادعا کرده‌اند که این موضوع در شـــمال و جنوب تهران یکســـان نیســـت. در این رابطه باید گفت در هشت اســـتان ایران که کلانشهرهای کشـــور در آنها واقع شـــده است، به دلیل وســـعت و جمعیت زیاد آن، دو شرکت مســـتقر است که یکی مدیریت کلانشـــهر و دومی مدیریت سایر مناطق اطراف را برعهده دارد. در تهران نیز دو شـــرکت مســـتقر است که شـــرکت توزیع استان تهران مدیریت همه شهرستان‌های اطراف تهران به جز کلانشهر تهران را برعهده دارد و به همین دلیل جدول منتشر شده تنها مناطق جنوبی تهران و سایر شهرستان‌های حومه تهران را نشان می‌دهد.

براساس این گزارش، مشترکان ساکن در کلانشهر تهران (همه مناطق شـــمال و...) نیز می‌توانند براســـاس راهنمای ارائه شده نسبت به اطلاع از برنامـــه روزانه خاموشـــی و محدودیت اختصاص یافته بـــه منطقه خود با مراجعه به سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ آگاه شوند. در حال حاضر ۹۰ درصد نیروگاه‌های کشور از سوخت گاز برای تولید برق استفاده می‌کنند و با کاهش گاز تحویلی به نیروگاه‌ها و دستور ریاست جمهوری، مبنی بر عدم استفاده از سوخت مازوت به دلیل حفظ سلامت هموطنان، تامین برق با محدودیت مواجه شـــده و برنامه اعمال خاموشی‌های منظم (روزانه دو ساعت برای تمام مناطق) تدوین شده است. مشترکان می‌توانند از طریق وارد کردن شناســـه قبض خود در اپلیکیشن برق من و یا سایت شرکت‌های توزیع نسبت به زمان خاموشی اختصاص یافته به منطقه محل سکونت خود آگاه شوند.

خبرنامه

گزارش پایش بخش حقیقی اقتصاد نشان می‌دهد

رشد ۲۶ درصدی تولید خودرو در مهرماه

در مهرماه ۱۴۰۳ شاخص تولید رشته فعالیت خودرو و قطعات برمبنای شرکت‌های بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل، افزایش ۱۲ درصدی و نسبت به ماه قبل (شهریور) افزایش ۲۶.۵ درصدی داشته است. در مهر ماهی که گذشت، شاخص تولید رشته فعالیت خودرو و قطعات برمبنای شرکت‌های بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۱۲ درصدی و نسبت به ماه قبل (شهریور) افزایش ۲۶.۵ درصدی داشته است. همچنین شاخص فروش این رشته فعالیت نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش ۹.۱ درصدی و نسبت به ماه قبل افزایش ۲۸.۵ درصدی داشته است. به نظر می‌رسد بعد از پشت سر گذاشتن خاموشی‌های برق صنایع در تابستان، صنعت خودرو در مهرماه جان دوباره گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، شاخص تولید و فروش تمام زیربخش‌ها در مهرماه نسبت به شهریورماه افزایش یافته است. همچنین نسبت به مهرماه سال قبل، شاخص تولید و فروش تمام زیربخش‌ها به جز شاخص تولید خودرو سنگین افزایش یافته است.

در مراسمی با حضور مقامات و مسئولان

شبکه میر روسیه به شتاب ایران متصل شد

مراسم رونمایی از اتصال شبکه شتاب ایران به میر روسیه، روز گذشته با حضور رئیس کل بانک مرکزی، سفیر ایران در روسیه و سایر مقامات شبکه بانکی کشور در بانک مرکزی برگزار شد. در این مراسم که فاز اول آن به بهره‌برداری رسید، گردشگران ایرانی می‌توانند از خودپردازهای روسیه روبل برداشت کنند و در مرحله دوم آن که تا قبل از سال جدید میلادی است گردشگران روسیه می‌توانند از خودپردازهای ایران ریال دریافت کنند و در مرحله سوم آن که بعد از سال جاری میلادی است گردشگران ایرانی می‌توانند با کارت‌های عضو شتاب از فروشگاه‌های روسیه خرید کنند. «کاظم جلالی»، سفیر ایران در فدراسیون روسیه در ابتدای این مراسم گفت: یکی از هدف‌های جذاب اقتصادی و گردشگری برای کشور ما می‌تواند کشور روسیه باشد و فدراسیون روسیه می‌تواند برای بازار ایران بسیار موثر باشد. شناخت ما از بازار روسیه بسیار کم است و نیازمند این هستیم که تجار ما با این کشور تعامل و رفت و آمدهای بیشتری داشته باشند. با این حال آنگونه که باید تجار ما در رابطه با روسیه فعال نیستند. همچنین در حوزه گمرکی این نیاز وجود دارد تا به سمت دیجیتالی شدن گمرک میان دو کشور پیش برویم. به گفته سفیر ایران در روسیه، موضوع دیگر بحث ترانزیت است که نیازمند تکمیل کریدورهای اقتصادی و همچنین حمل و نقل هستیم. خوشبختانه در سال‌های اخیر اقدامات زیادی برای تکمیل کریدور شمال و جنوب انجام شده است. با این حال عامل مهمتر مربوط به حوزه پولی و بانکی است و خوشبختانه مفاهیم جدیدی در حوزه پولی و بانکی میان دو کشور ایجاد شده و امروز بخش بزرگی از موانع پولی و بانکی میان دو کشور برداشته شده و از کارهای دیگری که باید در این رابطه انجام دهیم جذب گردشگران روسی است. «محمدرضا فرزین»، رئیس کل بانک مرکزی نیز گفت: امروز با اتصال شبکه‌های پرداخت دو کشور مرزهای میان دو کشور برداشته شده و فصل جدیدی میان روابط اقتصادی - فرهنگی دو ملت ایجاد می‌شود. این پروژه به سه فاز تقسیم شده است. فاز اول این پروژه در ابتدای شهریورماه به بهره‌برداری رسید که بر اساس آن شهروندان ایرانی به راحتی می‌توانند با کارت‌های خود از خودپردازهای روسیه روبل برداشت کنند. تا امروز چهار بانک ایرانی پیاده‌سازی این طرح را انجام داده و در چهار بانک دیگر ایرانی آزمون‌ها با موفقیت به پایان رسیده و سایر بانک‌های کشور نیز به تدریج با اقدامات لازم به این پروژه می‌پیوندد. به گفته رئیس کل بانک مرکزی، به زودی فازهای بعدی این پروژه با امکانات و ابزارهای گسترده‌تر رونمایی می‌شود که بی‌شک با این پروژه گام‌های جدیدی در راستای تعاملات بین‌المللی و مالی برداشته خواهد شد.

سهم نفت از بودجه عمومی ۸ درصد کاهش یافت

بیش‌برآوردی صادرات نفت در بودجه ۱۴۰۴

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، اگر لایحه بودجه مانند قوانین بودجه سالیان اخیر استاندارد شود، سهم درآمدهای نفتی دولت از بودجه عمومی معادل ۱۵ درصد خواهد بود که این رقم در سال گذشته ۲۳ درصد بوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی درباره لایحه بودجه ۱۴۰۴ به بخش مربوط به نفت و روابط مالی آن با دولت پرداخته است. طبق ارزیابی مرکز پژوهش‌ها، در سال ۱۴۰۱ میزان ناترازی گاز طبیعی در اوج مصرف به ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید و اگرچه به‌واسطه افزایش دما در سال ۱۴۰۲ این عدد به حدود ۲۸۰ میلیون مترمکعب در روز کاهش یافت، اما همچنان چالش ناترازی گاز طبیعی در کل سال به‌ویژه ماه‌های سرد وجود دارد. از سوی دیگر مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌های حرارتی افزایش یافته و درحال‌حاضر ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در شش ماهه اول ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش پیدا کرده و افزایش ناترازی گاز و عدم امکان تأمین سوخت مایع جایگزین، چالش‌هایی را برای تأمین برق در زمستان به وجود آورده است. همچنین در حوزه تأمین بنزین نیز کسری وجود دارد و بی‌توجهی به سیاست‌های مدیریت مصرف، منجر به اجبار به واردات و خرید محصولات مرتبط از واحدهای داخلی شده است.

در این گزارش با اشاره به تبصره «۳» لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ با ۱۲ بند که به‌صورت اختصاصی به نفت و روابط مالی آن با دولت پرداخته است، آمده: نکته قابل‌توجه درباره لایحه بودجه ۱۴۰۴، یکپارچه‌سازی تمامی منابع تحت عنوان بودجه عمومی بوده و به این ترتیب منابع خارج از سقف بودجه مانند منابع حساب هدفمندی یارانه‌ها نیز برای اولین بار طی سالیان اخیر به سرجمع منابع عمومی بودجه افزوده شده و دیگر تبصره و جدول منابع-مصارفی برای حساب هدفمندی یارانه‌ها که عمدتاً متشکل از منابع حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی و فروش داخلی گاز طبیعی بود در لایحه بودجه در نظر گرفته نشده است.

این گزارش توضیح می‌دهد که از مجموع حدود ۲ هزار و ۱۰۷ هزار میلیارد تومان درآمدهای نفتی دیده شده در لایحه بودجه که سهم ۳۵ درصدی از کل منابع عمومی بودجه دارد، حدود ۵۰۹ هزار میلیارد تومان به‌عنوان سهم دولت از درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، میعانات‌گازی و گاز طبیعی دیده شده است که با احتساب سهم استقراض شده از صندوق توسعه ملی، این سهم به ۴۴ درصد و مجموعاً به حدود ۱۰۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، اما اگر لایحه بودجه مانند قوانین بودجه سالیان اخیر استاندارد شود، سهم درآمدهای نفتی دولت از بودجه عمومی معادل ۱۵ درصد خواهد بود که این رقم در سال گذشته ۲۳ درصد بوده است.

با توجه به میزان تولید فعلی نفت خام، برآورد هدف تولید ۳۷۵۰ هزار بشکه نفت خام محل تردید بوده و متعاقب آن تحقق صادرات نفت خام و میعانات‌گازی در نظر گرفته شده مجموعاً به میزان ۱۸۵۰ هزار بشکه در روز که سهم دولت ۱۲۵۰ هزار بشکه در روز است نیز دور از انتظار خواهد بود. علاوه بر وضعیت تولید نفت کشور، با بررسی پیش‌بینی‌ها از بازار نفت برای سال آتی، احتمال کاهش میزان صادرات نفت ایران نیز وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود سناریوهای کمینه، بیشینه و قیمت محتمل نفت صادراتی ایران برای سال بعد به ترتیب برابر ۵۳، ۷۵ و ۶۳ دلار در هر بشکه بوده و میزان صادرات کمتر از حجم در نظر گرفته شده در لایحه بودجه باشد. در سناریوی محتمل درآمدهای دولت از صادرات نفت خام، میعانات‌گازی و خالص صادرات گاز طبیعی (با قیمت هر بشکه نفت معادل ۶۳ دلار مطابق لایحه بودجه و میزان صادرات ۱.۱ میلیون بشکه در روز و صادرات گاز مطابق فرضیات لایحه بودجه) معادل ۴۵۹ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود و در سناریوهای کمینه و بیشینه این رقم به ترتیب برابر ۳۷۰ و ۶۹۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

شاخص کل بورس تهران مجددا کانال ۲,۱ میلیونی را پس گرفت

رشد ۵ درصدی بورس در ۳ روز

فرصت امروز: سبزپوشی شاخص‌های بورسی در حالی در سومین روز هفته ادامه یافت که از تعداد صف‌های خرید کاسته شد و ورود نقدینگی حقیقی به معاملات خرد متوقف شد. شاخص کل بورس تهران نیز بار دیگر کانال ۲,۱ میلیونی را پس گرفت تا در سه روز معاملاتی گذشته، بازدهی ۵ درصدی را ثبت کرده باشد. در معاملات روز دوشنبه، شاخص کل با رشد ۳۶ هزار و ۸۷۱ واحدی و ثبت بازدهی روزانه ۱,۷۶ درصدی، کانال ۲,۱ میلیونی را که روز ۲۳ مهرماه از دست داده بود، مجددا پس گرفت و در ارتفاع ۲ میلیون و ۱۲۶ هزار واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۸ هزار و ۹۰ واحدی و ثبت بازدهی ۱,۲۰ درصدی در میانه کانال ۶۸۴ هزار واحد جای گرفت. نمادهای فولاد، فملی و فارس بیشترین اثر مثبت و نمادهای فولاژ، کگل و وپخش بیشترین اثر منفی را بر شاخص کل داشتند. در بازار فرابورس نیز شاخص‌ها مثبت ماندند و شاخص کل فرابورس با ۱۱۸ واحد رشد در محدوده ۲۱ هزار و ۲۱۴ واحد و شاخص هم‌وزن با هزار و ۴۵۷ واحد رشد در کانال ۱۱۹ هزار و ۳۳۵ واحد به کار خود پایان داد. نمادهای آریا، زاگرس و فصبا با بیشترین اثر مثبت و نمادهای کگهر، فزر و حسینا با بیشترین اثر منفی بر شاخص این بازار همراه شدند.

روز گذشته همچنین ۶۵ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی از معاملات خرد خارج شد و به این ترتیب، روند ورود پول که از ابتدای هفته آغاز شده بود، متوقف شد. با اینکه از تعداد صف‌های خرید نیز کاسته شد اما همچنان ۱۶۲ نماد قفل صف خرید بودند. تعداد نمادهای مثبت و منفی اگرچه همچنان به سمت سبزی تمایل پیدا می‌کنند اما نمادهای منفی با تصاحب ۴۶ درصدی تابلو، حضور بیشتری داشتند. با این وجود، ارزش معاملات خرد (سهام + حق تقدم) رکورد شکست و با ثبت ارزش ۷ هزار و ۷۸۴ میلیارد تومان، رکورد بالاترین ارزش معاملات خرد در سال ۱۴۰۳ به ثبت رسید.

ارزش معاملات خرد رکورد شکست

سومین روز متوالی رشد شاخص‌ها در بازار سرمایه در حالی رقم خورد که این روز یک فرق اساسی با روزهای قبل داشت و آن هم خروج پول حقیقی از بازار بود. معاملات روز دوشنبه در بورس تهران در حالی به اتمام رسید که شاخص کل توانست با ۱,۷۶ درصد افزایش بار دیگر کانال ۲,۱ میلیون واحدی را که روز ۲۳ مهرماه از دست داده بود، پس بگیرد و در کانال ۲ میلیون و ۱۲۶ هزار واحد بایستد. همچنین شاخص کل هم‌وزن با ثبت رشد ۱,۲۰ درصدی در کانال ۶۸۴ هزار و ۴۵۵ واحد به کار خود پایان داد. در بازار فرابورس ایران نیز شاخص‌ها مثبت ماندند؛ به طوری که شاخص کل فرابورس با ۰,۵۶ درصد رشد در محدوده ۲۱ هزار و ۲۱۴ واحد ایستاد و شاخص هم‌وزن با ۱,۲۴ درصد رشد در کانال ۱۱۹ هزار و ۳۳۵ واحد به کار خود پایان داد.

ارزش کل معاملات بازار حدود ۴۷۵ هزار و ۷۸۱ میلیارد تومان بود که از این مبلغ حدود۷ هزار و ۷۸۴ میلیارد تومان آن مربوط به معاملات خرد سهام و حق تقدم بود و به این ترتیب، ارزش معاملات خرد (سهام + حق تقدم) رکورد زد و رکورد بالاترین ارزش معاملات خرد در سال جاری را شکست. با این وجود، ۶۵ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی از معاملات خرد خارج شد و به این ترتیب، روند ورود پول که از ابتدای هفته جاری شاهد تداوم آن بودیم سرانجام متوقف شد. علاوه بر این، از تعداد صف‌های خرید نیز کاسته شد اما همچنان در پایان معاملات دوشنبه، ۱۶۲ نماد قفل صف خرید بودند. ۴۶ درصد تابلوی معاملات بازار در این روز قرمزپوش شد. صندوق‌های درآمد ثابت که در ابتدای معاملات دوشنبه با خروج پول مواجه بودند، در ساعات پایانی معاملات به سمت تعادل حرکت کردند. اهرمی‌ها که تا لحظه تنظیم این گزارش، بیش از ۵۰ میلیارد تومان خروج پول داشتند همچنان در محدوده سبز تابلو معامله می‌شوند. صندوق‌های طلا نیز که از ابتدای هفته منفی بودند تا به این لحظه ۳۸۱ میلیارد تومان نقدینگی از دست دادند. در مجموع، شاخص کل بورس تهران بیش از ۱۰۰ هزار واحد رشد را در این هفته تجربه کرده تا افت‌های هفته‌های پیشین به واسطه اخبار منفی را جبران کرده باشد. ورود پول حقیقی و افزایش ارزش معاملات، اهالی بازار را امیدوار کرده که رقم شاخص برای روزهای آینده نیز صعودی باشد و آبان ماه امسال نیز همچون سنوات گذشته یک مسیر صعودی برای بازار سرمایه تا پایان سال ایجاد کند. شاخص کل ظرف سه روز کاری گذشته حدود ۵ درصد بالا رفته است.

هت‌تریک ۳۵ هزار تایی بورس تهران

شاخص کل بورس و اوراق بهادار تهران، سومین رشد بیش از ۳۵ هزار واحدی خود را در روز دوشنبه به ثبت رساند تا عدد شاخص کل در پایان معاملات با ۳۶ هزار و ۸۰۰ واحد افزایش به محدوده ۲ میلیون و ۱۲۶ هزار واحد برسد. ارزش معاملات در بازار بورس و اوراق بهادار تهران بیش از ۸ هزار میلیارد تومان ثبت شد و فلزات اساسی در این میان، ۶۷۹ میلیارد تومان از این ارزش معاملاتی را به خود اختصاص دادند و در جایگاه نخست ایستادند. گروه بانک‌ها با ۵۲۱ میلیارد تومان، دومین گروهی بودند که بیشترین ارزش معاملات را به خود گرفتند و خودرویی‌ها نیز با ۳۷۲ میلیارد تومان، جایگاه سوم بازار را از آن خود کردند. بورس تهران ظرف سه روز کاری اخیر، رشد بیش از ۱۰۰ هزار واحدی را به خود دیده است و هت‌تریک ۳۵ هزارتایی در شاخص کل بورس تهران رقم خورده است.

همچنان برای بازار بورس تهران، اخبار مثبت مخابره می‌شود و عرضه خودرو در بورس کالا، سفر گروسی به تهران، حضور مقام عالی‌رتبه نظامی عربستان پس از دو دهه در ایران به همراه برنامه بانک مرکزی برای کاهش نرخ بهره از جمله اخباری است که پس از مدت‌ها خبرهای منفی و تنش نظامی به بازار بورس تهران مخابره می‌شود تا بخشی از اعتماد اهالی بازار سرمایه را به دست بگیرد. در عین حالی که همچنان ورود پول به بازار بورس تهران گزارش می‌شود، صندوق‌های طلای بازار کاملا رخ منفی به خود گرفتند. نرخ دلار حواله نیمایی نیز در کمترین فاصله با ارزش ۵۰ هزار تومانی است تا روند افزایشی این نرخ نیز رو به‌جلو باشد.

نگرانی صنایع از احتمال قطعی برق

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، شصت و یکمین دوره از گزارش شاخص مدیران خرید (PMI) کل اقتصاد موسوم به شامخ را منتشر کرد. این شاخص در مهرماه ۱۴۰۳ برای ششمین ماه متولی زیر عدد ۵۰ ثبت شده و از تداوم رکود و انقباض در فعالیت‌های اقتصادی حکایت دارد، اما به واسطه بهبود شرایط فعالیت‌های صنعتی در مهرماه به واسطه رشد تأمین برق، شرایط کلی شامخ بهبود پیدا کرده و انتظارات فعالان اقتصادی از شرایط تولید در آبان را ارتقا داده است. در این گزارش آمده است که در بخش صنعت، شاخص تعدیل شده مدیران خرید این بخش بعد از رکود عمیق هفت ماهه و به واسطه بهبود تأمین برق، رشد قابل‌توجهی داشته و از ۴۷,۸ در شهریورماه به ۵۴,۵ در مهرماه رسیده است؛ درحالی‌که از خردادماه به واسطه قطعی برق، اغلب کارخانه‌ها در ظرفیت‌های پایین‌تر از توان تولیدی خود فعال بودند. البته ترس از خاموشی برنامه‌ریزی‌شده اعلام شده از سوی دولت، اهالی بازار را نگران کرده است. «شهباز حسن‌پور»، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگوی با رسانه‌های بورسی گفته است که «در برنامه جدید خاموشی، برق صنایع قطع نخواهد شد.» رئیس‌جمهور نیز در نشست روز یکشنبه خود درخصوص ناترازی‌های انرژی اینطور گفت که «برنامه‌هایی برای رسیدگی به مهمترین مشکلات از جمله ناترازی‌ها در عرصه‌های مختلف مثل انرژی و پول در حال تدوین هستند و تلاش داریم در نشست‌هایی با صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف به این برنامه‌ها غنا و قوت بیشتری ببخشیم.» این در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی، علت تصمیم دولت برای قطعی برق را کاهش ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در شش ماهه اول سال ۱۴۰۳ و افزایش ناترازی گاز اعلام کرده است.

تجارت غیرنفتی ایران به ۷۲ میلیارد دلار در ۷ ماهه امسال رسید

چالش‌های تراز تجاری در سال ۱۴۰۳

آنطور که گمرک ایران گزارش داده است، از ابتدای سال جاری تا پایان مهرماه، تجارت خارجی کشور به استثنای نفت خام نفت کوره، نفت سفید و بدون احتساب صادرات از محل تجارت چمدانی به ۷۲ میلیارد دلار رسیده است. گمرک ایران در آخرین گزارش خود، آمار و اطلاعات تجارت خارجی کشور در هفت ماهه امسال را منتشر کرده است که براساس آن، میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام نفت کوره، نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی) بالغ بر ۸۸ هزار و ۷۰۱ هزار تن به ارزش ۳۲.۵۲ میلیارد دلار محاسبه شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، افزایش ۱۱.۴۸ درصدی در وزن و ۱۴.۷۲ درصدی در ارزش دلاری داشته است. همچنین میزان واردات کشور در این مدت به ۲۱ هزار و ۷۱۹ هزار تن به ارزش ۳۹.۵ میلیارد دلار، افزایش ۲.۷ درصدی در وزن و ۸.۸ درصدی در ارزش دلاری را تجربه کرده است. بر این اساس، میزان تجارت خارجی غیرنفتی کشور (اعم از واردات و صادرات) در هفت ماهه سال جاری از مرز ۱۱۰ هزار و ۴۲۰ هزار تن عبور کرد که ارزشی برابر با ۲۷ میلیارد و ۲۹ میلیون دلار دارد.

اما مقاصد اصلی صادراتی ایران کدام کشورها هستند؟ طبق گزارش گمرک ایران طی هفت ماهه سال ۱۴۰۳، بیشترین میزان صادرات کشور به مقصد کشورهای چین با رقمی بالغ بر ۸.۶ میلیارد دلار و سهم ۲۶.۴ درصدی از کل ارزش صادرات، عراق با ۷.۲ میلیارد دلار و سهم ۲۲.۴ درصدی، امارات متحده عربی با ۴.۲ میلیارد دلار و سهم ۱۲.۹ درصدی، ترکیه با ۳.۳ میلیارد دلار و سهم ۱۰.۲ درصدی و افغانستان با ۱.۳ میلیارد دلار و سهم ۴ درصدی از کل ارزش صادرات کشور صورت گرفته است. در نقطه مقابل نیز طی هفت ماهه امسال، امارات متحده عربی با اختصاص رقمی بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار و سهمی در حدود ۳۰.۳ درصد از کل ارزش واردات کشور در جایگاه نخست کشورهای طرف معامله واردات به ایران قرار گرفته است. همچنین طی این مدت کشورهای چین با ۱۰.۲ میلیار دلار و سهم ۲۵.۸ درصدی از کل ارزش واردات، ترکیه با ۶.۵ میلیارد دلار و سهم ۱۶.۶ درصدی، آلمان با ۱.۴ میلیارد دلار و سهم ۳.۶ درصدی، روسیه با ۹۵۸ میلیون دلار و سهم ۲.۴ درصدی جزو کشورهای عمده طرف معامله واردات به کشور بوده‌اند. طی هفت ماهه ابتدای امسال همچنین میزان ترانزیت خارجی کشور به ۱۳ هزار و ۲۳۹ هزار تن رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۴۱.۷ درصد رشد داشته است.

براساس این گزارش، تراز تجاری ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۳، برآیندی از چالش‌های عمده تجارت خارجی کشور را به تصویر می‌کشد. در حالی که تنها فروردین و خردادماه توانستند تراز تجاری مثبت داشته باشند، باقی ماه‌ها با کسری تراز تجاری روبه‌رو بوده‌اند. در این گزارش به بررسی روند کلی این وضعیت، دلایل آن و راهکارهای پیش‌رو می‌پردازیم. به گزارش «اکوایران»، تراز تجاری که تفاوت میان ارزش صادرات و واردات یک کشور را نشان می‌دهد، شاخصی حیاتی در ارزیابی قدرت اقتصادی و توانمندی تجاری آن کشور به شمار می‌رود. در نیمه نخست سال ۱۴۰۳، آمارها نشان می‌دهند که در اغلب ماه‌ها، واردات کشور از صادرات پیشی گرفته و منجر به کسری در تراز تجاری شده است. این روند به‌ویژه در ماه‌هایی چون تیرماه و شهریورماه چشمگیرتر بود و نشان‌دهنده مشکلات ساختاری و وابستگی شدید به واردات است. البته باید عنوان کرد که تراز تجاری امسال براساس آمارهای گمرک بوده و مربوط به کالاهای غیرنفتی است. در این بررسی صادرات نفت و ارقام آن لحاظ نشده است.

در میان شش ماه نخست امسال، خرداد و فروردین تنها ماه‌هایی بودند که تراز تجاری مثبت را تجربه کردند. برای مثال در خردادماه، صادرات به میزان ۵ هزار و ۵۱۲ میلیون دلار و واردات به میزان ۵ هزار و ۲۵۰ میلیون دلار بود که منجر به تراز مثبت ۲۶۲ میلیون دلاری شد. این موضوع نشان می‌دهد که در شرایط خاص و با برنامه‌ریزی مناسب، امکان افزایش صادرات و کاهش واردات به نحوی وجود دارد که به بهبود تراز تجاری کمک کند. در نقطه مقابل، ماه‌هایی چون تیر و شهریور با کسری قابل توجه در تراز تجاری همراه بودند. افزایش واردات در این ماه‌ها در مقایسه با صادرات پایین‌تر، منجر به کسری‌های چشمگیر شد. این روند نشان‌دهنده مشکلاتی نظیر وابستگی به واردات کالاهای ضروری، محدودیت‌های صادراتی و عدم دسترسی گسترده به بازارهای خارجی به‌دلیل تحریم‌ها است. به‌طور مشخص، تیرماه با کسری یک هزار و ۶۷۸ میلیون دلاری و شهریور با ۲ هزار و ۴۳۲ میلیون دلار کسری، نمونه‌های برجسته‌ای از روند نزولی تراز تجاری کشور بودند.

عوامل متعددی بر روند منفی تراز تجاری تأثیرگذار هستند که می‌توان به وابستگی به واردات کالاهای ضروری، محدودیت‌های صادراتی و عدم دسترسی به بازارهای بین‌المللی به‌دلیل تحریم‌ها اشاره کرد. همچنین مشکلات زیرساختی و نبود تسهیلات کافی برای تولید و صادرات، از دیگر عوامل اصلی کسری تراز تجاری است. نوسانات نرخ ارز نیز بر واردات و صادرات تأثیرگذار بوده و باعث خروج بیشتر ارز از کشور می‌شود. برای کاهش کسری تراز تجاری و رسیدن به تعادل مثبت، تقویت تولید داخلی و جایگزینی واردات، تمرکز بر گسترش بازارهای صادراتی و حمایت از صنایع صادرات‌محور با تسهیلات و زیرساخت‌های مناسب می‌تواند راهگشا باشد. این اقدامات نه تنها می‌تواند وابستگی به واردات را کاهش دهد بلکه به افزایش درآمدهای ارزی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک خواهد کرد.

در مجموع، بررسی تراز تجاری ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که با وجود چالش‌ها، فرصت‌های مشخصی برای بهبود این شاخص کلیدی اقتصادی وجود دارد. تجربه فروردین ماه و خردادماه نشان می‌دهد که در صورت اتخاذ سیاست‌های حمایتی و بهینه‌سازی مسیر صادرات، می‌توان روند منفی را معکوس کرد و به تعادل پایدار در تجارت خارجی دست یافت. این امر نیازمند تلاش‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی دقیق در سطح کلان اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی است. بررسی تراز تجاری در شش ماهه ابتدایی امسال نشان می‌دهد که میزان کسری تجاری ایران به ۶ هزار و ۸۳۵ میلیون دلار رسیده است. براساس داده‌های آماری، این رقم از واردات غیرنفتی ۳۲.۵ میلیارد دلاری و صادرات غیرنفتی ۲۵.۷ میلیارد دلاری در نیمه نخست امسال ایجاد شده است.

فراخوان فروش زمین‌های شهرداری خرم‌آباد

شهرداری خرم آباد در نظر دارد فراخوان مزایده فروش چهار قطعه زمین با کاربری مسکونی واقع در گلدشت غربی و یک قطعه زمین با کاربری تجاری واقع در کوی امام رضا (ع) را با شماره مزایده ۲۰۰۳۰۰۵۷۲۸۰۰۰۰۱۵ به شرح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

ردیف	شماره‌قطعه	مساحت(مترمربع)	کاربری	قیمت‌پایه‌ی‌کارشناسی(ریال)	نشانی
۱	۴۳	۱۹۰/۲۷	مسکونی	۴۶،۶۱۶،۱۵۰،۰۰۰	گلدشت غربی - املاک موسوم به ترمینال حافظی
۲	۴۴	۱۸۹/۹۵۵	مسکونی	۴۶،۵۳۷،۷۵۰،۰۰۰	گلدشت غربی - املاک موسوم به ترمینال حافظی
۳	۵۱	۱۸۹/۹۵	مسکونی	۴۷،۴۸۷،۵۰۰،۰۰۰	گلدشت غربی - املاک موسوم به ترمینال حافظی
۴	۵۲	۱۹۰/۱۰	مسکونی	۴۷،۵۲۵،۰۰۰،۰۰۰	گلدشت غربی - املاک موسوم به ترمینال حافظی
۵	۱۰۷	۱۸۴/۶۵	تجاری	۶۴،۶۲۷،۵۰۰،۰۰۰	کوی امام رضا

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

زمان انتشار در سایت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰ — مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ — مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ — زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

ضمانت نامه شرکت در مزایده و آدرس و اطلاعات تماس شهرداری

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: شرکت کنندگان در مزایده فوق می بایست ضمانتنامه بانکی، معادل ۵ درصد قیمت پایه را تهیه و یا همین مبلغ را به عنوان سپرده به حساب شماره ۱۰۰۱۰۰۱۷۱۴۵۰۳ بانک شهر شعبه خرم آباد واریز و رسید آن در پاکت الف قرار داده، تحویل دبیرخانه شهرداری مرکزی گردد.
اطلاعات تماس و آدرس شهرداری : به اداره‌ی املاک شهرداری مرکزی واقع در: خرم‌آباد - خیابان ۱۷ شهریور مراجعه یا با شماره تلفن ۳۳۳۱۰۹۴۵-۰۶۶

شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده شهرداری

۱-برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند شامل خرید و دریافت اسناد (درصورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.
۲-کلیه اطلاعات موارد اجاره شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره در برد اعلان عمومی سامانه ستاد، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد.
۳-علاقه مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره (مرکز پشتیبانی و راهبری) ۴۱۹۳۴-۰۲۱ تماس حاصل نمایند
۴- برندگان اول، دوم و سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
۵- شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار می باشد.
۶- هزینه چاپ دو نوبت آگهی و سامانه ستاد بر عهده برنده مزایده می باشد.

۵۰۵

چالش مدیریت تیم‌های کاری؛ مهارت‌های مخصوص مدیران

نویسنده: علی آل‌علی

مدیریت کسب و کار همیشه در پشت میزنشینی خلاصه نمی‌شود. چه‌بسا شما به عنوان یک مدیر حتی بیشتر از کارمندان عادی هم سرکار باشید. آن وقت نه‌تنها صدای اعضای خانواده بلند می‌شود، بلکه کم کم دوستان‌تان را هم از دست خواهید داد. بی‌شک حتی مدیریت بزرگترین برندهای دنیا هم وقتی نشانی از تفریح یا استراحت نباشد، جذابیتش را از دست می‌دهد. به همین خاطر خیلی از کارآفرینان اصلا میانه خوبی با پست‌های مدیریتی ندارند. انگار که مدیریت تیم‌های کاری، حتی دو نفره، بزرگترین عذاب دنیا محسوب می‌شود.

ما در روزنامه فرصت امروز معتقدیم مدیریت تیم‌های کاری اصلا ترسناک یا بی‌نهایت وقتگیر نیست. اگر بعضی‌ها برای مدیریت تیم‌های شرکت کلی از وقت‌شان می‌زنند، فقط و فقط یک دلیل دارد و آن چیزی نیست جز فقدان مهارت‌های لازم. همانطور که یک ناخدای کشتی اگر مهارت‌های لازم برای مسیریابی و مدیریت خدمه در توفان‌ها را نداشته باشد بعید است حتی یک نفر هم سالم به مقصد برسد، مدیران هم در صورت بی‌توجهی به مهارت‌های لازم برای ساماندهی تیم‌های کاری کلاه‌شان پس معرکه خواهد بود.

از آنجایی که این روزها همه کارها به صورت تیمی انجام می‌شود و دیگر خبری از نمایش‌های یک نفره نیست، ما در این مقاله قصد داریم بعضی از مهمترین مهارت‌ها برای مدیریت تیم‌های کاری را زیر ذره بین ببریم. اگر شما هم دوست دارید برای همیشه از شر کابوس مدیریت تیم‌های کاری خلاص شوید، این مقاله دقیقا همان چیزی است که لازم دارید. در ادامه بعضی از مهمترین نکات در این راستا را به اتفاق هم بررسی خواهیم کرد.

ارتباطات موثر با دیگران: پلی به سوی مدیریت تیم

آیا تا حالا مسابقه والیبالی را دیده‌اید که در آن بازیکنان با هم حرف نزنند؟ قبول دارم این ورزش اصولا به توانایی‌های فیزیکی افراد بستگی دارد، اما وقتی بازیکنان یک تیم به طور مداوم با هم حرف می‌زنند عملکرد تیمی‌شان بهتر خواهد شد. چه بسا اجرای خیلی از تاکتیک‌ها نیازمند تبادل نظر و آگاهی دقیق اعضای یک تیم والیبال باشد. اگر بخواهیم دنیای کسب و کار را به زمین والیبال تشبیه کنیم، باید گفت اعضای یک تیم همیشه به ارتباطات موثر نیاز دارند. شاید فکر کنید چنین توصیه‌ای فقط در فراهم‌سازی ابزارهای ارتباطی مثل تلفن یا اینترنت خلاصه می‌شود، اما راستش را بخواهید پای خودتان هم اینجا گیر است. هرچه باشد شما هم یکی از اعضای تیم کاری محسوب می‌شوید!

اجازه دهید به جای اینکه کلی درباره اهمیت ارتباطات حرف‌های کلیشه‌ای بزنیم، نگاهی دقیق‌تر به وظایف یک مدیر داشته باشیم. وقتی مسئولیت یک تیم کاری با شماست، در واقع باید آنها را براساس اهدافی که خود یا مدیران ارشد طراحی کرده‌اند، هدایت کنید. یک ایده دم دستی در این میان شناخت درست استراتژی و سپس اجرای بی‌عیب‌شان است. البته این وسط یک حلقه گمشده هم وجود دارد. این حلقه گمشده ارتباط میان شما و اعضای تیم است. خب انتظار ندارید که کارمندان همینطور بدون مقدمه ایده‌های شما را قبول کنند؟

مهارت‌های ارتباطی به شما اجازه هماهنگی کامل با کارمندان را می‌دهد. هرچه باشد وقتی اعضای یک تیم دلیل تصمیمات شما را دقیقا بدانند، انگیزه بسیار بیشتری برای هماهنگی با شما خواهند داشت. احتمالا شما هم بارها و بارها با مخالفت‌های گسترده کارمندان در زمینه اجرای سیاست‌های مختلف رو به رو شده‌اید. در این صورت تقویت مهارت‌های ارتباطی یکبار برای همیشه دردسرهای‌تان را تمام خواهد کرد.

هوش عاطفی بالا: به وقت درک کارمندان

آیا تا حالا پیش خودتان فکر کرده‌اید چرا فوتبالیست‌های مشهور معمولا مربی‌های خوبی هم می‌شوند؟ قبول دارم این سوال ربط زیادی به موضوع مقاله‌مان ندارد، اما اینجا یک عنصر مشترک خودنمایی می‌کند. بازیکنان کارکشته معمولا درک درستی از احساسات و شرایط هم‌تیمی‌های‌شان دارند. دقیقا به همین خاطر وقتی مربی تیمی شوند خیلی خوب با آنها تعامل داشته و شرایط‌شان را درک خواهند کرد. این نکته درباره مدیران نیز مصداق دارد. پس اگر شما دوست دارید یک تیم کارآمد و درجه یک داشته باشید، باید اول از همه اعضای آن را به خوبی درک کنید. اینطوری پلی به سوی موفقیت و تاثیرگذاری بر روی مخاطب‌تان ترسیم خواهید کرد. گاهی اوقات مدیران لازم است خودشان را جای کارمندان تیم قرار دهند. اینکه هیچ‌کس ایده‌ای درباره وضعیت تیم‌های کاری نداشته باشد و از بالا بعضی از استراتژی‌ها را اجرا کند، یکی از بدترین کابوس‌های دنیا محسوب می‌شود. این طوری شما نه تنها شانسی برای اثرگذاری بر روی کارمندان پیدا نمی‌کنید، بلکه هیچ پروژه‌ای هم سر وقت تحویل نخواهید داد.

ما قبلا در روزنامه فرصت امروز حسابی درباره هوش عاطفی با هم گپ زده‌ایم. بد نیست حالا که به فکر مدیریت تیم‌های کاری هستید، دوباره نگاهی به آن مقاله داشته باشید. اینطوری هم توانایی مدیریت احساسات خودتان را تقویت می‌کنید، هم اینکه با کوچک‌ترین نارضایتی در میان کارمندان از کوره در نخواهید رفت. یادتان باشد مدیران بیشتر از اینکه برای کارمندان تعیین و تکلیف کنند، باید وضعیت آنها را درک نمایند. فقط در این صورت شما توانایی همراه کردن دیگران با خود را خواهید داشت؛ به همین سادگی.

سازماندهی تیم: هر کس در جای درست خودش!

هر کسی که در عمرش یکبار هم که شده بازی‌های استراتژی انجام داده باشد، خیلی خوب می‌داند هر حرکت حکم مرگ و زندگی دارد. به علاوه، چینش مهره‌ها در چنین بازی‌هایی هم بی‌نهایت مهم است. با این حساب اگر شما همین طور الکی کارتان را شروع کنید، خیلی زود اوضاع‌تان به هم خواهد ریخت. ما در روزنامه فرصت امروز یکی از نشانه‌های مدیران موفق را توانایی‌شان برای قرار دادن هر کدام از اعضای تیم در جای درست‌شان می‌دانیم. اینطوری شما می‌توانید بدون مشکل خاصی همه کارها را پیش ببرید.

خیلی از کارآفرینان فکر می‌کنند همین که اعضای تیم را به طور تصادفی سر پست‌های مختلف قرار دهند، کارشان دیگر تمام شده است. شما را نمی‌دانم، ولی به نظر من که چینش تصادفی اعضای تیم مثل آن است که سرمربی یک تیم محلی همینطور سرسری ترکیبش برای مقابله با بایرن مونیخ را انتخاب کند. بی‌شک در این شرایط سرمربی قصه ما در پایان بازی با حکم اخراجش رو به رو خواهد شد.

بعد از اینکه شما جایگاه هر کدام از اعضای تیم را براساس مهارت‌ها و استعدادهایی که دارند مشخص کردید، نوبت به تعیین بازه زمانی برای انجام کارها می‌رسد. یادتان باشد بدون مدیریت زمان هیچ کارآفرینی به سر منزل مقصود نمی‌رسد. پس اگر فکر کرده‌اید همه پروژه‌ها همینطور خود به خود سر وقت انجام می‌شود، خیلی خوش‌خیال هستید.

توصیه ما در روزنامه فرصت امروز تعیین زمان در دسترس هر کدام از اعضای شرکت برای انجام کارهای‌شان از همان اولین قدم‌هاست. اینطوری دیگر حرف و حدیث‌های بی‌پایان درباره کارها پیش نمی‌آید. یادتان باشد در این بین اگر به حرف‌های کارمندان و ایده‌های‌شان هم گوش دهید، اصلا ضرر نخواهید کرد.

استقبال از تغییرات: خداحافظی با ثبات

مدیران موفق هیچ وقت روی استراتژی یا شیوه‌های مدیریتی ثابتی حساب باز نمی‌کنند. شما حتی اگر همین امروز بهترین ایده دنیا برای مدیریت کسب و کار را هم داشته باشید، به مرور زمان در بازار نیاز به اصلاح و ترمیم استراتژی‌تان پیدا خواهید کرد. خب اگر ثبات عنصر مهمی در دنیای کسب و کار بود، سالانه این همه کمپانی خودروسازی سری جدید اتومبیل‌های خود را روانه بازار نمی‌کردند.

باور کنید یا نه، گاهی اوقات این شما هستید که باید از کارمندان‌تان نکات تازه را یاد بگیرید. هرچه باشد آنها مستقیما با مشتریان در ارتباط بوده و همیشه پر از انگیزه برای نوآوری در کارهای‌شان هستند. پس اگر تا حالا مدیر سختگیر و یک‌دنده‌ای بوده‌اید، حالا دیگر نوبت تغییر روند کاری‌تان فرا رسیده است. این طوری می‌توانید بدون اینکه خودتان را به آب و آتش بزنید، در مدت زمانی کوتاه بهترین نتیجه را از کار تیمی بگیرید.

یکی از بهترین مثال‌ها درباره استقبال از تغییرات مربوط به قوانین سختگیرانه دفترهای کاری است. گاهی اوقات تیم‌های کاری برای مدیریت بهتر اوضاع به زمان کار انعطاف‌پذیر نیاز دارند. اینطوری نه تنها خبری از خستگی مفرط نخواهد بود، بلکه انگیزه اعضا برای کار بیشتر نیز افزایش پیدا خواهد کرد. حالا اگر در این میان پای یک مدیر سختگیر وسط باشد، احتمالا حسابی روی ساعت‌های معمولی کار پافشاری خواهد کرد. چنین پافشاری بی‌منطقی نه تنها هیچ سودی به همراه ندارد، بلکه به مرور زمان ریزش کارمندان را در پی خواهد داشت. این طوری شما دیگر یک لحظه هم نمی‌توانید اوضاع را مدیریت کنید. یک ایده هوشمندانه در چنین شرایطی گوش دادن به کارمندان شرکت و استفاده از پیشنهادات‌شان برای مدیریت بهتر شرایط است. اینطوری شما بدون اینکه دست به سیاه و سفید بزنید، تیم‌تان را به سوی موفقیت مدیریت کرده‌اید. خب مگر یک کارآفرین به غیر از مدیریت بی‌دردسر تیمش چه خواسته دیگری می‌تواند داشته باشد؟

روحیه دادن به اعضای تیم: از مدیریت تا رهبری تجاری!

معمولا در مصاحبه‌های استخدامی یک سوال کلیشه‌ای همیشه تکرار می‌شود. اینکه «خودتان را پنج سال دیگر کجا می‌بینید؟» معمولا سوالی است که خیلی‌ها جواب سر بالا به آن می‌دهند. با این حال معنای آن اصلا این نیست که کارمندان دوست دارند همیشه در موقعیت سازمانی فعلی‌شان باشند. هر کسی در این دنیا دوست دارد دیر یا زود پست بهتری در شرکت داشته باشد و چه بسا وارد تیم مدیریتی هم شود. اگر شما هم در میان کارمندان تیم‌تان کسانی را دارید که همیشه مشغول یادگیری مهارت‌های تازه هستند و با جان و دل کار می‌کنند، باید نیم نگاهی به پیشنهاد موقعیت‌های کاری بهتر به آنها داشته باشید. این طوری خیال‌تان بابت آینده شرکت راحت خواهد بود.

فرض کنید شما به عنوان سرپرست بخش روابط عمومی شرکت سونی به یک کنفرانس جدید درباره نقش فناوری‌های جدید در پاسخگویی سریع به شکایات مشتریان دعوت شده‌اید. معمولا در چنین کنفرانس‌های تخصصی فقط اعضای تیم مدیریتی شرکت‌ها حضور پیدا می‌کنند. با این حال اگر شما کارمند مشتاقی دارید که احتمالا چنین محتوایی به دردش می‌خورد، باید شانس حضور در مراسم را به او نیز بدهید. شاید این کار خیلی عجیب به نظر برسد، اما تاثیر بی‌نهایت مناسبی روی روحیه کارمندان دارد. پس منتظر چه هستید؟ همین حالا دست به کار شده و اعضای تیم را به کنفرانس‌ها یا جلسات مهمی که به دردشان می‌خورد، دعوت کنید.

یادتان باشد همکاری در قالب یک تیم بدون روحیه مناسب راه به جایی نخواهد برد. به همین خاطر شما باید همیشه کنار تیم‌تان باشید. کافی است خودتان را جای کارمندان گذاشته تا اهمیت روانی حضور مدیران در کنار خود را درک کنید. اینطوری حتی اگر سوال یا چالشی هم از راه برسد، شما همیشه برای حل و فصل سریعش حضور خواهید داشت.

فراهم‌سازی دفتر کار مناسب: انرژی مثبت و دیگر هیچ

بعضی از محیط‌های کار به طور ناخودآگاه احساس خوبی به آدم می‌دهد. شما را نمی‌دانم، ولی من اینطور جاها انگیزه بیشتری برای کار و تلاش بی‌وقفه دارم. متاسفانه خیلی از کارآفرینان همیشه خود را در اتاق‌های کوچک کاری زندانی می‌کنند. اگر فکر کرده‌اید کارمندان هم چنین روحیه‌ای دارند، باید بگوییم سخت دراشتباهید. این روزها یکی از معیارهای مهم برای انتخاب محل کار از سوی کارمندان حرفه‌ای جو یا به زبان خودمانی محیط کار است. اینکه اعضا رابطه خوبی با هم داشته باشند و گاهی اوقات با شوخی‌های مناسب حال و هوای همدیگر را عوض کنند، امتیاز بی‌نهایت مثبتی برای یک محل کار محسوب می‌شود.

ما در روزنامه فرصت امروز معتقدیم نیمی از وظیفه شما به عنوان مدیر یک تیم کنار هم قرار دادن آدم‌های درست است. بخش بعدی کار به انتخاب یک دفتر مناسب برای فعالیت بی‌دغدغه کارمندان خواهد بود. اینطوری کارمندان بدون هیچ استرسی تخته گاز به سمت انجام وظایف‌شان خواهند رفت.

اگر شما تا حالا دفتر کار انتخاب نکرده‌اید، باید دو تا عنصر مهم را پس ذهن‌تان داشته باشید. اول از همه نورگیری دفتر کار است. قبول دارم کارآفرینان الزاما معمارهای خوبی نیستند، اما قرار هم نیست شما بدترین ساختمان دنیا را به عنوان دفتر کار انتخاب کنید. قبل از اینکه با عجله یک دفتر را اجاره کنید، کمی هم به فکر وضعیت آن دفتر در روزهای آفتابی باشید. اگر در یک روز آفتابی هیچ نوری در داخل شرکت دیده نشود، ناخودآگاه همه اعضای تیم روحیه‌شان خراب می‌شود.

در قدم بعدی شما باید دکور مناسبی برای دفترتان انتخاب کنید. استفاده از انواع گیاهان به عنوان بخش تزئین دفتر و همچنین رنگ‌آمیزی دیوارها با تم روشن و شاد ایده‌های اساسی خواهد بود. اینطوری شما از همان اول کار سلیقه‌تان را به اعضای تیم نشان می‌دهید. هرچه باشد شما و اعضای تیم‌تان باید ساعت‌ها در این دفترها نشسته و عمرتان را سر کنید. پس چه بهتر دفتر کار از همه جهت مناسب و روحیه‌بخش باشد.

منابع:

https://teambuilding.com/blog/management-skills
https://www.indeed.com/career-advice/career-development/team-management-skills

مفقودی

شناسنامه (برگ سبز) و کارت خودرو سواری هاچ بک سیستم سایپا تیپ 111SE مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید – روغنی بشماره موتور ۵۱۶۶۶۹۶ به شماره شاسی NAS۴۲۱۱۰۰E۵۷۹۰۲۶۰ بشماره انتظامی ۶۹۲م ۸۱ ایران ۱۹ بنام ارغوان صبوری بشماره ملی ۳۲۴۱۵۴۰۴۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. ۱۲۵ / ج

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۸۸ رنگ خاکستری به شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۹۸۵۴۵ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۵AR۳۰۶۱۴۸ و شماره پلاک ۵۱-۶۹۸ ص ۳۱ به نام فرامرز احمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد سنندج

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود قسمتی از پلاک ۱۷۸۴ اصلی، ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن، به مساحت ۴۴/۰۷ متر مربع، واقع در بخش ده تهران مورد تقاضای ایوب باقری فرزند رحمت اله به ش. ش ۱۵۰ با کد ملی ۱۵۳۰۴۸۳۶۸۹ تاکنون بعمل نیامده در عمل به تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت مقدور نبوده است لذا عملیات تحدید حدود ملک مذکور در تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ روز یکشنبه ساعت ۱۱ صبح در محل وقوع ملک شروع و بعمل خواهد آمد. بدینوسیله باطلاع مجاورین پلاک ثبتی موصوف می رساند در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند. چنانچه اعتراضی به حدود و حقوق ارتفاقی داشته باشند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تسلیم و رسید دریافت دارند و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده اصلاح مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت مصوب ۷۳/۳/۲۵ مجلس محترم شورای اسلامی ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به دفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمائید.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ (توضیح اینکه تاریخ قید شده فقط مربوط به انتشار آگهی می باشد)

تاریخ تحدید: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

۱۴۵۰۴ م الف — سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران – محمد علی ابراهیمی

شناسه آگهی ۱۸۲۰۰۵۵

آگهی فقدان سند مالکیت

محمد امیر شعبانی برابر استشهادیه رسمی به شماره ۵۱۲۰-۱۴۰۳/۰۸/۱۹ که به تایید دفتر اسناد رسمی شماره ۷۲ سنندج رسیده مدعی هستند که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۸۱۷ فرعی از ۱۵۰۷ اصلی بخش ۱ سنندج به شماره سریال ۵۳۵۹۱۳ به نام ایشان (که هفت فقره بازداشت دارد) به دلیل جابجایی منزل مفقود گردیده و از این اداره تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۰۴ در یک نوبت منتشر تا هرکس مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت نزد خود است از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز به این اداره مراجعه و اعتراض نماید در غیر اینصورت برابر مقررات سند مالکیت المثنی صادر خواهد شد

هیوا احمدیان – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ سنندج

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۲۰۰۱۳۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اشرف جعفری فرزند میرزا حسین به ش ش ۲۶۰۰ صادره از کبودرآهنگ در یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۲۱۸۲۹/۱۸ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۹اصلی واقع در روستای کوریجان خریداری از مالک رسمی آقا علی میرزایی محرز گردیده است لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایندبدهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شدم الف ۳۸۳

رئیس ثبت اسناد و املاک کبودرآهنگ – داوود غفرانی دلاور

تاریخ انتشار اول :۱۴۰۳/۰۸/۰۷ تاریخ انتشار دوم:۱۴۰۳/۰۸/۲۲

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه ششدانگ یک واحد آپارتمان مسکونی قطعه ۵ طبقه ۵ به شماره ۲۳۰۹۹ فرعی از مفروزی ۱۹۰۰۲ فرعی از ۷۳ اصلی واقع در بخش ۳ اردبیل به شماره چاپی ۲۴۹۹۷۱ سری الف ۹۸ برابر صورتجلسه تفکیکی ۱۰۰۱۷۳۸۵ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۳ به نام حسن فداکار سند ثبت و صادر گردیده بود وبعدا اصل سند تک برگی به علت جابجایی در دست مالک متن مفقود شده است لذا مالک برای این پلاک برابر درخواست وارده به شماره ۱۰۲۹۷۳۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است لذا مراتب طبق بخشنامه شماره ۱۴۰۳۸۰۰۰۳۱۴۴۰۰۰۲۳۸ تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ به دفاتر اسناد رسمی سراسر کشور ابلاغ سپس در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت موضوع یک بار در روزنامه آگی گردیده که هر کس ادعایی به وجود سند مالکیت یا سند معامله به نام خود داشته باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار این آگهی دلایل قانونی و یا اصل سند مالکیت را با اخذ رسید تسلیم این اداره نمایند بدیهی است پس از انقضای مدت مقرره پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت المثنی به نام حسن فداکار سند صادر و تسلیم خواهد شد و سند اولیه از درجه اعتبار ساقط خواهد شد در اجرای استاندارد سازی نسبت به پلاک فوق شماره بایگانی ۲۳۰۹۹ فرعی از ۷۳ اصلی واقع در بخش ۳ اردبیل منظور شده است .

تاریخ انتشار : ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

حوزه ثبت ملک منطقه یک اردبیل

۴۹۶

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۱۳۱۸ – ۱۴۰۳/۳/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هادی هدایتی فرزند عسگرعلی بشماره شناسنامه ۵۳۹۰۰۴۱۸۲۸ صادره از طارم به شماره ملی ۵۳۹۰۰۴۱۸۲۸ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۸۸ متر مربع از مالکیت رسمی خیبر جمشیدی واقع در بخش هشت زنجان شهرستان طارم شهر آبیر از پلاک ۱۴۶ – اصلی را نموده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند در شهرها از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق آگهی در روستا به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

شناسه آگهی ۱۸۱۴۹۳۶

سیدرضا شفیعی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان طارم

۳۸۵

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء شماره‌های ۱۴۰۳۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۱۷۷۸ و ۱۴۰۳۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۱۷۷۹ – ۱۴۰۳/۴/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین قلی پور فرزند محسن به شماره شناسنامه ۶۳۹ صادره از طارم به شماره ملی ۵۳۹۹۶۹۳۷۵۵ در ششدانگ دو قطعه زمین زراعی به مساحت‌های ۱۴۰۰/۹۳ مترمربع و ۵۷۰۳/۲۱ مترمربع از مالکیت رسمی محسن قلی پور واقع در بخش هشت زنجان شهرستان طارم قریه قلات از پلاک ۴۴ اصلی را نموده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند در شهرها از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق آگهی در روستا به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

سیدرضا شفیعی – رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان طارم

شناسه آگهی : ۱۸۲۵۴۸۰

۵۰۴

نگاهی آسیب شناسانه به سیاست اجرایی واردات خودرو

غلامعلی رموی

از سال ۱۳۹۷ به دلیل محدودیت‌های ارزی که وجود داشت، واردات خودرو از سوی شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا ممنوع شد و تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ همچنان ادامه داشت. اما با تصویب قانون ساماندهی صنعت خودرو این ممنوعیت پایان پذیرفت. در خرداد ماه ۱۴۰۱ بود که قانون ساماندهی صنعت خودرو به وسیله رئیس مجلس به رئیس جمهور ابلاغ شد و رئیس جمهور این پیام را به وزیر صمت رساند.

با گذشت بیش از چهارماه از ابلاغ این قانون فرایند واردات خودرو چنان به پیچیدگی و سختی دچار شده است که تقریبا امید ها را به اجرایی شدن یا حداقل اثر بخشی آن بسیار کم رنگ نموده است.

هرروز یک موضوع و داستان در خصوص فرایندهای اجرایی کار شنیده می شود مشکلات ناشی ازچگونگی تخصیص ارز، صلاحیت وارد کنندگان نوع و حجم موتور وارداتی، کشورهای واجد شرایط واردات و سایر داستانها که هریک به برای خود ماجرایی دارد. حال سئوال اینجاست آیا برای یک موضوعی که علی الظاهر همگان برآن اتفاق نظر دارند باید اینگونه تعلل و تاخیر وجود داشته باشد؟ چرا در اتخاذ راهکارهای اجرایی برای تصمیمات مهم این همه اتلاف زمان و انرژی از سیستم و کشور گرفته می شود؟ ایا دستگاه نظارتی نباید در فرایند ارزیابی سیستم های اجرای ورود کنند و خسارات و هزینه های ناشی از عدم اجرای مناسب و به موقع قوانین را بررسی کنند؟آیا دستگاههای متولی توجه دارند که با این فرصت سوزی ها چه هزینه هایی بر جامعه و کشور تحمیل می شود؟

تصویب قانون واردات خودرو بعنوان طرحی که می توانست این نوید را به جامعه تزریق کند که امکانی برای ساماندهی بازار غم انگیز این صنعت پس از سالها ایجاد شده است و یک شاخص افزایش تورم احتمالا حل گردید است،اکنون گرفتار موش و گربه بازی دستگاههای اجرایی شده است و این نکته را به ذهن متبادر می کند که ممکن است این جریان هم گرفتار مافیایی شده است.

با توجه به شرایط جاری کشور در حال حاضر مهمترین کار دستگاههای اجرایی برای اقتصاد کشور می تواند تزریق امید و آرامش باشد و این دو فاکتور مهم تنها از طریق افزایش رضایتمندی جامعه و گسترش اعتماد به سیاستهای دولت امکان پذیر است ولی روندهای لاک پشتی برخی امور و ایجاد محدودیتها مختلف در فرایند کارها متاسفانه موجب خدشه وارد شدن به این موضوعات شده است.

مگر نه این است که یکی از مهمترین اهداف و وظایف دستگاههای اجرایی کشور تسهیل اجرای امور و رفع مشکلات جامعه برای گسترش رضایتمندی و توسعه عدالت اجتماعی است پس چرا باید در موارد مختلف تصمیمات اجرایی بااینهمه اتلاف زمان ونا هماهنگی همراه باشد؟ شاید بتوان گفت این موضوع نکته مهمی است که تفاوتهای مدیریتهای اجرای کشورما با کشورهای توسعه یافته را نشان می دهد. متاسفانه در کشور ما تعدد و تکثر دستگاههای اجرایی، بسیاری از ساختار کشور را به بایگانی بزرگی تبدیل نموده است که امکان استخراج یک تصمیم یا یک عملیاتی شدن یک برنامه با سختی همراه است. دستگاههای متعدد و متناظر مختلف در موضوعات که هریک خودرا همه کاره در موقع تقسیم سهم و هیچ کاره در موقع اجرای امور می دانند، عدم همکاری و هم افزایی و از همه مهمتر وجود تفکرات جزیره ای در بین این دستگاهها همواره موجب شده است یک تصمیم خوب گرفته نشود و یا اینکه این تصمیم خوب به شکل درستی اجرایی درست نگردد. برای تبیین بهتر موضوع یک مثال مقایسه ای میان سیاستهای اجرایی یک دستگاه در کشور سوئد بیان می شود.

طی مطالعه گزارش جلسه یکی از بزرگترین بیمارستانهای این کشوردر خصوص راهکارهای افزایش رضایت بیماران و همراهان آنها هنگام مراجعه، نکته بسیار مهمی توجه من را به خود جلب نمود و آن اینکه در این جلسه تمام بخشهای بیمارستان تمرکز جدی بر این اصل داشتند که چگونه ممکن است یک مراجعه کننده در بخش آنها دچار وقفه در دریافت خدمت شود لذا آنها با شبیه سازی عینی یک فرایند هریک راساً مشکل یا اشکالات خود را احصا می نمودند و در خصوص آن نیز از همدیگر مشورت می گرفتند در این فرایند هیچ بخشی دیگری را محکوم و منکوب نکرد و نیازی به این موضوع نبود که دستگاه یا بخش دیگر آن حوزه را تخریب یا زیر سئوال ببرد. آنها به این امر واقف بودند که هرگونه کاستی در فرایند رسیدگی به بیمار یک آسیب برای همه بیمارستان محسوب می شود لذا بشتر تمرکز وحجم نقدها و مشکلات مطرح شده متمرکز به ضعف همان قسمت بود مثلاً سیستم هتل بیمارستان کاملاً اشکلات خود را برای پذیرش همراه بیمار در مدت بستری بیان می نمود و نیازی به این نبود که پذیرش تقصیرات را به گردن آنها بیندازد در پایان جلسه با توجه به نکات مطرح شده و پیشنهادهای ارائه شده تصمیم گیری انجام می شد. نکته جالب تر برخلاف جلساتی از این دست در کشور ما، کمترین اشکال مطرح شده مربوط به عدم تخصیص بودجه و اعتبار و کمی پرسنل بود چرا که آنها خود را موظف می دانستند با توجه به شرایط موجود امور خود را بهبود بخشند نکته جالب توجه این بود که از فردای جلسه عملاً بخشهای مهمی از تصمیمات که مربوط به هر حوزه بوداجرایی شده بود.اگرچه این مثال ارتباط مستقیمی با بحث مطرح شده ممکن است نداشته باشد ولی نکات متعددی را می توان از این جلسه استنباط نمود اول اینکه آنها خود را یک پیکره می دیدند نه یک مجموعه مجزا که نیاز باشد با تخریب دیگران خود را مبرا کنند. دوم اینکه آنها موفقیت خود را در شکست دیگران نمی دیدند تا بخواهند همدیگر را به چالش بکشند سوم اینکه با طرح موضوعات جنبی آنها در صدد توجیه ناکارآمدی آیا همه دست نبودند بلکه با به چالش کشیدن خود عملاً خود را به سمت تعالی و بهبود فرایندها سوق می دادند حال سئوال این است که آیااندرکاران و متولیان واردات خودرو خود را بسان یک پیکره واحد برای حل معضل جامعه می بینند؟آیا آنها به این موضوع توجه دارند که انجام کارها نه برای رفع تکلیف بلکه برای انجام وظیفه است ؟ آیا به این موضوع فکر می کنیم که ضرورت وجودی ما و دلیل اشتغال و فعالیت ما رفع نیاز سیستم و حل مشکلات مردم است؟ ایا به این فرهنگ متعالی رسیده ایم که هر سیستم خودش باید مهمترین و اصلی ترین منتقد خود باشد تا امور به سامان برسد؟ تا زمانی که این بینش و نگاه متعالی در بین مدیران و کارشناسان ما نهادینه نشود هزاران طرح و سیاست تکریم ارباب رجوع، حمایت از حقوق مصرف کننده، و سایر واژه هایی از این دست فقط در حد شعار باقی خواهد ماند و خروجی ما از این همه هزینه و دستگاههای عریض و طویل همین خواهد بود.

شناسه آگهی : ۱۸۲۴۶۴۷

آگهی ابلاغ رأی

وزارت نفت

آقای سجاد غفارپور سروری- بشماره کارمندی ۵۷۳۹۹۵ –فرزند حیدر

پرونده نامبرده بالا به اتهام غیبت غیرموجه متوالی در این هیات مطرح و به مجازات انفصال موقت به مدت ۶ ماه محکوم گردیده است . لذا به علت عدم دسترسی به مشارالیه و ابلاغ رأی به شخص غیرمخاطب، در راستای استحکام و استواری رأی صادره و به تجویز تبصره ماده ۳۰۲ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار منتشر می شود تا نامبرده ظرف مدت یکماه از تاریخ نشر آگهی چنانچه اعتراضی دارند در یکی از روزهای اداری به محل امور اداری ذیربط یا این هیات واقع در تهران ، خیابان ملاصدرا، خیابان شیخ بهائی شمالی، ضلع جنوب غربی میدان شیخ بهائی، پلاک ۱۴۴، طبقه چهارم شرقی ، هیات پنجم بدوی مراجعه نمایند .

هیات پنجم بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان وزارت نفت

شناسه آگهی : ۱۸۲۴۶۱۲

آگهی مزایده سراسری املاک و مستغلات شماره ۱۱۵۸

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی

سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در نظر دارد تعدادی از املاک تحت اختیار خود را از طریق مزایده سراسری شماره ۱۱۵۸ با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت : ساعت ۸ روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۳ آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت : ساعت ۲۴روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۹/۳

زمان رمزگشایی پیشنهادات : ساعت ۱۴ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۳/۹/۴

ضمنا رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:

۱-برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه ی مراحل فرایند مزایده شامل پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و رمزگشایی پیشنهادات در بستر سامانه ی مذکور انجام می پذیرد.

۲-متقاضیان شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با شماره ۱۴۵۶ مرکز راهبری و پشتیبانی تماس حاصل نمایند و یا به آدرس اینترنتی به نشان setadiran.ir برای دریافت فهرست مراکز صدور گواهی الکترونیکی مراجعه نمایند.

۳- خریداران محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی سازمان به نشانی WWW.TAMLIK.IR مراجعه و برای بازدید از املاک مطرح در مزایده استان تهران با شماره تلفن ۴۴۹۰۷۶۰۲ و ۴۴۹۰۳۳۷۲ و شماره ۲۷۶۵۲۲۹۵ ستاد مرکزی هماهنگی لازم بعمل آورند.

۴-شرکت کارمندان دولت در مزایده منع قانونی دارد.

۵- متقاضیان محترم جهت اخذ اطلاعات و آگاهی از شرایط و نحوه‌ی انعقاد قرارداد به نمایند گی های سازمان مراجعه و از املاک مطرح در مزایده بازدید بعمل آورند.

۶-املاکی که دارای شریک مشاعی بوده و همچنین املاکی که فاقد سند مالکیت ثبتی می‌باشندتخلیه بر عهده خریدار است و از طریق تنظیم صلح نامه واگذار می گردد.

۷-همزمان با انعقاد قرارداد با برنده مزایده، در املاکی که فاقد مفاصاحساب شهرداری و اداره امور مالیاتی باشد به برنده وکالت داده می-شود تا ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ عقد، ضمن مراجعه به مبادی ذیربط اقدامات لازم جهت اخذ مفاصا حساب‌ها و استعلامات مربوطه به عمل آورد. در صورت عدم اقدام در موعد مقرر سازمان مسئولیتی در قبال پرداخت بدهی‌ها و خسارات احتمالی نخواهد داشت . هرگاه که مبلغ لازم جهت تسویه مفاصاحساب ماخوذه بیش از مبلغ قرارداد فیمابین باشد سازمان حق فسخ قرارداد را برای خود محفوظ می‌دارد.

۸-قیمت پیشنهادی متقاضیان املاک مطرح در مزایده میبایست بالاتر از قیمت پایه کارشناسی باشد.

۹-حضورمتقاضیان محترم در جلسه رمزگشایی پیشنهادات بلامانع است .

۱۰-شرایط تخلیه املاک دارای سند مالکیت بنام سازمان در ستون توضیحات هر یک از املاک درج شده است.

۱۱-کارمزد ۵ ٪ سازمان از مبلغ پیشنهادی، مشمول ۱۰٪ مالیات بر ارزش افزوده بوده که در هنگام تنظیم قرارداد از خریدار نقداً اخذ می گردد

م الف ۲۸۶۹

شناسه آگهی :۱۸۲۵۱۸۱ نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir می باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۰۳/۱۵۵ مربوط به انجام خدمات تعمیرات برق شهرک نفت

الف- شرح مختصر خدمات

۱- خدمات برقکاری،بنائی،کارگر فنی،جوشکاری ، عیب یابی کابل ،دفتری،شست کنتور، دکل های روشنایی ورزشگاه وسایر خدمات مربوط به تعمیرات برق با ۳۷ واحد کاری ۲- تهیه لوازم و مواد مصرفی موردنیاز به عهده و هزینه پیمانکار می باشد. ۳- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج می گردد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار

محل اجرای خدمات در اهواز و مدت انجام آن ۱۲ماه می باشد.

ج- برآورد کارفرما

برآورد کارفرما جهت انجام خدمات / بدون درصد سهم و هزینه مدیریت معادل -/۲۲۳،۲۳۰،۲۶۲،۳۷۹ ریال می باشد

د-شرایط مناقصه گران متقاضی

- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه

- مناقصه گران دارای رشته خدمات گرایش تعمیرو نگهداری از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و -گواهینامه تعیین صلاحیت (حداقل رتبه کلی شرکت ۶ و فعالیت احراز شده در رشته تعمیر و نگهداری ساختمان) ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون،کار و رفاه اجتماعی در هنگام عقد قرارداد از سوی مناقصه گر برنده، الزامی می باشد.-ارائه یک نسخه تأیید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده سال ۱۴۰۱ یا ۱۴۰۲ که توسط شرکتهای مندرج در سامانه پردیس انجام شده باشد. الزامیست صورتهای مالی مذکور بایستی حاوی گزارش و ممهور به مهر و امضاء حسابرس باشد، و در سامانه پردیس ثبت و قابل رویت باشد و در صورت عدم ارائه به منزله حذف از مناقصه خواهد بود.-ارائه مدارکی دال بر دارا بودن خط مشی ایمنی HSE -کلیه مدارک و مستندات بارگذاری شده در سامانه ستاد توسط مناقصه گران، می بایست در دفترخانه اسناد رسمی برابر با اصل شده باشند.- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،اولویت با شرکت های بومی استانی می باشد.- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۱،۱۶۱،۵۱۳،۱۱۹ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:

الف- ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکر به شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران -اهواز کد ۰ حساب -بنام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

ب- ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده ویس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.

-(۱۰٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات می باشد. مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند. توجه: ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل پذیرش نمی باشد.

هـ-محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه گران

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی ساده) بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.

۱- مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۶ لغایت ساعت ۱۶:۰۰ تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

۲- مبلغ خرید اسناد و شماره حساب واریز مبلغ ۱،۴۲۸،۰۰۰ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadiran.ir

محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها

متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۴:۳۰روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۱ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۸:۰۰- روزدوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۶ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۴:۳۰روز چهارشنبه مورخ۱۴۰۳/۰۹/۲۱اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.

همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.

WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

امور حقوقی و قراردادها– شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

معاون فرهنگی و رسانه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان:

ایجاد جامعه کتابخوان و کتابی هدف دستگاه‌های فرهنگی است

اهواز – شـــبنم قجاوند: معاون فرهنگی و رســانه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان گفت:هدف دستگاه‌های فرهنگی ایجاد جامعه‌ای کتابی و کتابخوان به خصوص برای کودک و نوجوان است. مهرانگیز بحیرایی در نشست ستاد سی و دومین دوره هفته کتاب خوزستان در اهواز، اظهار کرد: ماهیت و اســاس کار دستگاه‌های فرهنگــی که امروز دور هم جمع شــده‌ایم بر اســاس کتاب و برای کتاب اســت. بحیرایی با بیان اینکه بیشتر برنامه‌های این اداره کل کتاب محور است، بیان کرد: هفته کتاب فرصتی ایجاد می‌کند تا ویژه‌تر به کتاب بپردازیم و برای ترویج کتاب در بیــن کودکان و نوجوانان تلاش و همتی مضاعف انجام دهیم. وی افزود: در این راســتا نیاز به مشــارکت و تعامل با دستگاه‌های فرهنگی داریم تا بتوانیم با تعریف و اجرای برنامه‌های کارشناسی شده جریانی ایجاد کنیم تا به جامعه‌ای کتابخوان بهخصوص در بین کــودکان ونوجوانان برســیم. وی با اشــاره به برنامه‌های شــاخص این اداره کل در هفته کتاب، عنوان کــرد: در اولین روز هفته کتاب زنــگ دانایی در یکی از مدارس اهواز نواخته می‌شود. و تور نویسندگان کودک و نوجوان با حضور «جعفر توزنده جانی» و «سودابه فرضی پور»، اردوی تور کتاب با عنوان «من هم کتاب خریدم» با حضور دانش آموزان در فضای کتابفروشی‌های استان، تور کتابگردی بازید از کتابخانه‌های عمومی، برگزاری دومین جشنواره کتاب مدرســه ما، کوچه به کوچه با کتاب در قالب کاروان شــادی در سطح شهر با حضور هنرمندان عروسکی، طرح یک نهال یک کتاب در برخی از مدارس و برگزاری مسابقات کتابخوانی از دیگر برنامه‌هایی است که به مناســبت این هفته برگزار خواهد شد. بحیرایی رونمایــی از کتاب‌های چــاپ اول، افتتــاح و راه‌اندازی کتابخانــه مدارس در مناطق محــروم، زندان‌ها و . . . و برگزاری آئین جشــن کتاب را از دیگر برنامه‌های هنفته کتاب و کتابخوانی اعلام کــرد. در ادامه مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خوزستان گفت: چیزی که برای کودک ونوجوان مهم است محیط و فضاسازی قبل از مطالعه است زیرا قبل از خواندن کتاب توجه ویژه کودک به محیط ومقدمات مکان است، پس فضا سازی برای ترویج فرهنگ مطالعه اهمیت فراوانی دارد. داریوش آقاسی افزود: بخش خصوصی در زمینه فضاسازی کودک ورود کرده اســت ولی تا چه حد توانســته پیش برود را نمی‌دانیم. اما هشــداری است که باید مراقب آن باشیم و باید همه ســازمان‌ها و ادارات بحث بسترســازی برای جوانان را جدی بگیرند. وی با تشریح اینکه کتاب خواندن بایــد برای همه کودکان و نوجوانان تبدیل به یک علاقه شــود، اظهار کرد: در عصر حاضر آمار مراجعه و مطالعه هم در کانون پرورش فکری و نیز کتابخانه‌های عمومی کم شده و این موضوع تاسف‌آور است. القاسی بیان کرد: با جذاب کردن محیط و فضاسازی می‌توان هیجانات کودک را بــرای خواندن و مطالعه افزایش داد و همانطور که در کشــورهای عربی از جمله عراق، فضایی برای کودکان با عنوان «مدینه الحلم الطفال» شهر شرینی بچه‌ها طراحی کردند که همه آیتم‌های تربیتی به کودک آموزش داده می‌شود، ولی متاســفانه ما از این امر غافل هستیم. وی تور کتابگردی با والدین، عصر کتاب، نقد فیلم کتاب باغ کیانوش، یک روز با گلستان، جشن بادکنک‌ها، ویژه برنامه ســالروز آزادسازی سوسنگرد با اجرای واحد سیار کانون و. . . را از برنامه‌های محوری کانون برشــمرد. مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خوزستان افزود: هفته کتاب یک بهانه است برای اینکه هم افزایی شکل بگیرد تا بتوان با تبلیغات وفضا ســازی بیشتر کودکان ونوجوانان را برای خواندن ترغیب کرد. القاسی گفت: آمار جذب مخاطب در کتابخانه ها و کانون پرورشــی به حد کمی است که این وضعیت نگران کننده است به همین خاطر بایدتمامی دستگاه های دولتی تلاش خودرا را برای رفع این نیاز بکنند.

رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان آشتیان :

اجرای بیش از ۳۱ کیلومتر روکش آسفالت در محورهای آشتیان

اراک- فرناز امیدی: رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرســتان آشتیان گفت: در راســتای افزایش کیفیت رویه آسفالت و سطح جاده، عملیات اجرایی روکش آســفالت محورهای مواصلاتی حاتم آباد- جعفرآباد و راهجرد به طول بیش از ۳۰ کیلومتر و محور روســتایی امیرآباد به طول ۱.۵ کیلومتر انجام شد. صابر کربلایی حسنی با اشاره به اقدامات هفت ماه اخیر در بخش‌های مختلف اظهار داشت: طی این مدت اقدامات خوبی در راستای افزایش ایمنی جاده و کاهش تصادفات صورت گرفته که می‌توان به عملیات ترانشه برداری و اصلاح قوس در دو نقطه در محورهای شهرستان اشاره کرد. وی با اشاره به اصلاح این دو قوس افزود: با اجرای عملیات اصلاح «پیچ جنت» در محور آشتیان گرکان با حجم عملیات خاکی ۴۰ هزار مترمکعب، به طور همزمان قوس و پرتگاه این نقطه تعریض و اصلاح شد؛ همچنین سه قوس در نقاط پرتگاهی محور آشتیان-سیاوشان به طول ۵ کیلومتر با اجرای شانه سازی رفع خطر و ایمن‌سازی شد. رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان آشتیان همچنین با اشاره به اقدامات انجام شده برای نگهداری از راه‌های حوزه استحفاظی بیان کرد: به همین منظور و در راستای افزایش کیفیت رویه آسفالت و سطح جاده، عملیات اجرایی روکش آسفالت محورهای مواصلاتی حاتــم آباد- جعفرآباد و راهجرد به طول بیش از ۳۰ کیلومتر و محور روســتایی امیرآباد به طول ۱.۵ کیلومتر انجام شد. کربلایی با بیان اینکه یکی از اهداف ما به اتمام رساندن عملیات روکش‌های آسفالت پیش از شروع فصل بارش‌ها بود، اضافه کرد: با اتمام این پروژه محور پرتردد آشتیان - حاتم آباد که تقریباً راه اصلی تردد شهروندان به مرکز استان است، به طول ۱۰ کیلومتر و حجم عملیات خاکی ۴۰ هزار مترمکعب با به‌کارگیری ۷ دستگاه ماشین سنگین و نیمه سنگین راهداری و ۱۰ نیروی فعال ایمن‌سازی و رفع خطر شد. وی یادآور شد: همچنین با تلاش راهداران برای افزایش سطح ایمنی محورهای مواصلاتی شهرستان بیش از ۱۰۰ کیلومتر خط‌کشی در محورهای آشتیان- راهجرد، آشتیان- جعفرآباد، آشتیان – حاتم آباد، آشتیان- جیریک آغاج، آشتیان-کردیجان و آشتیان-بهارستان انجام شد. کربلایی با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای طرح راهداری زمستانی گفت: حمل و دپوی بیش از ۴۰۰ تن نمک در راهدارخانه مرکزی شهرســتان، تجهیز و اورهال ماشین‌آلات، تعریض دو دستگاه پل آبرو هر کدام به عرض ۳ متر در محور آشتیان حاتم آباد، تنقیه و لایروبی و ایجاد دریواسیون دهانه پل‌های آبرو شهرستان ۳۵ مورد، نصب و تعویض تابلو علائم ایمنی فاقد بازتاب و ایمن‌ســازی قوس‌ها و نقاط مستعد بروز حادثه با نصب بیش از ۶۰۰ عدد انواع تابلو و علائم ایمنی بخشی از اقداماتی اســت که در این خصوص صورت گرفته است. رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان آشتیان اجرای شیارهای لرزاننده طولی و عرضی در قوس‌های افقی و عمودی و نقاط مستعد بروز حادثه با هماهنگی فرمانده پلیس راه اراک فرمهین در محورهای آشتیان- حاتم آباد، آشتیان- ورسان، آشتیان -راهجرد و لکه‌گیری با آســفالت ســرد و گرم به صورت روزانه و با حجم بیش از ۲۰۰ تن توسط گشــت‌های راهداری را از دیگر اقدامات انجام شده از ابتدای سال جاری تاکنون برشمرد. کربلایی همچنین با اشــاره به اجرای مصوبات شورای ترافیک شهرستان نیز گفت: جمع‌آوری سنگ بند قوس کیلومتر ۳ جاده آهو و ایمن‌سازی قوس مربوطه، اجرای سرعتکاه با آسفالت گرم در تقاطع‌ها و محورهای روستایی به همراه رنگ‌آمیزی و آشکارسازی آنها، نصب ۴۵ مورد شبرنگ روی ادوات کشاورزی و وانت‌بارهای روستاهای مزرعه نو و سیاوشان و ایمن‌سازی محورها به صورت کامل از مهمترین بخش‌هایی بوده که در راستای مصوبات این شورا انجام شده است.

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان:

۵۰ درصد کشمش تولیدی کشور در آذربایجان شرقی فرآوری می شود

فرصت امروز – ماهان فلاح: مدیر امور باغبانی ســازمان جهاد کشــاورزی آذربایجان شــرقی از تولید حدود ۳۰۰ هزار تن انگور در سالجاری و فرآوری ۵۰ درصد کشمش تولیدی کشور در این استان خبر داد. مسعود جعفرنژاد با اعلام این خبر افزود: مجموع سطح زیرکشت محصول انگور در استان ۱۸ هزار هکتار شامل ۱۷ هزار و ۴۳۴ هکتار سطح بارور و ۵۶۶ هکتار سطح غیر بارور است. وی بیان کرد: تولید انگور در سال گذشته ۲۱۵ هزار تن بوده که امسال به ۳۰۰ هزار تن رسید و به دلیل سرمازدگی، بادزدگی، تگرگ، تندباد و سیل، ۱۴ هزار تن معادل پنج درصد کمتر از میزان پیش بینی شـــده بود. جعفرنژاد با اشاره به اینکه متوسط عملکرد انگور اســتان ۱۷.۲ تن در هکتار برآورد می‌شــود، ادامه داد: تولید این محصول در بیشتر شهرستان‌های استان انجام می‌شود و شهرستان‌های ملکان با مساحت حدود ۱۲ هزار هکتار و تولید ۶۴ درصد محصول کل استان دارای رتبه اول و بناب با مساحت حدود چهار هزار هکتار و تولید ۱۲ درصد محصول کل استان رتبه دوم را به خود اختصاص داده‌اند. وی گفت: براساس آخرین آمارنامه رسمی کشاورزی کشور، استان آذربایجان شرقی دارای رتبه پنجم از نظر میزان تولید انگور در کشور است. مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی همچنین با بیان اینکه ســالانه حدود ۸۰ هزار تن محصول فراوری شده انگور به کشورهای همسایه صادر می‌شود ادامه داد: انگور محصولی است که به‌خاطر خاصیت طبیعی خود از گذشته تا کنون به‌عنوان یک برند در دنیا مطرح بوده و دارای قابلیت‌های خاص و منحصر بفردی اســت. جعفرنژاد اضافه کرد: ۱۵ محصول تولیدی به طور تازه‌خوری و فرآوری شده همچون آبغوره و دوشاب مصرف می‌شود، حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد محصول انگور تبدیل به کشمش کالیفرنیایی و ۱۵ تا ۲۰ درصد تبدیل به کشمش تیزابی شده و به کشورهای حوزه خلیج‌فارس، روسیه، کشورهای آسیای میانه و برخی کشــورهای اروپایی و آفریقائی صادر می‌شود، همچنین پنج درصد محصول نیز در صنایع دیگر به سرکه و سایر مصارف صنعتی تبدیل می‌شود. مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان اظهار کرد: واحدهای صنایع تبدیلی استان علاوه بر محصول خود استان، محصولات استان‌های همجوار را نیز خریداری و فــرآوری می‌کنند و چنین ظرفیتی در یک منطقه علاوه بــر ارزآوری و تولید ثروت، فرصت‌های شغلی بسیاری را ایجاد می‌کند. جعفرنژاد با اشاره به اینکه انگور آذربایجان شرقی از لحاظ کیفیت در دنیا شناخته شده است به‌طوری‌که از سه کیلو انگور ملکان حدود یک کیلو کشمش خشک تولید می‌شود، گفت: در شهرستان ملکان بیش از ۳۰ واحد تبدیلی انگور وجود دارد. وی اضافه کرد: عمده ارقام استان شــامل ۹۰ رقم بی دانه کشمشی و ســلاطین و ۱۰ ارقام استان شامل خلیلی، فخری، عسگری، حسینی، صاحبی، دسته چین، شاهانی، قورا شیرین با تبرزه و قره اوزوم است. جعفرنژاد افزود: روسیمی کردن تاکستان‌های استان به دلیل داشتن مزایای زیادی از جمله کاهش هزینه‌های کارگری، اصلاح سیستم آبیاری، افزایش عملکــرد و کیفیت محصول، جلوگیری از بادزدگی، امکان انجام مکانیزه عملیات داشت و برداشت محصول، کنترل آفات و بیماری‌ها، کاهش مصرف آب و برداشت راحت محصول از اهمیت بالایی برخوردار بوده اســت.وی ادامه داد: مدیریت امور باغبانی اســتان در برنامه‌های اصلاح و احیاء باغات هر ساله توجه ویژه‌ای به این امر کرده و قســمتی از اعتبارات اســتانی نیز به این مهم اختصاص می‌یابد، البته روش روسیمی معایبی نیز دارد از جمله خسارت سرمای دیررس بهاره و سرمای زودرس پائیزه است

صادرات ۸۰ هزار تن محصول فرآوری شده انگور آز اذربایجان شرقی

مدیر صنایع تبدیلی و غذایی سازمان جهادکشاورزی استان نیز میزان تولید انگور فرآوری شده در استان را نزدیک ۱۵۰ هزار تن اعلام کرد و گفت: سالانه حدود ۸۰ هزار تن محصول فرآوری شـــده انگور استان به مقصد بیش از ۲۰ کشور جهان از جمله کانادا، استرالیا، شیلی و روسیه صادر و بقیه کشمش تولیدی در داخل استان و همچنین به ســایر استانهای کشور ارسال می شود. فرامز افشانی با بیان اینکه سالانه بیش از ۲۴۰هزار تن کشمش در کشور تولید می شود ادامه داد: شهرستان ملکان با تولید ۸۰ هزار تن کشمش، یک سوم کشمش کشور را تولید می کند و ملایر و تاکستان نیز از دیگر قطب های تولید کشمش هستند. وی با بیان اینکه سال گذشته ۱۰۷ هزارتن کشمش از کشور صادر شده است ادامه داد: هم اکنون ۲۵ واحد فرآوری انگور با پروانه بهره برداری و تعداد دیگری نیز با جواز تاسیس به ظرفیت ۱۵۰ هزار تن در استان به تولید کشمش مبادرت دارند و با مجوزهای جدید صادر شـــده در حوزه فرآوری کشمش، بسترسازی می کنیم تا ظرفیت آن را به بیش از ۱۸۰هزارتن افزایش دهیم. وی با بیان اینکه از صادرات ۳۶۰ میلیون دلاری محصولات کشــاورزی و از مبدا آذربایجان شــرقی در سال گذشته ۲۶۷ میلیون دلار آن و در حدود ۷۴ درصد مربوط به صادرات محصولات فرآوری شده و صنایع تبدیلی بوده است افزود: این محصولات شامل صادرات محصولات خشکبار استان ۱۰۷ میلیون دلار، شیرینی جات، شکلات، فرآورده‌های غلات ۸۰ میلیون دلار، صنایع تبدیلی ۶۷ میلیون دلار و محصولات لبنی ۱۳ میلیون دلار بوده است.

مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین از طرحهای عمرانی شهرداری محمدیه بازدید کرد

قزوین –زارع: مدیرکل امور مالیاتی اســتان قزوین در جلسه با شهردار اظهار داشــت: در روند وصول مالیات‌ها و همراهی مردم، اعتمادســازی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و شهرداری محمدیه با ارائه خدمات شایسته به شهروندان در این راستا گام بلندی برداشته که به امیدآفرینی بین مردم هم منجر شده است. سید محمود موســوی صانع مدیرکل امور مالیاتی استان به همراه معاون توسعه مدیریت و منابع و رئیس اداره حراست با حضور در شهر محمدیه و دیدار با شهردار و اعضای شورای شهر محمدیه از پروژه های عمرانی در دست اجرا و طرحهای تکمیل شده این شهرستان که از محل عوارض مالیات بر ارزش افزوده احداث شده است، بازدید کرد. ســید محمود موسوی صانع در دیدار با پیری شهردار محمدیه گفت: امسال مجموع مالیات وصول شده در استان ۱۱هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان است که حدود ۶۰۰ میلیارد تومان آن سهم کسبه بود؛ در مقابل این میزان وصول مالیات تاکنون بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان عوارض ارزش افزوده در استان توزیع شده است. مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین ادامه داد: زمانی که مودیان و مردم ببینند مالیات‌های پرداخت شـــده از طریق مختلف به آن‌ها باز می‌گردد، همراهی بیشـــتری خواهند داشت و حتی در مقابل فرار مالیاتی بی تفاوت نخواهند بود؛ از این رو اطلاع‌رسانی در این حوزه اهمیت بالایی دارد. وی عنوان کرد: در شهرداری محمدیه شاهد این هستیم که از محل ارزش افزوده حمل و نقل رایگان در اختیار شهروندان قرار گرفته، وقتی مردم این را می‌بینند اهمیت و جایگاه مالیات در ذهن آن‌ها ماندگار خواهد شد و به امیدآفرینی و فرهنگ سازی مالیاتی منجر می‌شود. موسوی ادامه داد: امسال حدود ۴۴ میلیارد تومان مالیات از شهر محمدیه وصول شده، در مقابل بابت ارزش افزوده ۲۰۲ میلیارد به این شهرداری پرداخت شده که حدود ۵ برابر مالیات وصول شده است. وی با اشاره به اهمیت و جایگاه صداقت در اظهارنامه‌ها گفت: عدم پرداخت مالیات‌ها به نوعی، آسیب به سرمایه عمومی را به همراه دارد؛ از این رو ما در امور مالیاتی به اعتمادسازی تاکید داریم و در این راستا با فرم‌های پر شده و خوداظهاری، مالیات ۶۵ درصد مودیان ما که معادل ۸۶ هزار نفر است، صفر محاسبه شد. موسوی صانع ادامه داد: سال ۱۴۰۱ درآمد ما ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بود، در سال ۱۴۰۲ با اینکه رسیدگی به اظهارنامه‌ها کاهش پیدا کرده و به ۸ درصد رســـیده، درآمد ما به ۱۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد افزایش پیدا کرد که این اقدام نتیجه اعتمادسازی است. پس از این دیدار مدیرکل امور مالیاتی استان قزوین و هیات همراه با همراهی شهردار و اعضای شورای شهر با حضور در مزار شهدای گمنام شهر محمدیه به مقام شامخ شهدا ادای احترام کرد.

رئیس شورای شهر رشت:

بخشی از ۱۶۰ واحد مسکونی شهرداری رشت در اختیار پرسنل فاقد مسکن شهرداری قرار بگیرد

رشت – زهرا رضازاده: محمدحسین واثق کارگرنیا رئیس شورای اسلامی شهر رشت در یکصد و چهل و نهمین جلسه علنی شورا در ساختمان جلسات شورای رشت با گرامی داشت یاد و خاطره امام راحل و شهدای گرانقدر ایران اسلامی و با تبریک ولادت حضرت زینب کبری سلام الله علیها و روز پرستار اظهار کرد: به مناســبت روز پرستار، اعضای شورا و شهردار رشت با حضور در مراکز درمانی از تلاش های این قشر پرتلاش تقدیر و تشکر کردند و امروز نیز مراسمی در این راستا توسط دانشگاه علوم پزشکی در حال برگزاری است که به دلیل تقارن ساعت برگزاری این مراسم با جلسه صحن شورا ، متاسفانه توفیق حضور نداشتیم و مجموعه مدیریت شهری رشت همواره قدردان زحمات شبانه روزی پرستاران عزیز در دوران هشت سال جنگ تحمیلی، کرونا و . . . است.

وی به فرا رسیدن ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها اشاره کرد و گفت : (پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) فرمودند : فاطمه حوری بهشتی است که به صورت انسان آفریده شده و هر گاه مشتاق بهشت می شوم ، بوی بهشــت را از فاطمه (س) استشمام می کنم) و امیدوارم شفاعت بانوی گرانقدر اسلام حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها شامل حال تمامی شیعیان در فردای قیامت بشود.

رئیس شورای اسلامی شهر رشت با اشاره به اینکه توجه به رفاهیات کارکنان بسیار حائز اهمیت است تصریح کرد: به غیر از پرداخت حقوق و مزایا ، اقدام دیگری برای رفاهیات پرسنل صورت نمی گیرد و با توجه به اینکه تعدادی از همکاران شــهرداری رشت سالهاست فاقد مسکن هستند پیشنهاد می کنم مجموعه ۱۶۰ واحدی که متعلق به شــهرداری بوده و چند ســالی است بلا استفاده به حال خود رها شده به پرسنل فاقد مسکن شهرداری رشت بر اساس یک ضوابط مشخص و در ازای دریافت بهای ملک واگذار شود تا ان شاالله با این اقدام دغدغه مسکن تعدادی از پرسنل شهرداری رشت برطرف شود.

کارگرنیا به گلایه مندی بحق شـــهروندان پیرامون وضعیت آسفالت رشت اشاره کرد و گفت: امیدواریم با اقداماتی که در دست انجام است این گلایه ها نیز برطرف شود. وی با بیان اینکه الحمدالله پروژه بزرگ گیل لند نیز در مراحل انتهایی برای اخذ مجوزهای لازم قــرار دارد تصریح کرد: موضوع اجرای این پروژه بزرگ سالها پیش مطرح و تا کنون به نتیجه نرسیده بود که با پیگیری های شـورا و شهرداری رشت در این دوره به نتایج خوبی رسیده و در مراحل پایانی اخذ مجوز ها قرار دارد اما با توجه اینکه به واســطه برخی از مباحث از جمله تغییر مکان ، ادامه اجرای این پروژه با پیمانکار قبلی ممکن بود به لحاظ قانونی ایراداتی به همراه داشته باشد ببا استعلام انجام شده شهرداری باید برای اجرای این پروژه مجددا مناقصه برگزار کند.

در جلســه امروز شورا لایحه مســاعدت مالی با تیم های فوتبال سپیدرود به مبلغ دو میلیارد تومان و داماش به مبلغ یک میلیارد تومان مورد موافقت شورا قرار گرفت.

۳۰۰ هزار تن به ظرفیت تولید پتروشیمی آریاساسول افزوده می شود

بوشهر – خبرنگار فرصت امروز: با اجرای طرح توسعه واحد MD-HD بیش از ۳۰۰ هزار تن به ظرفیت تولید شرکت پلیمر آریاساسول افزوده می‌شود.

با تکمیل واحد کولینگ ۶ مبدل جدید آفســایت آماده نصب هستند؛ این مبدل‌ها به‌منظور اجرای طرح توسعه واحد MD-HD اجرا و نصب خواهند شد.

هم‌اکنون ۱۱ مبدل به‌منظور تأمین آب خنک برای تجهیزات در مدار واحد آفسایت، درحال فعالیت هســتند که اجرای طرح توسعه واحد MD-HD نیازمند اضافه شدن این ظرفیت بوده که در این راستا اجرای مبدل‌های جدید برنامه‌ریزی و به مرحله نصب رسیده است.

مبدل‌های جدید ۶ هزار مترمکعب به ظرفیت فعلی خنک‌سازی آب واحد آفسایت اضافه می‌کنند؛ توان فعلی مبدل‌ها ۱۲ هزار مترمکعب است.

جابجایی و نصب لوله‌های مصرفی در واحد کولینگ با قطر ۳ متر، یکی از فعالیت‌های ســنگین این طرح بود که اجرای آن با برگزاری ۱۰۰ نفرساعت جلسه به‌منظور هماهنگی بخش‌های مرتبط و استقرار جرثقیل ۱۰۰ تن در محل عملیات، انجام شده است.

گفتنی است: به‌دلیل زیربار بودن لوله‌های اصلی آب، اتصال لوله‌های جدید و وارد مدار شدن مبدل‌ها نیازمند زمان مناسب است که اجرای تعمیرات اساسی در شرکت می‌تواند بهترین زمان برای این بخش باشد.

اخبار

مدیر منطقه دو شهرداری اراک:

اجرای ۲۲۰ مترجدول گذاری در کوچه کارگشا

ار اک- فرناز امیدی: ۲۲۰ متر جدول گذاری در کوچه کارگشــا واقع در خیابان ۲۲ بهمن، در دست اجرا است

ناصر عسگری در ارتباط با اجرای عملیات کف فرش صورت گرفته اخیر در سطح منطقه دو بیان کرد: اجرای کف فرش ابتدای کوچه حاج رئیس اطراف میدان دارایی به متراژ ۴۰۰ متر مربع و همچنین لکه گیری ســنگ فرش پیاده رو ابتدای کوچه آموزش پرورش و چهارراه دکترحسابی در خیابان امام خمینی(ره) انجام شده است.

وی، افزود: جدول گذاری کوچه کارگشا در خیابان ۲۲ بهمن به متراژ ۲۲۰ متر در دســت اجراست، همچنین جدول گذاری نهری ورودی بن بست باشکوه در کوچه واثق۳ خیابان شهیدرجایی نیز تکمیل شده است. مدیر منطقه دو شهرداری اراک، گفت: در راستای رسیدگی به درخواست های مردمی، جدول گذاری نهری در کوچه بعثت خیابان شریعتی انجام، همچنین مسیر کندمان اداره آب و فاضلاب خیابان شهید رجایی بین ۱۷متری و۱۲ متری، بیس ریزی و همسطح سازی گردید. عسگری، خاطرنشان کرد: نصب نرده های فلزی جهت افزایش ایمنی حاشیه دیوار مجتمع مسکونی آلومینیوم واقع در کوی رضوی و بیس ریزی پیاده رو مجاور آن در کوی رضوی انجام شـــده اســـت. مدیر منطقه دو شهرداری اراک، با اشاره به توزیع ۱۴۰ تن آسفالت در منطقه طی روزهای اخیر گفت: اجرای لکه گیری آسفالت در محل های مورد نیاز سطح منطقه، همچنین روکش آسفالت بن بست بهشت ۱کوچه واعظی در خیابان شهید بهشتی، روکش آسفالت کوچه بن بست اطلسی و لکه گیری اطراف خیابان شهید بهشتی و اجرای آسفالت بن بست صلح در کوچه دستوری خیابان شکرایی و اجرای آسفالت کنار جدول کتابی کوچه شهید توسطی در خیابان شهید رجایی تکمیل شد. وی خاطر نشان کرد: در راستی رسیدگی به درخواست های مردمی ، یک واحد صنفی غیرمجاز عوامل خرید و فروش ضایعاتی در شهرک ولیعصر(عج) برابر با بند ۲۰ ماده ۵۵ پلمپ شد و به سایر واحدهای مشابه نیز مهلت تخلیه داده شده است.

شرکت آبفای استان یزد پیشگام در عرصه خدمات رسانی الکترونیکی به شهروندان

یزد– ســـید محمد جواد عرفان فر ؛ معاون منابع انسانی و تحقیقات شــرکت آب و فاضلاب اســتان یزد گفت: این شرکت با پیشــگامی در عرصه خدمت رسانی الکترونیکی، در راستای ارتقاء کیفیت خدمات به شهروندان قدم برمی دارد.

نگارش معاون منابع انســانی و تحقیقات شرکت آب و فاضلاب اســتان یزد گفت: شرکت آب و فاضلاب استان یزد به عنوان یکی از پیشــگامان در عرصه خدمات رسانی الکترونیکی به شهروندان، درغرفه دولت الکترونیک شانزدهمین نمایشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات اســتان یزد (کامتیکس) استان یزد که در محل دائمی نمایشــگاه های بین المللی برگزار شــد، حضور یافت. او افزود: این حضور به منظور معرفی دستاوردهای دولت الکترونیک و هوشمند سازی در حوزه آب و فاضلاب و همچنین در راستای ارتقاء کیفیت خدمات به مردم صورت پذیرفت. اکرم رحیمی مدیر فناوری اطلاعات و توسعه دولت الکترونیک شرکت آبفای استان یزد نیز بر بهبود خدمات و افزایش رضایتمندی مشتریان تاکید کرد و گفت: هوشمند سازی و مکانیزاسیون بالغ بر ۴۰۰ روال و فرایند سازمانی، ارائه داشبوردهای مدیریتی مکان محور، یکپارچگی سیســـتم های اطلاعاتی ســازمان با معماری ســرویس گرا، تنوع درگاه های ارائه خدمات برای شهروندان در ۲۴ ساعت شبانه روز و ... از جمله تلاش‌های گسترده انجام شده در راستای هوشمند سازی و بهینه‌سازی خدمات این شرکت به مشترکین است. او افزود: حضور در نمایشگاه کامیتکس فرصتی بود تا شرکت آب و فاضلاب استان یزد با دیگر فعالان این حوزه ارتباط برقرار کرده و تجربیات و دانش خود را در زمینه هوشــمند سازی به اشتراک بگذارد . مدیر فناوری اطلاعات و توسعه دولت الکترونیک شرکت آبفای استان یزد اظهار داشت: این رویداد همچنین این امکان را فراهم نمود تا نظرات و پیشنهادات بازدیدکنندگان را دریافت کرده و در راستای بهبود مستمر خدمات خود بهره برداری کند

استاندار خوزستان در مجمع عمومی شورای فرهنگ عمومی خوزستان :

مهمترین شاخص ارزیابی عملکرد مدیران، مردم‌داری است

اهواز – شـــبنم قجاوند: استاندار خوزســتان گفت: یکی از مهمترین شــاخص‌های جدی در ارزیابــی عملکرد مدیران، بحث مردم‌داری و توجه به شــان و جایگاه آنها اســت. سیدمحمدرضا موالی‌زاده در مجمع عمومی شــورای فرهنگ عمومی خوزستان اظهار کرد: نتیجه حاصل از اینگونه نشست ها با اهمیت است و باید در عرصه جامعه خود را نشان دهد. وی با اشاره به اینکه هر مساله ای در حوزه فرهنگ عمومی در واقع یک اقدام فرهنگی است بیان کرد: مردم داری یکی از مباحث جدی قابل تمرکز است به گونه ای که مدیران ما باید در بخش‌های مختلف از عمق جان خود را خادم مردم دانسته و آنهارا ارباب خود بدانند. موالی زاده افزود: متاسفانه در برخی دستگاه‌ها نوع برخورد با مردم مناسب نیست که این موضوع باید در استان حل و تبدیل به یک فرهنگ شود. استاندار خوزستان گفت: اگر در کوتاه مدت امکان حل مشکل نیست باید برخورد با مردم با روی گشاده و تکریم صورت گیرد.وی با تاکید بر توجه به دغدغه رفع مشکلات مردم در همه زمینه‌ها ادامه داد: وقتی خود را خادم مردم دانسته و در کنار آنها باشیم قطعا نصرت الهی و عنایت اهل بیت (ع) شامل حال ما خواهد شد. موالی زاده تاکید کرد: مردمی بودن، خالص کردن نفس از پلیدی‌ها و رفع نیازهای مردم از مهمترین ضرورت‌هایی است که از سوی حضرت قائم (عج) تاکید شده و باید سرلوحه کار مسئولان باشد.

مدیرکل پدافند غیرعامل استانداری استان اصفهان:

پایداری شبکه گازرسانی امری مهم و حیاتی است

اصفهان–فائزه مرادیان: پایداری شــبکه گازرسانی یک امر مهم و حیاتی است و طرح‌های پدافندی نیز باید در آن پیش‌بینی شــود. به گزارش روابط‌عمومی شرکت ملی گاز ایران، عبدالرسول صفری مدیرکل پدافند غیرعامل اســتانداری اصفهان در جلســه مدیریــت بحران ضمن بیان مطلب فوق، اظهــار کرد: گاز یکی از زیرساخت‌های پایه در پدافند غیرعامل است و در صورت اختلال در آن زیرساخت‌ها دچار آسیب می‌شوند. ابوالقاسم عسکری مدیرعامل شرکت گاز اســتان اصفهان در ادامه ضمن ارائه گزارش مفصلی از اقدامات انجام شــده در حوزه مدیریت بحران و پدافند غیرعامل و تبیین الزامات بهینه‌سازی در تمامی بخش‌ها اعم از خانگی، ادارات و صنایع به تشریح روند مصرف گاز در سال‌های اخیر پرداخت و بر تعاملات سازنده با دستگاه‌های اجرایی و ادارات استان و رعایت نکات ایمنی و مصرف بهینه گاز طبیعی تأکید کرد و گفت: پایداری توزیع انرژی در استان ملزم به همکاری تمامی دستگاه‌ها است. در ادامه، منصور شیشه‌فروش مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان از تشکیل جلسه مدیریت بحران استان باهدف هم‌افزایی بین دستگاه‌ها به‌منظور مدیریت مصرف بهینه انرژی خبر داد و افزود: باتوجه‌به شروع فصل سرد سال و وجود ناترازی گاز دستورالعمل و الزامات استفاده از وسایل گرمایشی و نکات ایمنی به کلیه دستگاه‌ها ابلاغ شد. وی گفت: کلیه دستگاه‌ها مکلف هستند ۱۰ درصد مصارف خود را نسبت به دوره مشابه سال قبل کاهش دهند و در مصارف خانگی و صنوف نیز ۲۰ تا ۳۵ درصد کاهش یابد. همچنین باتوجه‌به وجود حوادث ناشی از عدم استفاده مناسب در استفاده از لوازم گرمایشی و گازسوز در طول فصول سرد، رعایت الزامات ایمنی در به‌کارگیری لوازم گازسوز و نصب آنها نیز امری ضروری است.

تجلیل شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر علی آباد کتول از پرستاران

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: به گزارش روابط عمومی شـــهرداری و شورای اسلامی شهر علی آباد کتول ؛ همزمان با ایام ولادت با سعادت حضرت زینب (س) و روز پرستار، اسفندیاری پور شهردار و اعضای محترم شورای اسلامی شهر به همراه رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با حضور در بیمارستان بقیه الله اعظم (عج) با پرستاران شهر علی آباد کتول دیدار و ضمن تبریک روز پرستار از آنها تجلیل به عمل آوردند.شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر علی آباد کتول ضمن دیدار با دکتر حجت دیلمی رئیس بیمارستان و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای سلامت، با اهدای گل از زحمات پرستاران و کادر درمان قدردانی نموده و آرزوی موفقیت کردند.

اعضای شورای امر به معروف و نهی از منکر اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان گلستان معرفی شدند

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: جلســه شــورای امر به معروف و نهی از منکر اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان گلستان با حضور حجت الاسلام والمسلمین دیلم دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان با دستور معرفی و اهدای احکام اعضای این شــورا برگزار شد.به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان گلستان، دیلم گفت: از دیدگاه حضرت محمد (ص) بهترین مردم کسانی هستند که بیشتر از همه ی مردم امر به معروف و بیش از همه ی مردم نهی از منکر کند و تقوای الهی پیشه کند و راضی به رضای الهی باشد.وی افزود: تاثیر امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه بسیار قابل توجه است و با اجرای این مفهوم، جامعه به فرایندی از اصلاح میپردازد و اخلاق افراد در جامعه بهبود می یابد.دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان در بخشی دیگر بیان کرد: امر به معروف و نهی از منکر به افراد کمک می کند تا در مسیر راه اسلام و اخلاق صحیح قدم بردارند و از اقدامات ناپسند و ضد اخلاقی خودداری کنند.حمزه کرایلو مدیرکل آموزش فنی و حرفه ای گلستان و رئیس شورای امر به معروف و نهی از منکر گفت: جامعه امروزی باید در راستای ترویج امر به معروف و نهی از منکر به‌خوبی عمل کند و اقشار مختلف مردم در اجرای فریضه الهی امربه‌معروف و نهی از منکر به عنوان کلید اصلاح جامعه تلاش کنند.تجری دبیر شورای امر به معروف و نهی از منکر اداره کل آموزش فنی و حرفه ای گلستان گفت: علاوه بر تشکیل شورای امر به معروف و نهی از منکر در ستاد در تمامی مراکز آموزش فنی و حرفه ای در شهرستان ها این شورا تشکیل شده است.شایان ذکر است حمزه کرایلو مدیرکل به عنوان رئیس شورا، علی تجری مسئول روابط عمومی به عنوان دبیر شورا، دانیال جعفرنژاد کارشناس روابط عمومی به عنوان مسئول دبیرخانه شورا و حاج امان یلمه معاون آموزش، پژوهش و برنامه ریزی، امید جافر معاون اداری و پشتیبانی، حجت اله کردی فرمانده پایگاه بسیج و مسئول دفتر فنی ، رحمت اله کیانی مسئول حراست، زینب صفایی پور کارشناس حراست، سمیه کرامتلو مشاور امر بانوان و خانواده و کارشناس آموزشگاه های آزاد، محمد اسلامی کارشناس بازرسی و ارزیابی عملکرد اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان به همراه حجت الاسلام و المسلمین حسن میردار امام جماعت اداره کل اعضای این شورا هستند.

تجلیل از همسر جانباز ۷۰ درصد علی آباد کتول در گرامیداشت روز پرستار

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: به گزارش روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر علی آبادکتول ؛به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر به همراه رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران ضمن دیدار با جانباز ۷۰ درصد و تبریک میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار از همسر فداکار و ایثار گر این جانباز تجلیل کردند.علیرضا رهدار جانباز ۷۰ درصد متولد ۱۳۴۳ در تاریخ ۱۳۶۶ در منطقه جنگی کوش خوزستان مجروح شده است.

جشنواره حمایت از کالاها و محصولات فرهنگی استان ها(جایزه فیروزه) تمدید شد

یزد – سید محمد جواد عرفان فر ؛ مهلت ارسال آثار برای شرکت در جشنواره جایزه فیروزه با نگاه ویژه به کسب و کارهای فرهنگی که در هر یک از استانهای کشور برگزار می شود، تا پایان آبان ۱۴۰۳ تمدید شد. این جشنواره در موضوعات:«هدایای فرهنگی»، «طراحی شخصیت»، «اسباب بازی»، «عروسک»و «نوشت افزار»توسط اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگزار می شود. علاقمندان به شرکت در این جشنواره می توانند به صورت مجازی و از طریق زیرساخت الکترونیکی https://platzaar.ir نسبت به ارسال اطلاعات و آثار خود اقدام نمایند.

راهکارهایی برای مدیریت حرفه‌ای کار و زندگی

مدیر کار و زندگی خودتان باشید!

نویسنده: علی آل‌علی

زندگـی برای خیلـی از مردم دنیا به جـای اینکه پر از هیجان یا اتفاقات تازه باشـد، پر از چالش‌هایی اسـت که یکـی پـس از دیگری از راه رسـیده و زندگـی را تبدیل به پازلی هـزار تکه می‌کنند. اینطـور وقت‌ها آدم نه تنها انگیزه‌اش برای کارآفرینی را از دسـت می‌دهد، بلکه دیگر دل و دماغی برای زندگی شخصی‌اش هم نخواهد داشت. در نقطه مقابل چنین وضعیتی مدیران موفقی هستند که انگار اصلا شکسـت یا بحران برای‌شان تعریف نشده است. چنین مدیرانی مثل آب خـوردن هر بحرانی را تبدیل به فرصتی بی‌نظیر برای برندشـان می‌کننـد. خب اگر بقیه می‌تواننـد چنین کاری را با زندگی حرفه‌ای‌شـان کنند، چـرا شـما نتوانید سـر کار و همین طور خانـه با همین دست‌فرمان پیش بروید؟

ما در روزنامه فرصت امروز معتقدیم هر کس باید مدیر کار و زندگی خودش باشـد. شـاید شـما در یک شرکت بین‌المللی بزرگ به عنوان کارمند معمولی فعالیت داشته باشـید، امـا هیچ چیز جلوی شـما را نگرفتـه تا با کمی خلاقیت رتبه سـازمانی‌تان را ارتقا داده یا حتی کسـب و کار جانبی خودتان را شروع کنید. یادتان باشد در زندگی شـما نباید فقط در برابر مشکلات گاردتان را حفظ کنید، بلکه گاهی با یک هوک سـنگین باید مسـابقه را به نفع خودتان تمام کنید. هدف ما در این مقاله راهنمایی شـما برای تبدیل شدن به مدیر کسب و کارتان است. اینطوری دیگـر نه زندگی‌تان خیلی کسـل‌کننده خواهـد بود، نه صبح‌ها با بی‌حوصلگی سرکار حاضر می‌شوید. پس منتظر چه هسـتید؟ با ما همراه باشید تا رکوردهای جدیدی در زندگی‌تان ثبت کنید.

تعیین اهداف: زندگی بدون هدف معنا ندارد!

مدیـران موفق همیشـه به دنبـال راهکارهایـی برای دسـتیابی به اهداف‌شـان هستند. شـاید فکر کنید همه برندها اهداف یکسـانی دارند. در این صورت احتمالا هیچ چیز از الفبـای کارآفرینی یاد نگرفته‌اید. از آنجایی که در دنیا مردم کلی نیاز رنگارنگ دارند، هر برندی به دنبال رفع بعضی از نیازهای مشتریان است. به علاوه، خودِ کارآفرینان هم گاهی اوقات اهـداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. مثلا برای بعضی‌ها همین که اسـم برندشان سر زبان‌ها باشد، کافـی خواهد بـود. در حالی که عـده‌ای دیگر به چیزی پایین‌تر از فروش کلان راضی نخواهند شد.

هدف شما هرچه باشد، باید آن را دقیق مشخص کنید. وگرنه زندگی‌شان شبیه یک روح سرگردان خواهد شد که حتی خودش هم نمی‌داند دنبال چیسـت. این روزها کلی تکنیک و حتی آزمون‌های گرانقیمت برای تعیین اهداف زندگـی و کار آدم‌ها وجود دارد. شـما را نمی‌دانم، ولی به نظر من که پیـدا کردن اهداف کار و زندگی اینقدرها هم سخت یا گران نیست. در عوض شما باید نگاهی دقیق به زندگی‌تان داشته باشید. اگر از ما می‌شنوید، کافی است به این سوال جواب دهید که ۱۰ سال دیگر دوست دارید در چه موقعیتی باشید؟

بی‌شک سـوال بالا خیلی کلی است، اما هرچه روی آن بیشـتر فکر کنید اهداف دقیق‌تری به ذهن‌تان می‌رسـد. اجازه دهید از یک مثال هیجان‌انگیز استفاده کنیم. کمک مربـی را در نظر بگیرید که در یک تیم دسـته دومی کار می‌کند. احتمالا مربی قصه ما دوست دارد ۱۰ سال دیگر نـه به عنوان کمک مربی، بلکه سـرمربی یکی از تیم‌های لیـگ برتـری کار کند. بنابراین هدف دقیق او پیشـرفت در دنیای فوتبال خواهد بود. قبول دارم شـخصیت اصلی قصه‌مان یک شـبه سـرمربی رئال مادرید نمی‌شود، ولی همین که تکلیفش را با خودش مشـخص کند گامی بلند به سوی مسیر قهرمانی خواهد بود.

مدیران موفق همیشـه دید وسیعی دارند. همانطور که یـک عقاب در آسـمان کوچک‌ترین حرکت شـکارش را می‌بیند، شـما هم باید تغییرات کوچک زندگی‌تان را زیر ذره بین بـرده و اجازه ندهید حتی یک فرصت هم از زیر دست‌تان در برود. اینطوری به مرور زمان اهداف‌تان کامل می‌شـود. تا یادمان نرفته بگوییم اهداف شما فقط مربوط به دنیای کار نیسـت. در زندگی شـخصی هم باید به این فکر کنید که ۱۰ سـال دیگر دوسـت دارید کجا باشـید. قول می‌دهم جواب‌های احتمالی شـما به این سوال حتی خودتان را هم شوکه خواهد کرد.

برنامه‌ریزی: کار بدون برنامه فایده ندارد

حـالا که شـما می‌دانید هدف‌تان دقیقا چیسـت، باید برنامه‌ای هم برای آن داشـته باشـید. راستش را بخواهید فرقی بیـن رویاپردازی‌های دور و دراز با اهداف واقع‌بینانه همین جا مشخص می‌شود. اگر قرار بود با یک هدف‌گذاری خشـک و خالی همه چیز ختم به خیر شود، احتمالا حالا هزاران بیل گیتس در چهار گوشه دنیا وجود دارد. مرحله سـخت ماجرا فکر کردن درباره برنامـه تحقق اهداف‌تان است. ماجرا کمی سخت شد، نه؟

آیـا تا حالا به کار یک اسـتاد دانشـگاه دقت کرده‌اید؟ قبول دارم این سوال کمی عجیب به نظر می‌رسد، اما برای پیشبرد بحث کاملا ضروری است. همانطور که یک استاد دانشـگاه در طول ترم مباحث سـنگین را به زبان ساده و کم کم تحویل دانشـجوها می‌دهد، شما هم در برخورد با اهداف‌تان نباید یکهو بروید سـراغ اصل مطلب. در عوض کارتان را به بخش‌های کوچک‌تر تقسـیم کنید. مثلا اگر دوست دارید از یک عشق ماشین تبدیل به راننده فرمول یک شـوید، باید در سال اول سـراغ کلاس‌های آموزشی بروید و در سال‌های بعد کم کم در مسابقات محلی شرکت کنید. اینطوری یک مسیر صفر تا صد برای تبدیل شدن به راننده‌ای حرفه‌ای دم دست خواهید داشت.

خیلی از کارآفرینان فکر می‌کنند برنامه‌های کاری باید یک شـبه آنهـا را تبدیل به بیل گیتس یا ایلان ماسـک کند. از آنجایـی که چنین رویاهای خامی هیچ وقت بدل به واقعیت نمی‌شود، دسـت آخر بی‌برو برگشت شکست می‌خورید. در عوض کمی به سرگذشت کارآفرینان بزرگ نگاه کنید تا متوجه مسـیر طولانی پیش روی‌تان شوید. ما در روزنامه فرصت امروز برای اینکه مسـیرهای طولانی سـاده به نظر برسد، همیشه آنها را تقسیم‌بندی می‌کنیم. به زبان سـاده، شما کافی است برنامه بلند ۱۰ ساله‌تان را به چندین برنامه دو سـاله، یک ساله و در آخر شش ماهه تقسـیم کنید. اینطوری مشاهده حجم بالای کاری یکهو نگران‌تان نخواهد کرد.

توصیه پایانی ما در این بخش مشورت با کارشناس‌ها یا آدم‌های حرفه‌ای است که قبلا تجربه برنامه موفقیت‌آمیز را داشـته‌اند. شـاید فکر کنید چنین آدم‌هایی باید لزوما کارآفرینان خوبی باشـند، اما ماجرا اصلا اینطوری نیست؛ چراکه موفقیت در زندگی شخصی خیلی ربطی به دنیای شلوغ کسب و کار ندارد. پس اگر شما دنبال اهداف‌تان در زندگی شخصی هسـتید، می‌توانید سراغ ریش‌سفیدها یا آنهایی که به نظرتان زندگی خوب و خوشی دارند، بروید. البته به شـرط اینکه یکبار برای همیشـه خجالت را کنار گذاشته و سر صحبت را با دیگران باز کنید!

مدیریت درست کارها: به وقت افزایش بهره‌وری

وقتـی آدم کلی برنامه مختلف دارد، دیگر نمی‌شـود با همان دسـت فرمان قدیم کارها را پیش برد. حالا شما نه تنها باید جواب همکاران یا مدیران ارشد را بدهید، بلکه آخر شـب باید جواب خودتان را هم بدهید. بی‌شک هیچ‌کس دوست ندارد شرمنده خودش شود. به همین خاطر ما در این بخش روی مدیریت کارها دست گذاشته‌ایم.

شما را نمی‌دانم ولی من که تا هدف مهمی نداشته باشم اصلا دست و دلم به کار نمی‌رود. نکته جالب اینکه خیلی از مردم حتی بعد از اینکه اهداف‌شان را کاملا مشخص کردند هم باز انگیزه کافی برای کار کردن ندارند. اگر شـما جزو آن دسته از آدم‌های خوش‌شانسی هستید که دوستان‌شان همیشـه به جلو هُل‌شان می‌دهند، احتمالا اصلا نیازی به تقویت روحیه خودتان ندارید. با این حال بقیه کسانی که چنین فرصتی دم دست‌شـان نیست، باید فکری به حال خودشان کنند.

اولیـن فرمول ما برای تقویت روحیه و افزایش بهره‌وری اسـتفاده از یک تقویم ساده است. شما باید در این تقویم کارهای روزمره‌تان را یادداشـت کرده و هر روز صبح اول از همه به آن نگاه کنید. اینطـوری اهداف روزتان را مثل آب خوردن پیدا کرده و دیگر لازم نیسـت با هزار بدبختی دنبال جور کردن کارهای روزمره‌تان باشـید. هرچه باشد آدم وقتی کارهای روزمره‌اش کاملا مشخص باشد، راحت‌تر آنها را شروع می‌کند، مگر نه؟

در مرحله بعد شـما باید هر کدام از کارهای کوچک‌تان را در یک سـاختار بزرگ زیر ذره بیـن ببرید. این کار به شـما کمک می‌کند حتـی اگر کوهـی از کارها هم روی سـرتان ریخته بود، جا نزنیـد. بزرگترین تله‌ای که خیلی از کارآفرینـان مثل آب خوردن در آن گرفتار می‌شـوند، ناامیدی از نتیجه کارشـان اسـت. قبول دارم برنامه‌ریزی درست خیلی از مشکلات را حل می‌کند، اما گاهی اوقات بد نیسـت نگاهی به آرزوهـای دور و درازتـان بیندازید. اگر دوسـت دارید این آرزوهـا رنگ واقعیت را ببینند، باید بـدون توقف به کارتان ادامه دهد. البته این به معنای کار بی‌نهایت زیاد نیسـت؛ چراکه کار زیـاد خیلی زود آدم را خسـته می‌کند. یک برنامه‌ریزی درسـت به شـما کمک می‌کنـد تا بدون فشـار آوردن به خودتـان کارها را مثل ساعت دقیق جلو ببرید.

توسعه ارتباطات: تکروی فایده ندارد

آیا تا حـالا آدم موفقی را دیده‌اید کـه روابط اجتماعی بی‌نهایت پایینی داشته باشد؟ بی‌شک جواب این سوال از همین حالا معلوم است. کارآفرینان بزرگ همیشه در یک چشم به هم زدن نگاه همه را به خودشان خیره می‌کنند. به علاوه، دوستیابی برای آنها یکی از کارهای بی‌نهایت ساده محسـوب می‌شود. اگر فکر می‌کنید چنین کارآفرینانی با اسـتعداد ذاتی در روابط عمومی به دنیا آمده‌اند، سـخت دراشـتباهید. در عوض آنها به مرور زمان کارشان را بهتر کرده و چه بسا بارها و بارها در روابط اجتماعی سنگ روی یخ شـده‌اند. پس اگر در اولین تلاش‌ها کسـی تحویل‌تان نگرفت، لازم نیست خیلی نگران شوید.

از قدیم گفته‌اند «یک دست صدا ندارد»؛ این نصیحت هر جا کاربرد نداشـته باشـد دسـت کم دربـاره دنیای کسـب و کار کاملا مصداق دارد. پـس اگر فکر کرده‌اید مثل یک فوتبالیسـت خودخواه می‌توانید یک راست تا دروازه حریـف همـه را دریبل زده و آخر سـر هم یک گل به یادماندنی بزنید، سـخت دراشـتباهید. در عوض شـما باید روی مهارت‌تان برای کار تیمی بیشتر تمرکز داشته باشید.

اگر شـما هم مثل خیلی از آدم‌های دیگر روابط عمومی ضعیفی دارید، لازم نیست از همین حالا خودتان را بازنده دنیای کارآفرینی یا حتـی زندگی لحاظ کنید. این روزها خیلی از مردم روابط عمومی ضعیفی دارند، اما خوشبختانه کلـی کلاس برای تقویت این مهارت کاربردی دم دسـت اسـت. کافی است یک بار هم که شـده در این کلاس‌ها ثبت نام کنید تا زندگی‌تان از این رو به آن رو شود. هرچه باشـد روابط عمومی نه یک اسـتعداد ذاتی، بلکه مهارتی عمومی است. همانطور که بازیگرانی مثل دنیرو یا آلپاچینو در طـول زمان و به لطف کلـی کلاس بازیگری تبدیل به سوپراسـتارهای مطرح شده‌اند، شما هم می‌توانید با چند تا کلاس کاربردی حسابی خودتان را سر زبان‌ها بیندازید.

اشتباه آخر خط نیست: درس گرفتن از اشتباهات

دانشـجویی را در نظر بگیرید کـه امتحان آخر ترم را با نمره ۹٫۵ مردود می‌شود. احتمالا دانشجوی قصه ما بعد از کلی بد و بی‌راه گفتن به زمین و زمان ترم بعد دوباره این واحد را برخواهد داشت. هرچه باشد یکبار تجدید شدن که آخر دنیا نیست!

ماجرا درباره کارآفرینی و به طور کلی زندگی هم شبیه همین امتحان آخر ترم اسـت. اگر شـما بارها و بارها هم امتحان‌تان را رد شوید، باز هم در آن شرکت خواهید کرد. اصـلا هم فرقی ندارد دیگران درباره‌تان چه نظری بدهند. یادتان باشـد هر شکستی به خاطر یک یا چند اشتباه رخ داده اسـت. پس بهتریـن کار بعد از مواجهه با شکسـت ریشه‌یابی دلایل آن است. اینطوری شما می‌توانید مثل آب خوردن کارتان را بهتر کرده و نمره ۲۰ را به چنگ بیاورید.

یادتان باشـد جاده موفقیت هیچ وقت یکطرفه نیست. این یعنی شما به غیر از اقدامات خودتان، باید نیم نگاهی به لاین رو به رو هم داشـته باشـید. چه بسـا شما همه کارهای‌تان را مو به مو درست انجام دهید، اما اشتباه یکی دیگـر از رانندگان باعث تصادف‌تان شـود. اینطور وقت‌ها آدم حسـابی عصبانی می‌شود، اما راستش را بخواهید این سناریوها اصلا غیرطبیعی نیستند. بنابراین به جای اینکه همیشـه به عملکرد خوب خودتان دل خوش کنید، کمی هـم به فکر اتفاقات غیرمنتظره باشـید. اینطوری نه تنها حرص و جوش کمتری می‌خورید، بلکه مواجهه با شکست هم برای‌تان راحت‌تر می‌شود.

فرصت همیشگی تغییر مسیر: هیچ‌کس جلوی شما را نگرفته است!

گاهی اوقات آدم مسیری که تا امروز در زندگی‌اش طی کرده اصلا به نظرش جذاب نمی‌رسـد. فرقی ندارد شـما یک کارآفرین ۵۰ سـاله باشید یا جوانی که تازه دو هفته اسـت کارش را شروع کرده است؛ در هر صورت نارضایتی از کار مشکل بی‌نهایت مهمی محسوب می‌شود. خیلی‌ها فکر می‌کنند چون دیگر به کارشـان آلوده شده‌اند، دیگر شانسـی برای تغییر سرنوشت‌شـان ندارند. ما در روزنامه فرصت امروز کاملا با این ادعاها مخالفیم. اگر شما دوست دارید به معنای واقعی کلمه مدیر زندگی‌تان باشـید، باید همیشه شـانس مجدد به خودتان بدهید. این یعنی باید خیلی راحـت وقتی همه چیز به نظرتان کسـل‌کننده یا بی‌نتیجه اسـت، برنامه، اهداف یا حتی حوزه کاری‌تان را تغییر دهید. این ریسک بزرگ شاید خیلی سخت باشد، اما شما را از یک عمر حسرت دور نگه خواهد داشت.

یادتان باشـد شـما فقط یک بار فرصت زندگی دارید. پس به جای اینکه همیشـه با مشکلات مختلف دست و پنجه نرم کنید، بهتر است کمی هم به فکر راحتی خودتان باشـید. اینطوری همان مدیری می‌شـوید که همیشـه آرزویش را داشتید!

منابع:

https://www.entrepreneur.com/leadership/be-the-ceo-of-your-own-life-۴۳۵۴۸۹/with-these-hacks

https://www.profitableventure.com/becoming-a-ceo-company/

آشنایی با مهمترین بخش مدیریت امور داخلی شرکت

راهنمای قدردانی از کارمندان شرکت

نویسنده: علی آل‌علی

کارمندانی که مدت‌هاسـت کنار شـما درگیر توسـعه کسب و کار هسـتند، معمولا انتظارات زیادی ندارند. آنها معمولا با تمام توان‌شان کار کرده و گاهی اوقات ایده‌های کاربردی هم تحویل‌تان می‌دهند. اگر کارآفرین سختگیری باشید، شاید این توصیه‌ها را نوعی دخالت در کار خودتان قلمداد کنید. انگار که کارمندان منتظر فرصتی برای کله پا کردن شما و تبدیل شدن به مدیر جدید شرکت هستند. بی‌شـک این نگاه تیره و تار زندگـی هر مدیری را تبدیل به جهنم خواهد کرد. به همین خاطر ما همیشـه از مثال بازیگران تئاتر اسـتفاده می‌کنیم. همان‌طور که بازیگران تئاتر در طول تمرین نکاتی برای بهتر شدن نمایش تحویل کارگردان می‌دهند، کارمندان هم از سـر دلسـوزی نقطه نظرات‌شان را به شما منتقل می‌کنند. فکر می‌کنم شما هم قبول داشته باشید اینجا هیچ خبری از چشم و همچشمی نیسـت. به علاوه، کارمندانی که اینقدر به فکر کسـب و کارتان هسـتند، لایق برخوردی بهتر از نگاه‌های شکاکانه خواهند بود؛ مثلا یک قدردانی درست و حسابی!

تـا همین یکـی دو دهه قبل پرداخت بـه موقع حقوق کارمنـدان هـر مدیـری را تبدیل به قهرمانی افسـانه‌ای می‌کرد. انگار که همه ماموریت کارآفرینان در پرداخت به موقع حقوق خلاصه می‌شـد. از آن زمان تا حالا مدیریت داخلی شـرکت‌ها هم مثل همه بخش‌های زندگی عوض شـده اسـت. باور کنید یا نه، این روزها صرفا پرداخت به موقع حقوق شما را به جایی نخواهد رساند. در عوض باید فکری به حال قدردانی از کارمندان‌تان کنید؛ چراکه حتی بزرگترین برندهای دنیا هم بدون ایده‌های کارمندان‌شان یـک روز هـم دوام نمی‌آورند. به علاوه، رقبای شـما هم دست روی دسـت نمی‌گذارند، بلکه یک لحظه غفلت در قدردانی از کارمندان مثل چراغ سـبزی برای آنها خواهد بود. اینطوری خیلی زود بهترین کارمندان‌تان را در لباس فرم برندهای رقیب خواهید دید.

ما در روزنامـه فرصت امروز معتقدیـم کارمندان مثل ورزشـکاران حرفه‌ای هسـتند که هرچنـد وقت یکبار به تشویق مربی‌شـان نیاز دارند. اینطوری درست وقتی همه نگاه‌ها حاکی از پذیرش شکسـت اسـت، شـما مثل یک قهرمان افسانه‌ای ورق را به نفع برندتان برمی‌گردانید. البته ماجرا همیشه مثل فیلم‌های سینمایی پایان خوشی ندارد. اولین چالشی که جلوی پای‌تان قرار می‌گیرد، پیدا کردن راه و چاه قدردانی از کارمندان است. خب همینطور بدون مقدمه که نمی‌شـود از کسـی تعریف کرد. چه بسا بقیه کارمندان از تعریف و تمجیدهای شـما ناراحت شوند. آن وقت دیگر هیچ جوره نمی‌شود مشکل را حل و فصل کرد. ما در این مقاله قصد داریم بعضی از بهترین تکنیک‌ها برای قدردانـی از کارمندان را زیر ذره بین ببریم. اگر شـما هم مدت‌هاست دوسـت دارید روحیه کارمندان‌تان را تقویت کنید، دیگر انتظار به پایان رسیده است. با ما همراه باشید تا فوت و فن این کار را یاد بگیرید.

اشاره به عملکرد عالی کارمندان

کلاس موسـیقی را در نظـر بگیریـد کـه در آن همه هنرجوها مشتاقانه منتظر یادگیری گیتار هستند. در این بین شـاید مربی قصه ما برای روحیه بخشی به هنرجوها قـول دهد آخر ترم بهترین‌ها را در یک کنسـرت عمومی شـرکت دهد. بی‌شک این وعده آنقدرها جذاب هست که دسـت کم چند نفری در کلاس سـخت شروع به تمرین کنند. حـالا اگر در طول ترم این مربی هیچ اشـاره‌ای به عملکرد خوب هنرجوها نکند، چه اتفاقی می‌افتد؟ شـاید فکر کنید بعضی‌ها با سرسـختی تمام به کارشـان ادامه دهند، اما راستش را بخواهید همه این مقاومت‌ها آخر سر خواهد شکسـت. هرچه باشد آدم همیشه لازم دارد کسی تمجید از یک کارمند در بین دیگران را دردسرساز قلمداد کنید. شما هر چقدر هم که لحن خوبی داشته باشید، شاید بقیـه از توجه فراوان‌تان به یک نفر ناراحت شـوند. در این صورت بهترین راه حل استفاده از نامه‌های کوتاه و دوستانه است. اشتباه نکنید، منظور ما یکی دیگر از نامه‌های اداری و خشـک امروزی نیسـت. در عوض شـما باید نامه‌تان را کاملا صمیمانه بنویسید. اصلا فکر کنید دارید برای یکی از دوستان قدیمی‌تان نامه می‌فرستید. آن وقت متوجه تفاوت لحن‌تان خواهید شد. یادتان باشد شما در نامه قدردانی‌تان اصلا نباید از کلیشـه‌های معمولی اسـتفاده کنید؛ چراکه کلیشه‌ها نه تنها تاثیری روی مخاطب ندارد، بلکه کارمندان فکـر می‌کنند نامه را از سـر اجبار یا از زیـر کار در رفتن نوشـته‌اید. پس حسـابی روی نگارش نامه وقت گذاشته تا کارمند سختکوش‌تان را خوشحال کنید؛ به همین سادگی.

قدردانی دسته جمعی از تیم‌ها

همیشـه یک کارمند به تنهایی بهتریـن عملکرد دنیا را نـدارد. از آنجایـی که کارآفرینی هـم مثل فوتبال یک فعالیت گروهی اسـت، فقط وقتی شرکت‌ها دست‌شان به جام قهرمانی می‌رسـد که تک تک اعضا بهترین فرم‌شان را نشـان دهند. بی‌شـک در چنین سناریویی دیگر جایی بـرای قدردانی از یک یا چند کارمند محدود باقی نخواهد مانـد. در عوض شـما باید از همه اعضـای تیم صمیمانه تشکر کنید. هرچه باشد همه آنها نقش‌شان را بی‌نقص ایفا کرده‌اند تا دست شما به کاپ قهرمانی برسد.

ما در روزنامه فرصت امروز همیشه موفقیت‌های تیمی را به کارهای دیگر ترجیح می‌دهیم. اینطوری شـما به جای یک کارمند عالی، تیمـی فوق‌العاده دارید که هر کاری از دستش برمی‌آید. شاید فکر کنید قدردانی از همه اعضای شـرکت مثل عبور از هفت خان رستم سـخت باشد. در ایـن صورت بایـد بگوییم کاملا در اشـتباهید؛ چراکه در قدردانی‌هـای دسـته‌جمعی دیگـر خبری از حسـادت کارمندان به یکدیگر نیست. کافی است یک روز برای ناهار همه را دور هم جمع کرده و به عنوان مدیر شـرکت بابت زحمات‌شـان در طول چند ماه اخیـر صمیمانه قدردانی کنید. اگر کارآفرین باهوشی باشید، احتمالا دل‌تان به یک قدردانی خشـک و خالی از تیم شرکت رضایت نمی‌دهد. در این صورت اضافه کردن یک هدیه کوچک به ماجرا راه دوری نخواهد رفت. یادتان باشد شما قرار نیست بزرگترین هدیه دنیـا را به کارمندان‌تان بدهید، امـا آنها حق دارند در ازای موفقیت بزرگی که برندتان کسـب کرده سهمی هرچند کوچک داشته باشند. پس در کنار سناریو قدردانی تان جایـی برای هدیه‌هـای ماندگار هم بـاز کنید. قول می‌دهـم با چنین کاری تا سـال‌ها در ذهن کارمندان جا خوش خواهید کرد.

ایجاد سنت تشکر از کارمندان

موفقیت و کسب سـودهای چند میلیون دلاری اتفاقی نیست که هر روز برای کسب و کارها روی دهد. البته مگر اینکه شـما عضو شـرکتی مثل اپل یا نایک باشید. در آن صورت احتمالا هر روز یک موفقیت تازه سر و کله‌اش پیدا خواهد شـد. شما را نمی‌دانم، ولی برای من که تشکرهای خشـک و خالی روزمره در چنین شرکت‌های بزرگی اصلا جذاب به نظر نمی‌رسـد؛ چراکه عـادت به عملکرد عالی کارمندان اصلا دلیل خوبی برای تشـکرهای کلیشـه‌ای نیست. در عوض چنین برندهایی معمولا سنت‌های قدیمی بـرای ذوق زده کردن کارمندان‌شـان دارند. ماجرا جالب شد، نه؟ شرکت‌های بزرگ معمولا آخر هفته‌ها جشن‌های کوچکی برای قدردانی از کارمندان‌شان دارند. اگر بخواهیم از یک مثال دم دسـتی اسـتفاده کنیم، باید این کار را با جشن‌های خودمانی داخل رختکن تیم‌های ورزشی بزرگ بعد از هر پیروزی مقایسـه کنیم. بی‌شک این جشن‌ها نه هزینه زیادی روی دست برند می‌گذارد، نه خیلی دست و پاگیر خواهد بود. بـا این حال مقدمه‌ای عالی برای عوض کردن روحیه کارمندان محسوب می‌شود. شما در این الگو می‌توانید کارتـان را بی‌عیب و نقص جلـو برده و روحیه کارمندان را هم همیشه در بالاترین سطح نگه دارید.

بی‌شـک کسـب و کارهای کوچک نیاز به جشـن‌های هفتگـی ندارند. در عوض می‌توانیـد دورهمی‌های ماهانه اعضای شـرکت را با چنین جشن‌هایی ترکیب کرده و به طور تلویحی از آنها بابت زحمات‌شان قدردانی کنید. البته حواس‌تان باشـد بی‌خودی کارت‌های تشـکرتان را خرج نکنیـد؛ چراکه در صورت قدردانـی بی‌دلیلی از کارمندان چه بسـا آنها را بد عادت کرده و کیفیت کاری‌شان پایین هم بیاید.

بی‌خیال اشتباهات کوچک شوید

اگر قرار بود در شـرکت‌ها به جـای آدم‌های معمولی از ربات‌های تمام هوشمند استفاده شود، احتمالا دیگر خبری از اشـتباهات مختلف نبود. شاید ربات‌ها هم گاهی اوقات هنگ کنند، اما دسـت‌کم اشتباهات بزرگ دیگر جایی در عرصه کسـب و کار پیدا نمی‌کرد. شـاید این ایده خیلی جذاب به نظر برسـد، اما اگر بخواهیم با عینک واقع‌گرایی به ماجرا نگاه کنیم، ماجرا بیشـتر شبیه سناریو فیلم‌های علمی- تخیلی خواهد بود.

ایـن روزها حتی مدیران حرفه‌ای هم گاهی اوقات دچار اشتباهات بچه‌گانه می‌شوند. با این حساب انتظار عملکرد بی‌عیب از کارمنـدان خیلی غیرمنطقـی خواهد بود. در عوض شما باید همیشه حساب و کتاب‌های واقعی داشته باشید. وقتی کارمندان اشتباهات کوچک انجام می‌دهند، لازم نیسـت همیشه آنها را توبیخ کنید. هیچ‌کس از قصد اشتباهی را انجام نمی‌دهد. پس به جای اینکه کارمندان‌تان را سر هیچ و پوچ انگشت نما کنید، خیلی دوستانه از کنار اشتباه مورد نظر گذشته یا حداکثر در دیدارهای خصوصی راه حلی برای مشکل مورد بحث ارائه کنید. شاید این کار دقیقا قدردانی یا تشـکر از کارمندان نباشد، اما ارزش‌شان در ساختار شرکت را نشان می‌دهد.

خیلـی از کارآفرینـان فکـر می‌کنند همین کـه فورا اشتباهات کارمندان را در بوق و کرنا کنند، دیگر یک مدیر همه فن حریف خواهند بود. شما را نمی‌دانم، ولی من که مطمئنم چنین دسـت فرمانی کل اعتبـار یک برند را به باد خواهد داد. یادتان باشـد شـما همیشه لازم نیست به کارمندان ثابت کنید کوچک‌ترین حرکات‌شان را زیر نظر دارید. در عوض کمی آزادی عمل و اعتماد به آنها راه دوری نمی‌رود. اینطوری هم دل آنها را به دسـت می‌آورید، هم به طور کاملا غیرمستقیم از آنها تقدیر و تشکر کرده‌اید.

هدیه‌ای از جنس تعطیلات

چه کسی در دنیا از تعطیلات وسط هفته بدش می‌آید؟ بی‌شک هر جوابی به جز «هیچ‌کس» حسابی شک‌برانگیز خواهـد بود. هرچه باشـد کارهای روزمره آنقدر پرفشـار هست که حتی یک ساعت تعطیلی زودتر هم حسابی آدم را خوشحال کند؛ چه برسـد به چند روز تعطیلی درست و حسابی!

ایده ما در این بخش مثل روز روشـن است. اگر دوست داریـد یک قدردانی اساسـی از کارمندان کـرده و حال و هوای‌شـان را عوض کنید، باید بـدون معطلی تعطیلات وسط هفته به آنها پیشنهاد کنید. اینطوری همه با کیفیت ۴K نتیجه سـعی و تلاش بی‌وقفه در شـرکت را خواهند دید. یادتان باشد همیشه قبل از اینکه کسی را به تعطیلات بفرسـتید، دلیل آن را برای همه روشـن کنید. اینطوری دیگر خبری از شک و تردید بقیه کارمندان نخواهد بود و همه برای کار بهتر انگیزه پیدا می‌کنند.

تیم شرکت را ناهار مهمان کنید!

قدردانی از کارمندان لازم نیسـت همیشه هزینه گزافی روی دست‌تان بگذارد. گاهی اوقات ایده‌های ساده‌ای مثل دعوت هم به یک رستوران برای صرف وعده غذایی یا دور هم جمع شـدن در دفتر شـرکت با چاشنی کلی تنقلات کافی خواهد بود. البته یادتان باشـد این شما هستید که باید بقیه را مهمان کنید. هرچه باشد قدردانی از کارمندان وظیفه شماست و اگر قرار باشد هر کسی خودش دست به جیب شود دیگر خبری از قدردانی نخواهد بود.

اگر نظر ما را بخواهید، در جمع‌های دوسـتانه که همه مشغول صرف ناهار هستند، فرصت بی‌نهایت خوبی برای بحث‌های خودمانی پیش می‌آید. شما اینطوری می‌توانید در یک چشم به هم زدن حرف‌هایی که معمولا کارمندان در روزهای عادی به شـما نمی‌زنند را کشـف کنید. پس منتظر چه هستید؟ همین الان دست به کار شده و با یک تیر دو نشان بزنید!

منابع:

https://www.indeed.com/hire/c/info/show-appreciation-to-employees

https://www.businessnewsdaily.employee-appreciation-tips.-۸۱۵۲/com html

فرصت امروز

روزنامـه مدیریتـی -اقتصـادی

سه شنبه | ۲۲ آبان ۱۴۰۳ | شماره ۲۵۸۰ | صفحه ۸

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی فرصت سازان امروز

مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا قدیمی

چاپ: صمیم

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان زرتشت غربی، روبروی بیمارستان مهر پلاک ۴۵، طبقه سوم شرقی

دفتر مرکزی: ۸۸۹۹۱۹۲۷

آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه: WWW.FORSATNET.IR/REGULATIONS

WWW.FORSATNET.IR

INFO@FORSATNET.IR